

رساله به عبرانیان

مشخصات رساله به عبرانیان:

هدف:

نشان دادن کفایت و برتری مسیح نویسنده:

از آنجا که نام نویسنده در خود متن ذکر نشده، از پولس، لوقا، برنابا، اپلس، سیلاس، فیلیپس، پرسکلا و دیگران به عنوان نویسنده این نامه نام برده شده است. نویسنده هر که باشد، از تیموتاؤس به عنوان «برادر» یاد می کند (۲۳:۱۳).

گیرندگان:

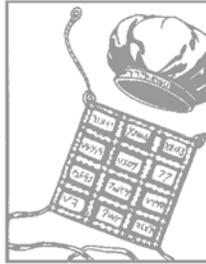
مسیحیان عبرانی نژادی که شاید به خاطر عدم بلوغ و عدم درک حقایق کتاب مقدس، در فکر بازگشت به یهودیت بودند. به نظر می رسد که آنها «نسل دوم» از مسیحیان باشند (۳:۲).

تاریخ نگارش:

احتمالاً قبل از ویرانی معبد اورشلیم در سال ۷۰ م، چون در کتاب به قربانی ها و مراسم مذهبی اشاره شده ولی ذکری از ویرانی معبد نشده است.

علت نگارش:

این مسیحیان یهودی نژاد از نظر اجتماعی و از لحاظ بدنی احتمالاً در معرض جفای شدید قرار داشتند، هم از طرف یهودیان و هم از سوی رومی ها. مسیح هنوز برای برقراری فرمانروایی اش باز نگشته بود، و ضرورت داشت که بار دیگر به ایمانداران اطمینان داده شود که مسیحیت درست است و عیسی واقعاً مسیح موعود می باشد.



مصرف کننده های دقیق چیزهای باارزش می خردند. والدین دانا بهترین ها را برای فرزندان خود می خواهند و برای جسم و روح و فکر در حال رشد آنها، غذای مناسب فراهم می کنند. افرادی که شخصیت محکمی دارند، می کوشند تا بهترین بهره برداری را از وقت، استعدادها و دارایی خود بکنند. در هر زمینه ای، بسنده کردن به کمترین ها، اسراف کاری، احمقانه و غیرمسئولانه به شمار می رود. با اینحال، گرایش به سمت راحتی، رفاه، و چیزی در حد ایده آل، کششی است طبیعی.

یهودیت دینی آسان نبود. چون طرح آن الهی بود، بهترین مذهبی بود که عبادت و وقف واقعی به خدا را نشان می داد. احکام، تشریفات مذهبی، و انبیا وعده های خدا را شرح می دادند و راه بخشش و نجات را آشکار می ساختند. سپس مسیح آمد، و به سخنان شریعت و انبیا جامه عمل پوشانید و حیات جاودانی را به رایگان در اختیار انسانها گذاشت.

پذیرفتن این پیغام برای یهودیان دشوار بود. گرچه آنها قرن ها در پی یافتن مسیح موعود بودند، اما تفکر و عبادت آنها به شیوه سنتی شکل گرفته بود. پیروی عیسی به معنای انکار میراث عالی و نوشته های مقدسشان به حساب می آمد. یهودیان با احتیاط و تردید به پیغام انجیل گوش فرا می دادند، اما بسیاری آن را رد کردند و در صدد ریشه کن کردن این «بدعت» برآمدند. ولی کسانی که عیسی را به عنوان مسیح موعود پذیرفتند، خود را در همان چیزهای سابق و آشنا می دیدند.

نامه به عبرانیان مدرکی است که به شیوه ای استادانه نوشته شده تا منحصر به فرد بودن برتری پیمان جدید را نشان دهد. پیام حاکم بر نامه این است که مسیحیت بر یهودیت برتری دارد زیرا مسیح برتر است و به تنهایی برای نجات کافی است.

نامه به عبرانیان با تأکید بر این نکته شروع می شود که هم مذهب پیشین (یهودیت) و هم مذهب جدید (مسیحیت) را خدا آشکار فرموده است (۱:۱-۳). در پی آن در قسمت نظری نامه (۴:۱-۲۳:۱۰)، نویسنده نشان می دهد که چطور عیسیایی که برتر از فرشتگان (۴:۱ - ۱۸:۲) و موسی (۱۳:۱-۱۹) است، آرامش بهتری را در اختیار ما می گذارد (۱۳:۱-۴)؛ او بر کاهنان عهدعتیق برتری دارد (۴:۴-۷:۲۸)؛ مسیحیت بر یهودیت پیشی می جوید چون شامل پیمانی بهتر (۱:۸-۱۳)، قربانگاهی بهتر (۱:۹-۱۰)، و قربانی ای با کفایت تر برای رفع گناهان (۹:۱-۱۰:۱۸) می باشد.

نویسنده بعد از اثبات برتری مسیحیت، به مفاهیم عملی پیروی از مسیح می پردازد. او از آنها می خواهد تا ایمان تازه خود را محکم نگه دارند، یکدیگر را تشویق کنند، و چشم انتظار بازگشت مسیح باشند (۱۰:۱۹-۲۵). نویسنده درباره عواقب رد قربانی مسیح به آنها هشدار می دهد (۱۰:۲۶-۳۱) و پادشاهی را که به خاطر وفاداری به مسیح خواهند گرفت، به یاد آنها می آورد (۱۰:۳۲-۳۹). سپس با مثال آوردن از

آیه کلیدی:

«فرزند خدا، منعکس کننده جلال خدا و مظهر دقیق وجود اوست. او با کلام نیرومند خود تمام عالم هستی را اداره می‌کند. او به این جهان آمد تا جانش را فدا کند و ما را پاک ساخته، گذشته گناه‌آلود ما را محو نماید؛ پس از آن، در بالاترین مکان افتخار، یعنی به دست راست خدای متعال نشست» (۳:۱).

افراد مهم:

مردان و زنان ایمان در عهدعتیق
(فصل ۱۱)

جنبه‌های خاص:

گرچه نامه به عبرانیان، «نامه» نامیده می‌شود (۲۲:۱۳)، اما بیشتر شکل و مضمون موعظه را دارد.

مردان و زنان ایمان از تاریخ اسرائیل، معنای زندگی با ایمان را شرح می‌دهد (۱:۱۱-۴۰). نویسنده نامه به عبرانیان ما را تشویق می‌کند تا از زندگی مسیح الگو بگیریم و اجازه بدهیم خدا ما را تأدیب کند (۱۲:۱۷-۱۷). این قسمت با مقایسه پیمان قدیم و جدید به پایان می‌رسد (۱۲:۱۸-۲۹). نویسنده، نامه را با نصایح اخلاقی (۱۳:۱-۱۷)، درخواست دعا (۱۳:۱۸ و ۱۹)، تحیات و درود، و بالاخره با دعای فیض به پایان می‌برد (۲۰:۱۳-۲۵).

عیسی مسیح مکاشفه کامل خدا، قربانی نهایی و کامل برای رفع گناه، و تنها راه برای رسیدن به حیات ابدی است. نامه به عبرانیان را بخوانید و تاریخ و زندگی را از دید خدا ببینید. سپس خود را بی‌چون‌وچرا و به‌طور کامل وقف مسیح کنید. به چیزی کمتر از این بسنده نکنید.

تقسیم‌بندی کلی

الف - برتری مسیح

(۱:۱-۱۸:۱۰)

۱- برتری مسیح بر فرشتگان

۲- برتری مسیح بر موسی

۳- برتری مسیح بر کاهنان عهدعتیق

۴- برتری پیمان جدید بر پیمان قدیم

نویسنده به‌وضوح برتری مسیح را بر هرکس و هرچیز نشان می‌دهد. مسیحیت جانشین همه مذاهب دیگر شده است و هیچ مذهبی هرگز نمی‌تواند بر آن تفوق جوید. کجا کسی می‌تواند فردی بهتر از مسیح را پیدا کند؟ زندگی در مسیح یعنی داشتن بهترین چیزی که زندگی در خود دارد. همه مذاهب متناقض با مسیحیت، تقلبی یا تقلیدی توخالی از آن است.

ب - برتری ایمان

(۱۹:۱۰-۲۵:۱۳)

یهودیانی که در قرن اول مسیحی شده بودند، به‌خاطر شک و تردید، به‌خاطر اطمینان خاطری که رسوم مذهبی به شخص می‌داد و به‌خاطر جفا، وسوسه می‌شدند که به یهودیت پناه ببرند. امروز هم ایمانداران به‌جای اینکه به ایمان واقعی بچسبند، وسوسه می‌شوند تا به شریعت‌گرایی پناه ببرند تا به این وسیله، حداقل ممکن را به انجام برسانند. ما باید بکوشیم تا هر روز با ایمان زندگی کنیم.

موضوعات مهم

موضوع	توضیحات	اهمیت
مسیح برتر است	نامه به عبرانیان هویت واقعی عیسی را در مقام الهی‌اش آشکار می‌سازد. حاکمیت برتر از آن اوست. او از هر مذهب و از هر فرشته‌ای برتر است. او فوق از هر رهبر یهودی (مثل ابراهیم، موسی، یا یوشع) و هر کاهنی است. او مکاشفه کامل خداست.	عیسی به تنهایی می‌تواند گناهان شما را ببخشد. او با مرگ روی صلیب، بخشش گناهان و نجات شما را تضمین کرده است. شما با ایمان به مسیح می‌توانید با خدا مصالحه کنید و به معنای واقعی زندگی دست بیابید.
کاهن اعظم	در عهدعتیق، کاهن اعظم به نمایندگی از طرف یهودیان به حضور خدا می‌رفت. عیسی مسیح ما را به خدا پیوند می‌دهد. هیچ راه برتر دیگری برای رسیدن به خدا وجود ندارد. چون زندگی عیسی مسیح بدون گناه بود، جانشین کاملی برای مجازات مرگ به‌خاطر گناهان ماست. او نماینده کامل ما در حضور خداست.	عیسی دسترسی ما را به خدای پدر تضمین می‌کند. او برای ما شفاعت می‌کند، از این رو ما با جرأت می‌توانیم با احتیاجاتمان نزد خدا برویم. وقتی ضعیف هستیم می‌توانیم با اطمینان جهت بخشش و کمک نزد خدا برویم.
قربانی	قربانی مسیح نهایت و کمال تمام قربانی‌های عهدعتیق و راهی بود که خدا از آن طریق گناهان را می‌بخشد. از آنجایی که مسیح قربانی کاملی برای گناهان ماست، همه گناهان ما، گناهان گذشته، حال، و آینده را به‌طور کامل بخشیده است.	مسیح گناه را که مانع ورود ما به حضور خدا و دوستی با او می‌شود، برداشت. اما ما باید قربانی او را برای خودمان بپذیریم. با ایمان به او دیگر گناهکار نخواهیم بود، بلکه از گناه پاک شده و کامل می‌شویم. قربانی او راه بدست آوردن حیات جاودانی را برای ما ایجاد می‌کند.
بلوغ و رشد	گرچه وقتی ما به مسیح ایمان می‌آوریم، از گناه نجات پیدا می‌کنیم، اما مکلفیم در ایمان پیش برویم و رشد کنیم. از طریق داشتن رابطه با مسیح، می‌توانیم زندگی پاکی داشته باشیم، وقف کار خاص خدا شویم، و در مسیر بلوغ پیش برویم.	بلوغ در ایمان، فرآیندی است که نیاز به وقت دارد. وفاداری روزانه و خدمت، موجب بلوغ می‌شود. اگر در ایمان بالغ شویم، به راحتی تحت تأثیر عقاید دیگر قرار نخواهیم گرفت و لغزش نخواهیم خورد.
ایمان	ایمان اعتمادی حاکی از اطمینان به خداست. نجات خدا در پسرش عیسی است، یعنی تنها کسی که می‌تواند ما را از گناه نجات بخشد.	اگر شما به عیسی مسیح برای نجات کامل از گناه، اعتماد کنید، او شما را کاملاً دگرگون خواهد کرد. زندگی توأم با اطاعت و راستی کامل، خدا را خشنود می‌سازد.
تحمل	ایمان مسیحیان را قادر می‌سازد تا با آزمایشها روبرو شوند. ایمان واقعی شامل تعهد به خداست، تعهد مبنی بر وفاداری نسبت به خدا در مواقعی که در خطر مرگ قرار داریم. <u>تحمل شخصیت را می‌سازد و به پیروزی منتهی می‌شود.</u>	شما در آزمایشها می‌توانید پیروز شوید، در صورتی که دست از ایمان به مسیح نکشید و از او روگردان نشوید. نسبت به مسیح وفادار بمانید و برای داشتن تحمل، دعا کنید.

الف - برتری مسیح (۱:۱ تا ۱۸:۱۰)

موضوع ارتباط مسیحیت با دین یهود، در کلیسای اولیه موضوعی بسیار حساس بود. نویسنده با توضیح دقیقی که از برتری مسیح بر فرشتگان، بر موسی و بر کاهنان اعظم می‌دهد، این اشتباه را رفع می‌کند. و با دلیل نشان می‌دهد که پیمان جدید بسیار برتر از پیمان قدیم است. این می‌تواند تشویق بزرگی برای ما باشد و کمک کند تا از مسیر ایمان به مسیح منحرف نشویم.

۱- برتری مسیح بر فرشتگان عیسی مسیح پسر خداست

در زمانهای گذشته، خدا بوسیله پیامبران، اراده و مشیت خود را بتدریج بر اجداد ما آشکار می‌فرمود. او از راه‌های گوناگون، گاه در خواب و رؤیا، گاه حتی روبرو، با پیامبران سخن می‌گفت. اما در این ایام آخر، او توسط فرزندش با ما سخن گفت. خدا در واقع، اختیار همه چیز را به فرزند خود سپرده و جهان و تمام موجودات را بوسیله او آفریده است.^۳ **فرزند خدا، منعکس کننده جلال خدا و مظهر دقیق وجود اوست.** او با کلام نیرومند خود تمام عالم هستی را

۱:۱
اعد ۸-۶:۱۲
۲:۱
مز ۸:۲
یو ۱:۱، ۱۸:۳، ۲۵:۸
۳:۱
مز ۱:۱۱۰
یو ۹:۱۴
۱قرن ۴:۴
کول ۱۵:۱

۱:۱ و ۲: خدا در روزگار عهد عتیق برای فرستادن پیامش به مردم از راه‌های گوناگونی استفاده می‌کرد. او با اشعیا در رؤیا (اشعیا ۶)، با یعقوب در خواب (پیدایش ۲۸:۱۰-۲۲)، و با ابراهیم و موسی روبرو (پیدایش ۱۸؛ خروج ۱۸:۳۱) سخن می‌گفت. برای یهودیانی که با این حکایت‌های کتاب مقدس آشنا بودند، باور اینکه خدا هنوز هم اراده‌اش را آشکار می‌کند، سخت نبود، اما برای آنها عجیب بود که تصور کنند خدا خود را با سخن گفتن از طریق پسرش عیسی مسیح، آشکار می‌سازد. عیسی کمال و نقطه اوج مکاشفات گوناگون خدا در طی قرن‌هاست.

۱:۲ و ۳: عیسی نه فقط سخنگوی خداست بلکه خود خداست، همان خدایی که در زمان عهد عتیق سخن می‌گفت. او ابدی است؛ او همراه با خدای پدر، جهان را خلق کرد (یوحنا ۱:۳؛ کولسیان ۱:۱۶). او مکاشفه کامل خداست. با نگاه به او، روشنترین نما را از خدا دریافت خواهید کرد، نمایی که واضح‌تر از آن وجود ندارد. عیسی مسیح تجسم کامل خداست.

۳:۱ کتاب عبرانیان قدرت رهایی بخش خدا را به قدرت خلاقه او پیوند می‌دهد. به بیانی دیگر، قدرتی که جهان را به هستی آورده و آن را اداره می‌کند، همان قدرتی است که گناهان ما را بر می‌دارد. پس چقدر اشتباه است اگر فکر کنیم خدا نمی‌تواند ما را ببخشد. هیچ گناهی آنقدر

۱:۱ این کتاب به تفصیل شرح می‌دهد که چگونه عیسی مسیح وعده‌ها و نبوت‌های کتب عهد عتیق را به انجام می‌رساند. یهودیان به کتب عهد عتیق اعتقاد داشتند، اما بیشتر آنها عیسی را به‌عنوان مسیح موعود رد کردند. به‌نظر می‌رسد که گیرندگان این نامه، مسیحیان یهودی‌نژاد بوده باشند. آنها به‌خوبی با آیات کتاب مقدس آشنایی داشتند و اقرار به ایمان به مسیح کرده بودند. اما چه به‌خاطر شک، چه به علت جفا، چه تعالیم دروغین، ممکن بود در خطر از دست دادن ایمان مسیحی‌شان و بازگشت به دین یهود باشند.

نویسنده این کتاب مشخص نیست. از اشخاص مختلفی به‌عنوان نویسنده این کتاب نام برده شده است، از جمله لوقا، برنابا، اپلس، پرسکلا و پولس. بیشتر محققین معتقدند که پولس نویسنده کتاب نبوده است، چون شیوه نگارش عبرانیان کاملاً متفاوت با رسالات پولس می‌باشد. به‌علاوه، پولس در نامه‌های دیگرش خود را معرفی می‌کند و به قدرت و اختیار خود به‌عنوان رسول متوسل می‌شود، درحالی که این نویسنده، نامی از خود نمی‌برد و برای اثبات گفته‌های خود، به شاهدان عینی خدمت عیسی متوسل می‌شود. مع‌هذا نویسنده عبرانیان بدون تردید پولس را خوب می‌شناسد. نامه به عبرانیان را احتمالاً یکی از همکاران نزدیک پولس که بارها موعظه‌های او را شنیده، نوشته است.

اداره می‌کند. او به این جهان آمد تا جانش را فدا کند و ما را پاک ساخته، گذشته گناه آلود ما را محو نماید؛ پس از آن، در بالاترین مکان افتخار، یعنی به دست راست خدای متعال نشست.

پسر خدا در مقایسه با فرشتگان

^۴ به این طریق، او از فرشته‌ها برتر گردید. نام او نیز گواه بر این برتری است: «پسر خدا!» این نامی است که خدای پدر به او داده، و از نام و لقب همه فرشته‌ها بالاتر است؛^۵ زیرا خدا خطاب به عیسی فرمود: «تو پسر من هستی؛ امروز این نام را با تمام افتخاراتش به تو می‌بخشم.» اما دربارهٔ هیچیک از فرشتگان چنین نگفت. در جای دیگری از کتاب آسمانی، خدا فرمود: «من پدر او هستم، و او پسر من است.»^۶ همچنین، در جای دیگر، هنگامی که فرزند ارشد او به جهان می‌آمد، فرمود: «همهٔ فرشتگان خدا او را پرستش نمایند!»^۷ خدا دربارهٔ فرشتگان می‌فرماید: «همچون باد، بسرعت پیغام می‌برند، و چون شعله‌های آتش، با شور و حرارت خدمت می‌کنند.»^۸ اما دربارهٔ فرزندش می‌گوید: «ای خدا، سلطنت تو تا ابد برقرار است؛ اساس حکومت تو، بر عدل و راستی است؛^۹ راستی را دوست می‌داری، و از ناراستی تنفر داری. بنابراین، خدا، یعنی خدای تو، بیش از هرکس دیگر تو را از شادی لبریز کرده است.»

۴:۱

افس ۲۱:۱

فیل ۹:۲

۵:۱

مز ۷:۲

مکا ۵:۱

۲ سمو ۱۴:۷

۶:۱

مز ۲۷:۸۹ ؛ ۷:۹۷

۷:۱

مز ۴:۱۰۴

۹وا:۱

مز ۷۶:۴۵

مسیح و فرشتگان در عبرانیان

مسیح و فرشتگان	در عبرانیان	در کتب عهدعتیق	چطور مسیح برتر از فرشتگان است
۶و۵:۱	مز مور ۷:۲	مسیح فرزند خدا نامیده شده است، عنوانی که هرگز به هیچ فرشته‌ای داده نشد.	
۱۴،۷:۱	مز مور ۴:۱۰۴	فرشتگان مهم هستند، اما فقط خدمتگزارند.	
۹وا:۱	مز مور ۶:۴۵	سلطنت او ابدی است.	
۱۰:۱	مز مور ۲۵:۱۰۲	مسیح خالق جهان است.	
۱۳:۱	مز مور ۱:۱۱۰	خدا افتخار منحصری فردی به مسیح داده است.	

نویسنده نامه به عبرانیان برای اینکه برتری مسیح را از فرشتگان ثابت کند، بارها از کتب عهدعتیق نقل قول می‌کند. مخاطبین او یعنی مسیحیان یهودی‌نژاد قرن اول، اعتقادات نامتعادلی در مورد فرشتگان و نقش آنها پیدا کرده بودند. خداوندی مسیح امری است مسلم، بدون آنکه به فرشتگان پرارزش و خدمتگزار خدا بی‌احترامی شود.

بزرگ نیست که حاکم جهان نتواند از عهده آن بر آید. او می‌تواند ما را ببخشد و خواهد بخشید اگر از طریق پسرش نزد او برویم. **۶و۵:۱** عیسی پسر نخست‌زاده (منحصربه‌فرد) خداست. در خانواده‌های یهودی، بالاترین امتیاز و مسؤولیت از آن فرزند ارشد بود. مسیحیان یهودی‌نژاد با خواندن این قسمت می‌فهمیدند که عیسی نخست‌زاده خدا، برتر از هر مخلوق دیگری است.

۱۲-۱۰:۱
مز ۲۷-۲۵:۱۰۲

۱ خدا همچنين او را «خداوند» نامیده است. از این جهت در کتاب آسمانی آمده است: «خداوند، تو در ابتدا زمین را آفریدی، و آسمانها ساخته دستهای توست.

۱۱ آنها نیست و نابود خواهند شد، اما تو تا ابد باقی هستی. آنها همچون لباسی کهنه، پوسیده و مندرس خواهند شد؛

۱۲ روزی آنها را در هم خواهی پیچید و تغییر خواهی داد. اما تو هرگز تغییر نخواهی یافت و سالهای عمر تو پایان نخواهد پذیرفت.»

۱۳ خدا به فرزندش فرمود: «در کنار من بنشین تا دشمنان را زیر پایهایت بیفکنم.» اما خطاب به هیچ فرشته‌ای چنین نگفت.

۱۴ زیرا فرشته‌ها فقط روح‌هایی خدمتگزار هستند، و برای کمک و مراقبت از کسانی فرستاده می‌شوند که مایلند نجات الهی را دریافت نمایند.

۱۳:۱
مز ۱:۱۱۰
متی ۴۴:۲۲

۱۴:۱
مز ۷:۳۴ : ۱۱:۹۱
روم ۱۷:۸
عبر ۳:۲

خطر انحراف از ایمان

۲ پس حال که پی بردیم عیسی مسیح دارای چه مقام والایی است، باید به پیغام و کلامی که شنیده‌ایم، بدقت توجه نماییم، مبدا ایمان خود را از دست بدهیم. ۲ زیرا اگر پیغام و کلامی که بوسیله فرشتگان آورده شد، دارای اعتبار و لازم‌الاجرا بود، و هر که از آن تخلف و نافرمانی می‌کرد، بحق مجازات

۲:۲
تث ۵:۵ : ۲:۳۳
اعما ۵۳:۳۸:۷
غلا ۱۹:۳

خدا را بپرستند، فرشتگان را ستایش می‌کردند. نویسنده نامه به عبرانیان به وضوح این گونه تعالیم را محکوم می‌کند. بعضی‌ها عیسی را برترین فرشته خدا می‌دانستند. اما عیسی فرشته برتر نیست؛ و به هیچ عنوان نباید فرشتگان را پرستید (مراجعه کنید به کولسیان ۱۸:۲؛ مکاشفه ۱۹:۱-۱۰). عیسی خداست، تنها او شایسته پرستش است.

۱۴:۱ فرشتگان را که روح‌های خدمتگزار هستند، خدا خلق کرد و آنها تحت قدرت و اختیار خدا قرار دارند (کولسیان ۱:۱۶). فرشتگان وظایف مختلفی دارند: خدمت به ایمانداران (۱۴:۱)، محافظت از ضعفا (متی ۱۸:۱۰-۱۱)، اعلام پیغام خدا (مکاشفه ۱۴:۶-۱۲)، و به اجرا گذاشتن حکم خدا (اعمال ۱:۱۲-۲۳؛ مکاشفه ۱:۲۰-۳).

۱:۲-۳ گوش کردن کار مشکلی است چون فکر، بدن، و حواس ما در آن دخیل هستند. گوش کردن به مسیح فقط به معنای شنیدن از او نیست، بلکه همچنین به معنی جواب دادن به او و همراه با اطاعت می‌باشد (مراجعه کنید به یعقوب ۱:۲۲-۲۵). ما نباید دست از اطاعت از مسیح بکشیم.

۱۱ و ۱۲ از آنجایی که خوانندگان نامه به عبرانیان، تجربه طرد شدن از سوی سایر یهودیان را داشتند، غالباً احساس تنهایی می‌کردند. بسیاری از آنها وسوسه می‌شدند که مسیح تغییرناپذیر را با ایمان آشنا و قدیمی خود عوض کنند. نویسنده نامه به عبرانیان به آنها هشدار می‌دهد که این کار را نکنند چون مسیح تنها امنیت در دنیای در حال تغییر است. هر اتفاقی در این جهان بیفتد، مسیح تا ابد ثابت باقی می‌ماند. بنابراین، فرد مسیحی کاملاً در امان است، چون بر محکم‌ترین بنیاد عالم، عیسی مسیح، قرار دارد.

۱۲:۱ تغییرناپذیری مسیح به چه معناست؟ یعنی شخصیت او هرگز تغییر نخواهد کرد. او همیشه ما را دوست دارد، عادل و منصف است، و ما را که بسیار نالایقیم، بدون قید و شرط می‌بخشد. امروز شاد باشید که مسیح تغییرناپذیر است. هروقت که احتیاج به کمک داشته باشید، او شما را یاری خواهد داد و هر وقت که بیفتید بخشش را به شما هدیه خواهد کرد.

۱۳:۱ معلمین دروغین در بسیاری از کلیساهای اولیه تعلیم می‌دادند که تنها از طریق فرشتگان می‌توان به خدا نزدیک شد. پیروان این بدعت‌ها، به‌جای اینکه مستقیماً

می‌شد،^۳ چگونه امکان دارد که ما از مجازات بگریزیم، اگر نسبت به چنین نجات عظیمی بی‌اعتنا باشیم؟ زیرا این مژده را ابتدا عیسی‌ای خداوند اعلام نمود، و بعد کسانی که آن را از دهان او شنیدند، آن را برای ما تأیید کردند.
^۴ خدا نیز با علامات، کارهای شگفت‌انگیز، معجزات گوناگون و عطایایی که روح القدس مطابق اراده خود می‌بخشد، صحت کلام ایشان را ثابت نمود.

۳:۲

عبر ۱:۲۰؛ ۱۰:۲۹

۴:۲

مر ۱۴:۶

مسیح به شکل انسان بدنیا آمد

^۵ به یاد داشته باشید که دنیای آینده که از آن سخن می‌گوییم، بوسیله فرشتگان اداره نخواهد شد، بلکه مسیح آن را اداره خواهد کرد. ^۶ زیرا داود پیغمبر در کتاب زبور به خدا می‌گوید: «انسان چیست که تا این اندازه او را مورد توجه قرار می‌دهی؟ این پسر انسان کیست که تا این حد او را سرافراز می‌گردانی؟^۷ زیرا هر چند برای مدتی کوتاه او را پایین‌تر از فرشتگان قرار دادی، اما اکنون تاج جلال و افتخار را بر سر او گذارده‌ای،^۸ و همه چیز را تحت فرمان او درآورده‌ای.»

۵:۲

عبر ۵:۶

۶:۲

مز ۴۸-۶۰

۸:۲

اقرن ۱۵:۲۷

مسیح به شکل انسان بدنیا آمد

درس‌هایی از انسانیت مسیح:

و می‌خواهد شما را رهبری کند.	مسیح رهبری کامل از نوع بشر است
و نمونه شایسته‌ای است.	مسیح الگویی کامل از نوع بشر است
و برای شما مرد.	مسیح قربانی‌ای کامل از نوع بشر است
و مرگ را شکست داد تا حیات جاودانی به شما بخشد.	مسیح فاتحی کامل از نوع بشر است
و او رحیم و شفیق است و ما را پاک می‌کند.	مسیح کاهن اعظم کامل از نوع بشر است

خدا در مسیح بصورت انسانی درآمد. نویسنده نامه به عبرانیان برای اثبات اهمیت زیاد این موضوع، به دلایل بسیاری اشاره می‌کند.

مهم‌تر از پیغام آنهاست. به‌خاطر فرار از مشکلات، به مسیح پشت نکنید.

۴:۲ در کتاب اعمال رسولان، می‌بینیم که هر وقت انجیل موعظه می‌شد، معجزات و عطایای روح، صحت آن را به اثبات می‌رساند (مراجعه کنید به اعمال ۳۱:۹-۴۳؛ ۱:۱۴-۲۰). پولس که عطایای روحانی را در رومیان ۱۲؛ اقرنتیان ۱۲-۱۴؛ و افسسیان ۴ مورد بررسی قرار می‌دهد، می‌گوید که هدف از عطایای روحانی، تقویت و تشویق کلیسا و محکم و بالغ کردن آن است. وقتی عطایای روح را در فرد یا در جماعت می‌بینیم، می‌فهمیم که خدا حقیقتاً حضور دارد. عطایا ما را به سوی شناخت عمیق‌تر خدا و شکرگزاری او رهنمون می‌شوند.

۳:۲ شاهدان عینی خدمت عیسی، تعالیم او را برای خوانندگان این کتاب به میراث گذاشته بودند. این خوانندگان نسل دوم از ایمانداران بودند که مسیح را در جسم ندیده بودند. آنها مانند ما هستند؛ ما عیسی را روبرو ندیده‌ایم، اما ایمان ما به مسیح بر پایه گزارش شاهدان عینی می‌باشد که در کتاب مقدس ثبت شده است.

۳:۲ موضوع اصلی کتاب عبرانیان این است که مسیح بی‌نهایت عظیم‌تر از تمامی راه‌های منتهی به خداست که پیش از او تدارک دیده شده بود. نویسنده کتاب به خوانندگان یهودی خود می‌گوید که ایمان قلبی‌شان خوب بود، اما مسیح به‌طور غیرقابل مقایسه‌ای بهتر است. همانطور که مسیح برتر از فرشتگان است، پیغام او نیز

ما تابحال ندیده‌ایم که همه چیز تحت فرمان انسان درآمده باشد؛^۹ اما عیسی را می‌بینیم که اندک زمانی پایین‌تر از فرشتگان قرار گرفت و اکنون در اثر فدا کردن جان خود در راه ما، خدا تاج جلال و افتخار را بر سر او گذاشته است. بلی، به سبب رحمت عظیم خدا، عیسی بجای تمام مردم جهان، طعم مرگ را چشید. او این درست و بجا بود که خدا، همان خدایی که همه چیز را برای جلال خود آفرید، اجازه دهد که عیسی عذاب ببیند، زیرا با این کار، بسیاری از فرزندان خدا را به سوی جلال آسمان هدایت می‌نماید. در واقع، عذابی که عیسی کشید، باعث شد او پیشوایی کامل گردد، پیشوایی که می‌تواند ایشان را بسوی نجات رهبری نماید.

^{۱۱} حال که ما بوسیله عیسی، مقدس شده‌ایم، پدر او، پدر ما نیز محسوب می‌شود. به همین علت، عیسی عار ندارد که ما را برادران خود بخواند؛^{۱۲} چنانکه در کتاب زبور نیز فرموده است: «درباره پدرم خدا، با برادرانم سخن خواهم گفت، و همگی با هم او را حمد و سپاس خواهیم گفت.»^{۱۳} در جای دیگر نیز فرموده است: «من با برادران خود، بر خدا توکل خواهم نمود.» همچنین در جای دیگر گفته است: «ببینید، این من و این هم فرزندان منی که خدا به ما عطا فرموده است.»^{۱۴} از آنجا که این فرزندان خدا، انسان هستند و دارای گوشت و خون می‌باشند،

۹:۲
اعما ۳۳:۲
فیل ۹:۶:۲

۱۰:۲
لو ۳۲:۱۳ : ۴۶:۲۴
اعما ۱۵:۳
روم ۳۶:۱۱
عبر ۹:۵
۱۱:۲
متی ۱۰:۲۸
یو ۱۷:۲۰
روم ۲۹:۸
۱۲:۱۳ : ۱۰:۱
۱۲:۲
مز ۲۲:۲۲
۱۳:۲
اش ۱۷:۸ و ۱۸
یو ۱۷:۱۵ : ۱۱:۹
۱۴:۲
یو ۱۴:۱
روم ۳:۸
اقرن ۱۵:۵ و ۵۵
تیمو ۱:۱
ایو ۸:۳

۱۰:۲ عذابی که عیسی کشید، باعث شد او پیشوایی کامل شود (مراجعه کنید به ۹:۵ و ۹:۸)؛ عذابی نیز که ما می‌کشیم باعث می‌شود که خادمین بهتری برای خدا بشویم. کسانی که درد را چشیده‌اند، قادرند با دلسوزی با خواهران و برادران دردمند خود همدردی کنند. هر وقت که دچار رنج می‌شوید، از خدا بخواهید به شما نشان دهد که چطور تجربه‌تان می‌تواند شما را در خدمت بهتر به مسیح باری دهد.

۱۱-۱۳ کتاب مزامیر بارها نگاهی به مسیح و خدمت او در دنیا دارد. اینجا قسمتی از مزمور ۲۲ که مزموری است درباره مسیح موعود، نقل قول شده است. از آنجا که خدا همه ایمانداران را به‌عنوان فرزند خود می‌پذیرد، عیسی آنها را برادر خود می‌نامد.

۱۴:۲ عیسی می‌بایست انسان گردد تا کفاره‌اش مورد قبول واقع شود و بتواند بر همان وسوسه‌هایی که ما نیز با آنها روبرو می‌شویم، غالب آید، و واسطی بین انسان و خدا شود. او به شکل ما در آمد تا ما بتوانیم به شکل خدا درآییم. **۱۴:۲** عیسی با مرگ خود، در راه ما قربانی شد و ما را از مرگ رهایی داد. او با قیام از مردگان، مرگ یعنی دشمن را شکست داد (مراجعه کنید به رومیان ۵:۶-۱۱؛ اقرنتیان ۱۵).

۹:۲ خدا همه چیز را در اختیار عیسی گذاشته است، همان عیسی که خود را به ما آشکار کرد. ما هنوز فرمانروایی عیسی را بر دنیا نمی‌بینیم، اما می‌توانیم او را در جلال آسمانی‌اش مجسم کنیم. اگر به‌خاطر فردا مشوش هستید و از آینده نگرانید، بکوشید تصویر کاملی از عیسی مسیح داشته باشید. سعی کنید بفهمید که او کیست، چه کار کرده و هم‌اکنون برای ما چه کار می‌کند. همین کار باعث می‌شود در تصمیماتی که در زندگی روزانه می‌گیرید، پایدار بمانید.

۱۰ و ۹:۲ رحمت خدا مسیح را بسوی مرگ هدایت کرد. چه شگفت‌انگیز است که این مفاهیم متناقض در کنار هم قرار می‌گیرند! رحمانیت در عین حال می‌تواند مستلزم درد کشیدن و فداکاری باشد، و اغلب همین‌طور هم هست. عیسی به جهان نیامد تا مقام یا قدرت سیاسی بدست آورد، بلکه آمد تا رنج بکشد و بمیرد تا ما بتوانیم فی‌الواقع زیست کنیم. اگر درک این حقیقت مشکل می‌نماید، شاید وقت آن رسیده که انگیزه‌های خود را ارزیابی کنیم. به کدامیک بیشتر علاقمندیم، قدرت یا اطاعت، حاکمیت یا خدمت، گرفتن یا دادن؟ اگر محرک ما محبت باشد و نه خودخواهی، ممکن است لازم باشد ما نیز عذاب بکشیم.

او نیز گوشت و خون شد و به شکل انسان درآمد؛ زیرا فقط با انسان شدن می توانست جانث را در راه ما فدا کند و بمیرد، و با مرگ خود، قدرت شیطان را نابود سازد، شیطانی که صاحب اختیار مرگ بود.^{۱۵} تنها از این راه بود که می توانست آنانی را که در تمام عمرشان در وحشت مرگ بسر می بردند و اسیر ترس بودند، رهایی بخشد.

^{۱۶} همه ما می دانیم که او برای کمک به فرشتگان نیامد، بلکه به این جهان آمد تا انسانهایی را که به گفته کتاب آسمانی، از «نسل ابراهیم» می باشند، دستگیری نماید.^{۱۷} به همین جهت لازم بود که او نیز از هر لحاظ مانند برادران خود گردد تا در حضور خدا، برای انسانها کاهن اعظمی دلسوز و وفادار باشد و به هنگام کفاره گناهان، بتواند در همان حال که نسبت به انسان رحیم و کریم می باشد، نسبت به خدا نیز وفادار بماند.^{۱۸} زیرا از آنجا که او خود عذاب دید و وسوسه شد، قادر است درد انسان را به هنگام عذاب و وسوسه درک کند و به کمک او بشتابد.

۲- برتری مسیح بر موسی

عیسی در مقایسه با موسی

۳ پس ای برادران عزیز، ای جدانشدگان و برگزیدگان خدا که برای رسیدن به آسمان دعوت شده اید، بیاید به عیسی بیندیشیم، به کسی که اعتراف می کنیم رسول خدا و کاهن اعظم ما است.

۱۷:۲

فیل ۷:۲

عبر ۱:۳ ؛ ۱۵:۴ ؛ ۱:۵

ایو ۲:۲

۱۸:۲

عبر ۱۵:۴ ؛ ۲:۵

۱:۳

یو ۳:۱۷

عبر ۱۷:۲ ؛ ۱۴:۴

عیسی در مقام کاهن اعظم، مراجعه کنید به توضیحات مربوط به (۱۴:۴).

۱۸:۲ آگاهی از این حقیقت که مسیح عذاب کشید و وسوسه شد، به ما کمک می کند تا رنجهای خود را تحمل کنیم. ما می دانیم که خدا کشمکش هایی را که داریم، درک می کند. از این رو به او توکل می کنیم تا ما را یاری دهد پیروز از عذابها بیرون بیاورد و بر وسوسه غالب شویم. وقتی با آزمایشها روبرو می شوید، نزد عیسی بروید. او احتیاجات شما را درک می کند و قادر است شما را یاری دهد (مراجعه کنید به ۱۴:۴-۱۶).

۱:۳ این آیه برای مسیحیان یهودی نژاد بسیار پرمعنی بود. از نظر یهودیان، کاهن اعظم بالاترین مقام انسانی بود. از نظر مسیحیان، پیام آوران خدا یعنی رسولان او، بالاترین مقام انسانی بودند. در کلیسا عیسی، رسول خدا و کاهن اعظم، بالاترین مقام است.

۱:۳-۶ نویسنده برای بیان رابطه عیسی با ایمانداران، تصاویر مختلفی از عیسی ارائه می دهد: (۱) او رسول خداست، کسی که ما باید به سخنان او گوش فرادهیم؛

۱۵و۱۴:۲ مرگ و قیام مسیح ما را از ترس مرگ آزاد می کند چون او مرگ را شکست داده است. آیا هستند بعضی از عزیزان شما که نیاز به آزادی از ترس از مرگ داشته باشند، آزادی ای که فقط مسیح می بخشد؟ همه کسانی که در ترس از مرگ بسر می برند، باید فرصتی برای شناختن حقیقت پیروزی مسیح داشته باشند. شما چگونه این مفهوم را با کسانی که به شما نزدیکند، در میان می گذارید؟

۱۷و۱۶:۲ در عهدعتیق، کاهن اعظم واسط بین خدا و قوم او بود. کار او این بود که مرتب حیواناتی را که برای قربانی آورده می شد، مطابق با قوانین شریعت به خدا تقدیم کرده، برای گناهان مردم در حضور خدا شفاعت کند. حالا عیسی مسیح کاهن اعظم ماست. او با مرگ فداکارانه اش یکبار جریمه گناهان همه ما را پرداخت و حالا پیوسته در حضور خدا برای ما شفاعت می کند. اگر ما خود را کاملاً تسلیم مسیح بکنیم و کاملاً به کاری که او برای ما کرده، توکل نماییم، او ما را از حاکمیت گناه آزاد خواهد ساخت (برای آگاهی بیشتر درباره

عیسی به خدا که وی را به مقام کاهن اعظم منصوب کرده بود، وفادار بود، همانگونه که موسی در خانه خدا وفادارانه خدمت می کرد. ^۳ اما عیسی، از عزت و جلالی به مراتب بیشتر از موسی برخوردار بود، همانطور که احترام سازنده خانه، بیشتر از خود خانه است. ^۴ در ضمن، بسیاری می توانند خانه بسازند، اما فقط خداست که آفریننده همه چیز می باشد.

^۵ موسی در خانه خدا به نحو احسن خدمت کرد، اما او فقط یک خدمتگزار بود؛ و اصولاً کار او بیشتر اشاره ای بود به اموری که بعدها می بایست تحقق یابد. ^۶ اما مسیح که فرزند امین خداست، مسئولیت کامل خانه خدا را به عهده دارد؛ و خانه خدا ما ایمانداران هستیم و خدا در وجود ما زندگی می کند؛ به شرطی که شهامت و شادی و اعتمادی را که در خداوند داریم، تا به آخر محکم نگاه داریم.

حالا زمان آن است که به خدا گوش فرا دهید

^۷ بدلیل همین برتری مسیح، روح القدس به ما هشدار می دهد که امروز به او گوش فرا دهیم و با دقت صدای او را بشنویم، ^۸ و نگذاریم دلهایمان مانند قوم بنی اسرائیل نسبت به او سخت شود. زمانی که خدا قوم اسرائیل را در بیابان امتحان می کرد،

۲:۳
اعد ۱۲:۷
۳:۳
۱۱-۷:۳
۵:۳
خرو ۳:۱۴
تث ۱۸:۱۵
۶:۳
اقس ۲۲-۱۹:۲
اتیمو ۱۵:۳
۱ پتر ۵:۲
متی ۲۲:۱۰
روم ۲۲:۱۱

۷:۳
۲ سمو ۲:۲۳
مز ۹۵:۷
اعما ۱۶:۱

همچنین راه را برای آمدن مسیح موعود آماده سازد. دعوت اخیر در مورد همه مقدسین عهدعتیق صادق است. بنابراین آگاهی از عهدعتیق، بهترین پایه برای درک عهدجدید است. با خواندن عهدعتیق، می بینیم که (۱) خدا چطور اشخاص را برای تحقق اهداف خود به کار می گیرد؛ (۲) خدا چطور از وقایع و شخصیت های سرشناس برای نشان دادن حقایق مهم استفاده می کند؛ (۳) خدا چطور از طریق انبیا آمدن مسیح موعود را اعلام می کند؛ و (۴) خدا چطور مردم را از طریق عبادت، برای درک خدمت مسیح موعود آماده می سازد. عهدعتیق را به مطالعه مرتب خود از کتاب مقدس اضافه کنید که در این صورت عهدجدید برای شما روشن تر و معنی دارتر خواهد شد.

۶:۳ از آنجا که مسیح در ما ایمانداران ساکن است، با شهامت تا به آخر استوار می مانیم. ما با استقامت خود نجات نمی یابیم، بلکه استقامت، وفاداری ما را آشکار می سازد. اگر در وفاداری پایدار نمایم، به آسانی از باد هر جفایی پراکنده خواهیم شد.

۷:۳-۱۵ کتاب مقدس بارها به ما هشدار می دهد که دل خود را سخت نسازیم. «سخت کردن دل خود» یعنی ضدیت با خدا تا جایی که دیگر قادر نباشیم برای نجات یافتن بسوی او باز گردیم. چنین سختدلی با ناطاعتی از اراده آشکار خدا شروع می شود. قوم اسرائیل وقتی از

(۲) او کاهن اعظم ماست، کسی که از طریق او نزد خدای پدر می رویم؛ (۳) او خالق ماست کسی که باید او را بپرستیم؛ و (۴) حاکم خانه خداست، کسی که باید از او اطاعت کنیم. کتاب مقدس پر است از تصاویر مختلف عیسی مسیح و هریک، بُعد متفاوتی از شخصیت او را نشان می دهند.

۲:۳ و ۳ موسی برای یهودیان، قهرمانی بزرگ بود چون او اجداد ایشان، یعنی بنی اسرائیل را از اسارت مصریان به سرزمین موعود هدایت کرد. او همچنین پنج کتاب از کتب عهدعتیق را نوشت و پیغمبری بود که خدا از طریق او قوانین اخلاقی و قوانین مربوط به مراسم را به قوم داد. اما عیسی مافوق موسی است، چون موسی فقط خدمتگزاری بود برای خدا از نوع بشر، در حالی که عیسی خود خداست (۳:۱). همانطور که موسی قوم اسرائیل را به بیرون از مصر هدایت کرد و آنها را از اسارت رهایی داد، به همان نحو مسیح ما را به بیرون از اسارت گناه هدایت می کند. نویسنده کتاب عبرانیان از خوانندگان خود می پرسد که چرا به موسی اکتفا می کنند، درحالی که می توانند عیسی مسیح را داشته باشند، یعنی کسی را که رهبر موسی بود.

۵:۳ موسی به دعوت خدا وفادار بود. خدا از او دعوت کرده بود تا نه فقط بنی اسرائیل را رهایی دهد، بلکه

۹:۳ مز ۹:۹۵ اعما ۳۶:۷	ایشان به محبت او پشت پا زدند و از او شکایت کردند؛ ^۹ اما خدا چهل سال تحمل نمود. با اینکه بارها کاسه صبر او را لبریز کردند، باز خدا در برابر چشمان ایشان معجزات حیرت آور بعمل آورد. ^{۱۰} اما خدا می فرماید: «من نسبت به ایشان خشمگین شدم، زیرا ایشان همواره گمراه هستند و هیچگاه مایل نبوده اند به راهی که من می خواستم بروند.» ^{۱۱} بنابراین، خدا به هنگام خشم خود، قسم خورد که دیگر هرگز اجازه ندهد ایشان وارد سرزمین موعود گردند و در آنجا آرامش یابند. ^{۱۲} پس ای برادران عزیز، مواظب باشید مبادا در یکی از شما، دلی گناهکار و بی ایمان وجود داشته باشد که او را از خدای زنده دور سازد. ^{۱۳} تا فرصت باقی است، هر روز یکدیگر را در ایمان تقویت کنید تا هیچیک از شما فریب گناه را نخورد و نسبت به خدا بی اعتنا نگردد.
۱۴:۳ عبر ۶:۳ ۱۵:۳ مز ۷:۹۵	^{۱۴} زیرا اگر تا به آخر وفادار بمانیم و مانند روزهای نخست ایمانمان، اعتماد خود را به خدا حفظ کنیم، آنگاه در جلال مسیح سهیم خواهیم شد. ^{۱۵} این اخطار کتاب آسمانی را فراموش نکنید که می فرماید: «امروز اگر صدای خدا را می شنوید، نسبت به آن بی اعتنا نباشید، مانند بنی اسرائیل که در بیابان نسبت به او بی اعتنا شدند.»
۱۶:۳ تث ۳۵ و ۳۴:۱	^{۱۶} آیا می دانید آنانی که صدای خدا را شنیدند و به آن بی اعتنایی کردند، چه کسانی بودند؟ آنان، همان کسانی بودند که به رهبری موسی، از سرزمین مصر بیرون آمدند. ^{۱۷} آیا می دانید چه کسانی برای مدت چهل سال، خدا را به خشم می آوردند؛ همان اشخاصی که گناه کردند و در نتیجه، در بیابان از بین رفتند. ^{۱۸} و خدا درباره چه کسانی قسم خورد و گفت که هرگز نخواهند توانست وارد سرزمین موعود شوند؟ درباره همان اشخاصی که از او سرپیچی کرده بودند. ^{۱۹} و چرا نتوانستند

ز نیم، دل ما، ما را از خدای زنده دور خواهد کرد. اگر دست از بی ایمانی نکشیم، عاقبت خدا ما را ترک کرده، تنها خواهد گذاشت. اما خدا می تواند دلی تازه، تمایلی تازه، و روحی تازه به ما بدهد (حزقیال ۲۲-۲۷). یک پادزهر برای مداوای دل سرکش، داشتن مشارکت دائمی با سایر ایمانداران، گفتگوی هر روزه با یکدیگر درباره ایمان، و تشویق یکدیگر با محبت و علاقه می باشد.

۱۵:۳-۱۹ قوم اسرائیل از دخول به سرزمین موعود باز ماندند چون اعتماد خود را به خدا از دست دادند. آنها ایمان نداشتند که خدا آنها را در فتح سرزمین موعود یاری خواهد داد (مراجعه کنید به اعداد ۱۴ و ۱۵)؛ و به خاطر عدم ایمان به او، شکست خوردند. به همین دلیل خدا آنها را به بیابان فرستاد تا به مدت ۴۰ سال سرگردان شوند. این انتخاب غم انگیزی بود که خودشان به آن دست زدند و

دستور خدا برای فتح سرزمین موعود سر باز زدند، سختدل شدند (مراجعه کنید به اعداد ۱۳ و ۱۴، همچنین مراجعه کنید به اعداد ۲۰ و مزور ۹۵). بیابید در اطاعت از کلام خدا مواظب باشیم و اجازه ندهیم دلمان سخت شود.

۱۱:۳ آرامش خدا معانی مختلفی در کتاب مقدس دارد: (۱) هفتمین روز آفرینش و نگاه داشتن روز سبت به طور هفتگی (پیدایش ۲:۲؛ عبرانیان ۴:۴-۹)؛ (۲) کنعان، سرزمین موعود (تثنیه ۸:۱۲-۱۲، مزور ۹۵)؛ (۳) صلح با خدا در زمان حال به خاطر رابطهای که با خدا از طریق ایمان داریم (عبرانیان ۴:۱۴-۸، ۱۱)؛ و (۴) حیات ابدی و آینده ما با مسیح (عبرانیان ۴:۸-۱۱). همه این معانی احتمالاً برای خوانندگان مسیحی و یهودی نژاد نامه به عبرانیان آشنا بود.

۱۲:۳-۱۴ اگر با لجبازی از ایمان آوردن به خدا سر باز

داخل سرزمین موعود گردند؟ زیرا نسبت به خدا بی‌ایمان بودند و به او وفادار نماندند.

آرامش برای مقدسین

۴ پس باید بترسیم، زیرا با اینکه وعده خدا هنوز به قوت خود باقی است، اما ممکن است بعضی از شما نتوانند آن را بدست آورند. زیرا همانگونه که خدا در زمان موسی، به قوم اسرائیل وعده سرزمین موعود را داد، در زمان حاضر نیز به ما این خبر خوش را داده است که می‌خواهد ما را نجات بخشد. اما وعده خدا به قوم اسرائیل، نفعی به ایشان نرسانید، زیرا آن را باور نکردند و به آن ایمان نیاوردند.^۳ فقط ما که به خدا ایمان داریم، می‌توانیم به آرامش خدا دسترسی پیدا کنیم. او فرموده است: «در خشم و غضب خود قسم خورده‌ام که آنانی که به من ایمان نیاورند، هرگز روی آرامش را نخواهند دید.» هرچند که از همان ابتدای جهان، چشم براه ایشان بود که بسوی او بازگردند و حاضر بود که ایشان را ببخشد، زیرا در کتاب آسمانی نوشته شده که خدا در روز هفتم آفرینش، هنگامی که همه چیز را آفریده بود، به استراحت پرداخت و آرامید.^۵ اما اشخاص بی‌ایمان به آرامش خدا دسترسی پیدا نکردند، زیرا فرمود: «هرگز روی آرامش نخواهند دید.»^۶ با اینحال، وعده خدا هنوز به قوت خود باقی است و بعضی که ایمان آوردند، به آرامش خدا دسترسی پیدا کردند، اما نه آنانی که در ابتدا این فرصت را داشتند، زیرا آنان احکام خدا را اطاعت نکردند و روی آرامش ندیدند.

۲:۴
اتسا ۱۳:۲

۳:۴
مز ۱۱:۹۵
۴:۴
پیدا ۲:۲
خرو ۱۷:۳۱

۶:۴
اعد ۳۰-۲۶:۱۴
عبر ۱۸:۳

است که بسیاری از مسیحیان امروز، با آن روبرو هستند. آنها چیزهای زیادی از مسیح می‌دانند، ولی شناخت شخصی از او ندارند. این قبیل اشخاص شناخت را با ایمان نمی‌آمیزند. بگذارید خبرخوش مسیح زندگی شما را تحت تأثیر قرار دهد. به او ایمان داشته باشید و با اطاعت، به مژده نجات او پاسخ مثبت دهید.

۴:۴ خدا در روز هفتم به استراحت پرداخت تا پایان کار آفرینش را جشن بگیرد. جهانی که او خلق کرد کامل بود، و خدا از آن بسیار خشنود بود. این استراحت و آرامی نمونه‌ای است از آن شادی که در ابدیت خواهیم داشت، زمانی که خلقت از گناه رهایی می‌یابد، زمانی که هر نوع نشانه‌ای از گناه نابود می‌گردد و جهان یک بار دیگر کامل می‌شود. ما زمانی در مسیح استراحت می‌پذیریم که به او اعتماد کنیم تا کار کامل و نیکی خود را در ما و از طریق ما انجام دهد.

هدیه باشکوهی را که خدا برای آنها در نظر گرفته بود، رد کردند. عدم اعتماد به خدا همیشه ما را از دست یافتن به «بهترین‌های» خدا باز می‌دارد.

۱-۳:۴ برخی از مسیحیان یهودی‌نژادی که این نامه را دریافت کردند، مانند کسانی که در زمان موسی از رسیدن به سرزمین موعود باز مانده بودند، شاید در مرز از دست دادن آرامشی قرار داشتند که در مسیح به آنها وعده داده شده بود. در هر دو مورد، مشکلات زمان حاضر بر وعده خدا سایه انداخته بود و ایشان دیگر ایمان نداشتند که خدا قادر است وعده‌های خود را عملی سازد. ما هم اگر به‌جای توکل به مسیح، به سعی و تلاش خود اتکا کنیم، ممکن است وعده‌های خدا را از دست بدهیم. تلاشهای ما هیچگاه کافی نمی‌باشد، بلکه فقط مسیح است که می‌تواند از ما در مشکلات حمایت کند.

۲:۴ وضعیت قوم اسرائیل در زمان موسی مبین مشکلی

۷:۴ مز ۷:۹۵	<p>۷ اما خدا از روی رحمت خود، فرصت دیگری را تعیین فرمود، و آن فرصت، «همین امروز» است. به همین جهت، سالها بعد از نخستین قصور انسان در ورود به آرامش الهی، خدا به زبان داود نبی فرمود: «امروز اگر صدای خدا را می شنوید، نسبت به آن بی اعتنا نباشید»، که این سخن خدا در سطور بالا نیز نقل قول شده است.</p>
۸:۴ یوش ۴:۲۲	<p>۸ اما این فرصت جدید برای آرامش که خدا وعده اش را می دهد، در سرزمین کنعان تحقق نمی یابد، زیرا یوشع قوم اسرائیل را قبلاً وارد آن سرزمین کرده بود. اگر منظور خدا، همان سرزمین کنعان می بود، بعد از مدت های طولانی «امروز» را برای ورود به این آرامش تعیین نمی کرد. ^۹ از این امر پی می بریم که فرصتی برای استراحت و آرامش کامل، در محلی انتظار قوم خدا یعنی ما را می کشد؛ ^{۱۰} و مسیح قبلاً وارد این محل شده است. او اکنون در آنجاست و استراحت می کند، همانگونه که خدا بعد از آفرینش استراحت نمود. ^{۱۱} پس بیایید تا ما نیز نهایت تلاش و کوشش خود را بکنیم تا وارد آن محل و مکان آرامش خدا گردیم، و مواظب باشیم مبادا مانند بنی اسرائیل، در اثر نافرمانی از ورود به آنجا محروم شویم.</p>
۱۰:۴ مکا ۱۳:۱۴	<p>۱۲ کلام خدا زنده و بانفوذ است و بزرگ تر از هر شمشیر تیزی است که مفصل را از استخوان جدا می کند، زیرا افکار پنهانی و نیت های مخفی دل ما را می شکافد تا ما را آنچنانکه هستیم، به خودمان نشان دهد. ^{۱۳} هر کجا که باشیم، خدا تک تک ما را می شناسد؛ چشمان تیزبین خدای زنده، همه ما را چنانکه هستیم می بیند. چیزی وجود ندارد که از نظر خدا پنهان بماند، و به اوست که باید سرانجام حساب پس بدهیم.</p>

نمی پذیرد، بلکه در منزلی که مسیح برای ما آماده می کند، به آرامشی ابدی تبدیل خواهد شد (یوحنا ۱:۱۴-۴).

۱۲:۴ کلام خدا فقط سخنانی از سوی خدا و ابزاری برای تبادل عقاید نیست، بلکه زنده و دگرگون کننده زندگی است، و وقتی در ما عمل می کند، پویا می شود. چاقوی جراحی با برشی که می دهد، آشکار می کند که ما چه هستیم و چه نیستیم. چاقوی تیز جراحی مشخص می کند در درون ما چه هست، بدی یا نیکی. ما نباید فقط شنونده کلام باشیم، بلکه باید به آن اجازه دهیم تا به زندگی ما شکل بدهد.

۱۳:۴ از آنجایی که هیچ چیز از خدا مخفی نیست، او همه اعمال ما را می بیند و همه افکار ما را می داند. حتی زمانی که ما از حضور او آگاه نیستیم، حتی زمانی که سعی می کنیم خود را از او پنهان کنیم، باز او همه چیز را می داند. ما نمی توانیم چیزی را از او مخفی کنیم. قابل توجه است که اگر چه خدا ذات ما را می شناسد، باز ما را دوست دارد.

۷:۴ خدا به قوم اسرائیل فرصت دخول به کنعان را داد، اما آنها نتوانستند وارد آنجا شوند، چون به او اعتماد نکردند (اعداد ۱۴ و ۱۵). امروز خدا فرصت دیگری را در اختیار ما می گذارد تا به مکان نهایی که در آنجا آرامش هست، دخول پیدا کنیم؛ او به ما این فرصت را می دهد تا نزد مسیح برویم. امروز زمان آن است که به مسیح ایمان بیاوریم و وارد مکان آرامش که همانا صلح با خداست، بشویم. فردا ممکن است خیلی دیر باشد.

۸-۱۱:۴ خدا از ما می خواهد که وارد آرامش او شویم. این آرامش برای قوم اسرائیل در زمان موسی، سرزمین موعود بود؛ این آرامش برای مسیحیان صلح با خدا در زندگی فعلی، و بعداً حیات ابدی در زمین جدید می باشد. لازم نیست منتظر زندگی پس از مرگ بشویم تا از آرامش و صلح خدا لذت ببریم؛ ما می توانیم همین حالا در زندگی روزانه از آن بهره ببریم! آرامشی که هر روز در خداوند داریم با مرگ پایان

۳- برتری مسیح بر کاهنان عهدعتیق عیسی مسیح کاهن اعظم ماست

۱۴ پس حال که کاهن اعظم ما، عیسی، فرزند خدا، به آسمان رفته تا در پیشگاه خدا میانجی ما باشد، بیایید ایمان و اعتمادمان را محکم نگاه داریم. ۱۵ این کاهن اعظم از ضعفهای ما بی خبر نیست، زیرا او خود در همین امور وسوسه شد، اما حتی یکبار هم به زانو در نیامد و گناه نکرد. ۱۶ پس بیایید به حضور تخت پر فیض خدا برویم تا او رحمت خود را شامل حال ما سازد و به لطف خود، ما را به هنگام نیاز یاری فرماید.

۱۴:۴
عبر ۱۷:۲ ؛ ۱۳:۳
۱۵:۴
۲۱:۵
عبر ۱۸ و ۱۷:۲
۱ پط ۲۲:۲
۱ یو ۵:۳
۱۶:۴
عبر ۱۹:۷ ؛ ۲۲، ۱۹:۱۰

نحوه عملکرد شخص نابالغ	در مقابل	نحوه عملکرد شخص بالغ	نحوه عملکرد بالغین
فقط آموزش ببیند.	به جای اینکه ...	به دیگران تعلیم می دهد	نگاهی به عملکرد خود در موارد مختلف، راهی است برای ارزیابی رشد روحانی تان. نویسنده نامه به عبرانیان به ذکر تغییرات بسیاری می پردازد که در نحوه عملکرد ما همزمان با رشد شخصیتمان رخ می دهد.
درگیر اصول مقدماتی باشد.	به جای اینکه ...	عمق درک روحانی اش را بیشتر می کند	
از خود عیبجویی کند.	به جای اینکه ...	خود را ارزیابی می کند	
در پی نفاق باشد.	به جای اینکه ...	در پی برقراری اتحاد است	
مشتاق تفریح و سرگرمی باشد.	به جای اینکه ...	برای جنگ روحانی اشتیاق دارد	
به عقاید خود بچسبد و با بی میلی تلاش و کوشش کند.	به جای اینکه ...	مطالعه و مشاهده دقیق دارد	
بی تفاوت و محتاط و مردد باشد.	به جای اینکه ...	ایمان فعال دارد	
بترسد.	به جای اینکه ...	اعتماد به نفس دارد	
تجربیاتش را بر حسب احساساتش ارزیابی کند.	به جای اینکه ...	احساسات و تجارب خود را در نور کلام خدا ارزیابی می کند	

که ما امروز تجربه می کنیم، پشت سر گذاشت. اما او متفاوت از ما است چون با اینکه وسوسه شد، ولی هیچگاه گناه نکرد. عیسی تنها انسان روی زمین می باشد که بدون گناه زندگی کرده است. و حالا در آسمان، او کاملاً ضعفا و وسوسه های ما را درک می کند و بخشش گناهان را در اختیار ما می گذارد.

۱۶:۴ دعا راه دخول به حضور خداست. بعضی از مسیحیان بسیار مطیع و بنده وار به حضور خدا می روند و جرأت ندارند که از او بخواهند تا احتیاجاتشان را رفع کند. بعضی دیگر بسیار سطحی و بدون تعمق دعا می کنند. با احترام به حضور او بروید، چون او پادشاه شماست؛ و نیز با اطمینان و جرأت بروید چون او دوست و مشاور شماست.

۱۴:۴ از نظر یهودیان، کاهن اعظم بالاترین مقام مذهبی بر روی زمین بود. تنها کاهن اعظم سالی یک بار وارد مقدس ترین جایگاه می شد تا برای گناهان همه قوم کفاره بگذراند (لاویان ۱۶). عیسی مانند کاهن اعظم بین ما و خدا وساطت می کند. او به عنوان نماینده انسانها، در حضور خدا برای ما شفاعت می کند و به عنوان نماینده خدا، ما را از بخشایش الهی مطمئن می سازد. قدرت و اختیار عیسی بیش از کاهنان اعظم یهودی می باشد چون او فی الواقع خدا و فی الواقع انسان است. برخلاف کاهن اعظم که فقط سالی یک بار می توانست به حضور خدا برود، مسیح در دست راست خدا نشسته است و برای ما شفاعت می کند. ۱۵:۴ عیسی مانند ما است چون او هر نوع وسوسه ای را

در دین یهود، کاهن اعظم انسانی است عادی همچون انسانهای دیگر، و انتخاب شده تا به نمایندگی از سوی همهٔ مردم به درگاه خدا برود. او وظیفه دارد هدایای مردم را به حضور خدا ببرد و خون حیواناتی را که قربانی کرده است به او تقدیم کند، تا گناهان خود و مردم را کفاره نماید؛ و از آنجا که او نیز انسانی بیش نیست، می‌تواند با افرادی که از راه راست منحرف شده‌اند، و جاهل و نادانند، با ملایمت رفتار کند، زیرا او خود نیز با همان وسوسه‌ها دست به گریبان است و درد مردم را بخوبی درک می‌کند.

^۴ اما نباید فراموش کرد که هیچکس نمی‌تواند به میل خود، کاهن اعظم شود؛ کاهن را باید خدا برگزیند، همانگونه که هارون را نیز خدا برگزید و معین فرمود. ^۵ به همین ترتیب، مسیح نیز شخصاً خود را به مقام پر افتخار کاهن اعظم نرساند، بلکه خدا او را به این مقام منصوب کرد. خدا به او فرمود: «تو پسر من هستی؛ امروز این نام را با تمام افتخاراتش به تو می‌بخشم.»^۶ همچنین، در جای دیگر به او گفت: «تو تا ابد کاهن هستی، کاهنی همپایهٔ ملک صادق.»

^۷ با اینحال، مسیح وقتی در این دنیا بسر می‌برد، با اشک و آه و اندوه عمیق به درگاه خدا دعا و التماس می‌کرد تا او را از قدرت مرگ نجات بخشد. خدا نیز دعای او را بسبب اطاعت کاملش مستجاب فرمود. ^۸ با اینکه عیسی فرزند خدا بود، اما می‌بایست عملاً درد و عذاب می‌کشید تا به تجربه، معنی اطاعت را بیاموزد. ^۹ پس از گذراندن این تجربه بود که نشان داد به حد کمال رسیده و

۱:۵

لاو ۳:۴ ؛ ۷:۹

عبر ۱۷:۲ ؛ ۲۷:۷ ؛ ۳۸:۴

۲:۵

عبر ۱۸:۲ ؛ ۲۸:۷

۳:۵

عبر ۲۷:۷ ؛ ۷:۹

۴:۵

خرو ۱:۲۸

اعد ۴۰:۱۶

۵:۵

مز ۷:۲

اعما ۳۳:۱۳

عبر ۵:۱

۶:۵

مز ۴:۱۱۰

۷:۵

مز ۱:۲۲-۴

متی ۵۳:۳۹؛ ۲۶

۸:۵

فیل ۸:۲

عبر ۲:۱

روح اطاعت از مسیح به شما توان بخشد و شما را دلگرم کند. وقتی بدانید که مسیح با شماست، می‌توانید با هر چیزی روبرو شوید.

۷:۵ آیا تابحال شده که فکر کنید خدا به دعاهای شما گوش نمی‌کند؟ در این صورت، یقین حاصل کنید که آیا در روح اطاعت دعا می‌کنید و مشتاق انجام اراده خدا هستید یا نه. خدا به فرزندان مطیع خود جواب می‌دهد.

۸:۵ زندگی عیسی نمایشنامه‌ای نبود که او با بی‌تفاوتی آن را به اجرا بگذارد. عیسی آن را داوطلبانه برگزید (یوحنا ۱۷:۱۰ و ۱۸). با اینکه اطاعت او از پدر به مرگ و عذاب منتهی می‌شد، اما اطاعت را انتخاب کرد. او که حتی در آزمایشها کاملاً از پدر اطاعت می‌کرد، می‌تواند به ما کمک کند تا ما نیز اطاعت کنیم، هرچقدر هم که این کار مشکل به نظر برسد.

۹:۵ مسیح از نظر اخلاقی کامل بود. از طریق اطاعت، او کاملیتش را نه به خدا یا به خودش، بلکه به ما نشان داد. **کامل** در کتاب مقدس غالباً به معنای کمال یا بلوغ است. مسیح با سهیم شدن در عذابهای ما، همه تجربیات بشری ما

۴-۶-۵ تأکید این فصل، هم بر مقام الهی مسیح است و هم بر مقام انسانی او (نویسنده از دو آیه از عهدعتیق، مزور ۷:۲ و ۴:۱۱۰ استفاده می‌کند تا مقام الهی مسیح را نشان دهد). در آن زمان که این کتاب نوشته می‌شد، کاهن اعظم در اورشلیم را رومیان انتخاب می‌کردند. اما در عهدعتیق، خدا، هارون، و فقط فرزندان او را برگزید تا کاهن اعظم باشند. مسیح نیز مانند هارون توسط خدا انتخاب شد.

۶:۵ ملک صادق کاهن شهر سالیم بود (شهری که بعدها اورشلیم نامیده شد). تاریخچه زندگی او در پیدایش ۱۵ وجود دارد. سِمت ملک صادق در عبرانیان ۷ شرح داده شده است.

۷:۵ مردن و عذاب کشیدن هیچ لذتی برای مسیح نداشت، اما به‌خاطر اطاعت از پدر، داوطلبانه درد و حقارت را تحمل کرد. گاهی ما نیز انتخاب می‌کنیم که خود را در معرض آزمایشها قرار دهیم، اما نه به‌خاطر اینکه عذاب کشیدن را دوست داشته باشیم، بلکه به‌خاطر اطاعت از خدا. در مواقعی که در آزمایش هستید، بگذارید

۱۰:۵
عبر ۱۷:۲؛ ۲۰:۶

می تواند نجات ابدی را نصیب آنانی سازد که از او اطاعت می نمایند؛^{۱۰} به همین جهت، خدا او را معین فرمود تا کاهن اعظم باشد، کاهنی همپایه ملک صادق.

پا فراتر از اصول مقدماتی بگذارید

^{۱۱} دربارهٔ این کاهن اعظم، سخن بسیار است، اما گویا دشوار بتوان آنها را برای شما تشریح کرد، زیرا درک روحانی تان کُند شده است.^{۱۲} مدتی طولانی است که شما مسیحی هستید، و اکنون باید معلم دیگران شده باشید؛ اما چنان در ایمان عقب مانده‌اید که نیاز دارید کسی از سر نو، الفبای کلام خدا را به شما بیاموزد. مانند نوزادی هستید که جز شیر قادر به خوردن چیزی نیست. به اندازهٔ کافی رشد نکرده‌اید که بتوانید خوراکیهای سنگین بخورید.^{۱۳} کسی که هنوز شیر می‌خورد، نشان می‌دهد که در زندگی روحانی خیلی عقب مانده و هنوز درست را از نادرست تشخیص نمی‌دهد.^{۱۴} شما هرگز نخواهید توانست خوراک سنگین بخورید و مطالب عمیق کلام خدا را درک کنید، مگر آنکه در روحانیت رشد کنید، و با انجام کارهای خوب و با تمرین، نیک و بد را از هم تشخیص دهید.

۱۲:۵
اقرن ۳:اوا

۱۳:۵
اقرن ۲۰:۱۴
افس ۱۴:۳:۴

۱۴:۵
اقرن ۱۴:۶:۲

پس، بیاید از الفبای مسیحیت بگذریم و به درسهای عمیق‌تر روحانی بپردازیم، و مانند مسیحیان با تجربه، در فهم و درک امور روحانی به سوی کمال پیش برویم. تصور نمی‌کنم که دیگر لازم باشد مانند سابق شما را به اجتناب از اعمالی که منتهی به مرگ می‌شوند، و یا به ایمان به خدا ترغیب کنیم.

۱۵:۶
فیل ۱۳:۳-۱۶
عبر ۱۲:۵-۱۴

می‌توانید استفاده صحیح از کتاب مقدس را از استفاده نادرست یا سطحی از آن تشخیص دهید؟

۱۴:۵ قابلیت ما در هضم مطالب عمیق الهی بستگی به میزان رشد روحانی ما دارد. اغلب اوقات ما خواهان ضیافت خدا هستیم پیش از آنکه از نظر روحانی توانایی هضم غذاهای آن را داشته باشیم. اگر در خداوند رشد کنید، در خواهید یافت که حتی بیشتر از آنچه که فکر می‌کردید، می‌توانید از شام ضیافت او بخورید.

۲۰:۶ دانستن اصول مشخصی از مسیحیت برای همه ایمانداران ضروری است. این اصول شامل توبه، تعمید، ایمان و غیره می‌باشد. ما باید دانش الهیاتی خود را کامل تر کنیم و به درک عمیق‌تری از ایمان برسیم. و این همان چیزی است که نویسنده قصد دارد بیان کند (۳:۶). مسیحیان باید اصول را به نوایمانان تعلیم دهند و نوایمانان بعد از آنکه آموخته‌های خود را در عمل پیاده کردند، باید چیزهای بیشتری از کلام خدا بیاموزند.

را به‌طور کامل تجربه کرد. و حالا او قادر است نجات ابدی را به کسانی که از او اطاعت می‌کنند، بدهد.

۱۳ و ۱۲:۵ این مسیحیان یهودی‌نژاد، نابالغ بودند. آنها تمایل نداشتند قدمی فراتر از سنت‌های باستانی، اعتقادات دیرینه، و بحث در مورد اصول مقدماتی بگذارند. آنها قادر نبودند درک کنند که مسیح کاهن اعظم است؛ برای نیل به این درک، ایشان می‌بایست خود را از بعضی از وابستگی‌های یهودی جدا می‌کردند، و دیگر ایمان را با فرهنگ ملی خود ادغام نمی‌کردند. سرسپردگی به مسیح، ممکن است آسایش و راحتی را از انسان بگیرد.

۱۴-۱۲:۵ برای اینکه هر یک از ما از طفولیت بیرون بیاییم و مسیحیان بالغی بشویم، باید قوه تشخیص داشته باشیم. و برای اینکه بتوانیم درست را از نادرست تشخیص بدهیم، باید با تمرین، وجدان، حواس، فکر و بدن خود را در این راستا تربیت کنیم. آیا شما می‌توانید وسوسه را پیش از آنکه بر شما مسلط شود، تشخیص بدهید؟ آیا

۲:۶ دیگر نیازی نیست بیش از این درباره غسل تعمید، نحوه دریافت عطایای روحانی، زندگی پس از مرگ و مجازات ابدی، شما را تعلیم دهیم.
 ۳ اکنون به خواست خدا جلو می‌رویم تا به موضوعهای دیگر پردازیم.
 ۴ و چگونه ممکن است کسی که از ایمان برگشته، بتواند بار دیگر توبه کند؟ کسی که یکبار با شنیدن پیغام انجیل، نور الهی در وجودش درخشیده، و طعم امور عالی آسمانی را چشیده، و در روح القدس نصیبی یافته است، و همچنین درک نموده که کلام خدا چقدر عالی است و نیروهای عالم آینده را نیز احساس کرده است، اگر با وجود تمام این برکات، از خدا روگردان شود، محال است بتوان او را بار دیگر با خدا آشتی داد. او در واقع فرزند خدا را رد کرده، و مانند اینست که او را مسخره و رسوا نموده، و حتی بر روی صلیب بار دیگر میخکوب کرده است. در این صورت، غیر ممکن است بتواند خود را بار دیگر برای توبه آماده سازد.

۷ زمینی که پس از بارش بارانهای فراوان، محصولی نیکو برای کشاورزان بوجود می‌آورد، از خدا برکت خواهد یافت. ^۸ اما اگر خار و خس تولید کند، نشان می‌دهد که زمینی است بی‌ارزش و مستحق لعنت الهی. سرانجام نیز آن را با آتش خواهند سوزاند.

۹ اما ای عزیزان، گرچه با این لحن سخن می‌گویم، اما گمان نمی‌کنم گفته‌هایم در مورد شما صدق کند؛ من یقین دارم که شما نجات یافته‌اید، و زندگی روحانی پرثمرتان این را ثابت می‌کند. ^{۱۰} زیرا خدا بی‌انصاف نیست. چگونه

۲:۶

اعمال ۶:۶ : ۱۷:۸
۳۱:۱۷ : ۴:۱۹

۲۵:۲۴

روم ۱۶:۲

۳:۶

اول قرن ۱۹:۴

۴:۶

متی ۲۲:۷

۳۲:۶ : ۱۰:۴

افس ۸:۲

عبر ۳۲:۲۶:۱۰

۲ پط ۲۰:۲

۱ یو ۱۶:۵

۵:۶

عبر ۵:۲

۱ پط ۳:۷

۶:۶

عبر ۲۹:۲۶:۱۰

۱۰:۶

متی ۴۲:۱۰ : ۴۰:۲۵

۲۰:۱۳

۱ تس ۳:۱

۶:۶ بعضی فکر می‌کنند که این آیه به ایماندارانی اشاره دارد که دست از ایمان خود می‌کشند. دیگران بر این عقیده‌اند که این آیه به بی‌ایمانانی اشاره می‌کند که به نجات نزدیک می‌شوند، اما بعد، از آن روگردان می‌شوند. در هر صورت، کسانی که مسیح را رد می‌کنند، نجات نخواهند یافت. مسیح یک بار برای همه مرد. او بار دیگر مصلوب نخواهد شد. هیچ راه ممکن دیگری بجز صلیب او برای نجات وجود ندارد. اما نویسنده باور ندارد که خوانندگان نامه‌اش واقعاً در خطر از دست دادن نجات باشند (مراجعه کنید به ۹:۶).

۷ و ۸ زمینی که محصول خوبی به‌بار آورد، مورد توجه زیاد قرار می‌گیرد؛ اما زمینی که خار و خس تولید کند، باید سوزانده شود تا کشاورز بتواند دوباره روی آن کار کند. زندگی بی‌ثمر مسیحی زیر لعنت خدا قرار می‌گیرد. ما با اعمال یا ثمراتی که در زندگی می‌آوریم نجات نیافته‌ایم، اما اعمال ما *گواه* بر نجات ماست. پرثمر بودن برای مسیح، وظیفه مهمی است.

۳:۶ این مسیحیان احتیاج به درک بیشتری در مورد مقام مسیح در سمت رئیس کهنه کامل و تحقق نبوت‌های عهدعتیق، داشتند. احتیاج آنها به‌جای بحث در مورد مزیت‌های خاص دین یهود و مسیحیت، این بود که به مسیح توکل کنند و زندگی پرثمری برای او داشته باشند. ۴-۶ در قرن اول، وقتی شخص بت‌پرستی بعد از تحقیق در مورد مسیحیت، دوباره بسوی بت‌پرستی بازمی‌گشت، روش زندگی‌اش را کاملاً در خلاف جهت کلیسا تغییر می‌داد. اما مسیحیان یهودی‌نژادی که تصمیم می‌گرفتند دوباره به دین یهود برگردند، تغییر روند زندگی آنها کمتر مشهود بود و شیوه زندگی آنها نسبتاً بدون تغییر می‌ماند. اما کسانی که عمداً از مسیح روگردان می‌شوند، راه دسترسی به بخشش الهی را برای خود سد می‌کنند. کسانی که در ایمان استوار می‌مانند، مقدسین واقعی هستند؛ کسانی که به رد کردن مسیح ادامه می‌دهند، هرچقدر هم رفتار خوبی داشته باشند، بی‌ایمان محسوب می‌شوند.

عیسی مسیح انسان بود. او از نسل ابراهیم به دنیا آمد، یعنی از نسل کسی که خدا او را برگزیده بود تا پدر قوم بزرگی شود و دنیا از طریق آن قوم برکت بیابد. ما به خاطر کاری که عیسی مسیح، فرزند ابراهیم، برای ما کرد، برکت یافته‌ایم.

خدا می‌خواست قومی را برای خود انتخاب کند تا او را به جهان بشناساند. او کار خود را با مردی شروع کرد که گرچه پیر بود و فرزندی نداشت، اما مرد ایمان بود و به وعده خدا مبنی بر اینکه فرزندان او بی‌شمار خواهند بود، ایمان داشت. ما هم اگر ایمان داشته باشیم، می‌توانیم به خدا توکل کنیم تا کارهای غیرممکن انجام دهد.

خدا کسانی را که به او توکل می‌کنند، جلال می‌دهد. گرچه در صورت توکل به خدا، دنیا ممکن است به دیده تحقیر به ما بنگرد، اما خدا وعده داده که ما را جلال خواهد داد.

ابراهیم از خدا اطاعت کرد و حالا پاداش خود را که برخوردار می‌شود از ابدیت در کنار خداست، یافته است. ما روزی ابراهیم را خواهیم دید، چون خدا به ما نیز وعده ابدیت را داده است.

ما نیز مانند ابراهیم زندگی ابدی خواهیم داشت، چون مانند ابراهیم، زندگی با ایمان را انتخاب کرده‌ایم.

بسیاری از وعده‌هایی که خدا به ابراهیم داد، به‌نظر غیرممکن می‌نمود، اما ابراهیم به خدا اعتماد کرد. ایمان داشتن به وعده‌هایی نیز که خدا در کلامش به ایمانداران می‌دهد، بسیار عجیب به‌نظر می‌رسد، اما ما می‌توانیم به خدا در وفا کردن به همه وعده‌هایش اعتماد کنیم.

خدا ابراهیم را هدایت کرد تا از سرزمین آبا و اجدادی‌اش به سرزمین ناشناخته‌ای که بعدها سرزمین موعود یهودیان شد، برود و او از خدا اطاعت کرد. وقتی ما از خدا اطاعت می‌کنیم، سرافکننده نخواهیم شد حتی اگر خدا همه نقشه‌هایش را برای ما آشکار نکرده باشد.

ابراهیم در مواقع ناامیدی، آزمایش و امتحان، ایمانش را نشان داد. خدا ابراهیم را به‌خاطر ایمانش، بی‌گناه و «دوست» خود بشمار آورد. خدا ما را به‌خاطر ایمانمان می‌پذیرد.

یهودیان فرزندان ابراهیم هستند و مسیح از نسل اوست. ما خواهران و برادران مسیح هستیم؛ پس همه ایمانداران فرزندان ابراهیم و فرزندان خدا هستند. ابراهیم به‌خاطر ایمانش بی‌گناه به حساب آمد؛ ما هم با ایمان به مسیح بی‌گناه شمرده می‌شویم. وعده‌هایی که خدا به ابراهیم داد، بواسطه مسیح از آن ما نیز هست.

متی ۱: ۱۷، ۲۱؛ لوقا ۳: ۲۳-۳۸

متی ۹: ۳؛ لوقا ۸: ۳؛ اعمال ۱۳: ۲۶؛ رومیان ۱: ۴؛ ۱: ۱۱؛ ۲قرنتیان ۱: ۲۲؛ عبرانیان ۱۴: ۶

عبرانیان ۴: ۷

متی ۱۱: ۸؛ لوقا ۱۳: ۲۸؛ ۱۶: ۲۳-۳۱

متی ۲۲: ۳۲؛ مرقس ۱۲: ۲۶؛ لوقا ۲۰: ۳۷؛ اعمال ۷: ۳۲

لوقا ۱: ۷۲، ۷۳ و ۷۴؛ اعمال ۳: ۲۵؛ ۷: ۱۷ و ۱۸؛ غلاطیان ۳: ۶، ۱۴-۱۶؛ عبرانیان ۱۳: ۶-۱۵

اعمال ۲: ۷-۸؛ عبرانیان ۱۱: ۱۷، ۱۸-۱۹

رومیان ۴؛ غلاطیان ۳: ۶-۹، ۱۴-۲۹؛ عبرانیان ۱۱: ۱۷، ۱۹-۱۹؛ یعقوب ۲: ۲۱-۲۴

رومیان ۶: ۹-۸؛ غلاطیان ۷: ۳، ۹-۱۴، ۲۹

ابراهیم در عهد جدید

ابراهیم جد عیسی مسیح بود

ابراهیم پدر قوم یهود بود

خدا ابراهیم را جلال داد

حالا ابراهیم به‌خاطر ایمانش، با مسیح در حضور خدا بسر می‌برد

خدا خدای ابراهیم است، پس او زنده و در کنار خداست

ابراهیم وعده‌های بزرگی از خدا دریافت داشت

ابراهیم از خدا اطاعت کرد

خدا، ابراهیم را به‌خاطر ایمانش برکت داد

ابراهیم پدر همه کسانی است که بوسیله ایمان نزد خدا می‌روند

امکان دارد زحماتی را که در راه او متحمل شده‌اید فراموش کند، و یا محبتی را که نسبت به او داشته‌اید از یاد ببرد، محبتی که از طریق کمک به فرزندان خدا نشان داده و می‌دهید؟^{۱۱} پس آرزوی ما اینست که همین روحیه و محبت را با نهایت اشتیاق در تمام طول زندگی حفظ کنید، تا به موقع از خدا پاداش بیابید،^{۱۲} و در زندگی روحانی دچار سستی و تنبلی نگردید، بلکه با شور و شوق فراوان، از مردان خدا نمونه بگیرید، مردانی که با صبر زیاد و ایمان قوی، به تمام وعده‌های خدا دست یافتند.

وعده‌های قطعی خدا به ما امید می‌بخشد

^{۱۳} برای نمونه، وعده خدا به ابراهیم را در نظر بگیرید. هنگامی که خدا این وعده را به ابراهیم می‌داد، به نام خود قسم خورد، زیرا کسی بزرگتر از او نبود تا به نام او قسم بخورد. وعده خدا به ابراهیم این بود که^{۱۴} او را به فراوانی برکت دهد و پسری به او ببخشد و نسل او را زیاد کند.^{۱۵} ابراهیم نیز با شکیبایی منتظر ماند تا سرانجام خدا مطابق وعده خود پسری به او داد، که همان اسحاق باشد.^{۱۶} وقتی شخصی برای کسی قسم می‌خورد، معمولاً به نام کسی سوگند یاد می‌کند که از او بزرگتر است. این سوگند، تضمین کننده گفته اوست و به هر نوع بحث و کشمکش میان آن دو خاتمه می‌دهد.^{۱۷} خدا نیز قسم خورد تا از این راه، به آنانی که از او وعده کمک دریافت کرده بودند، اطمینان بخشد و ایشان را خاطر جمع سازد که هرگز در وعده و اراده‌اش تغییری نخواهد داد.^{۱۸} به این ترتیب، خدا به ما، هم وعده کمک داده است و هم در مورد آن قسم خورده است، پس ما می‌توانیم در خصوص این دو عامل، یعنی وعده و قسم، یقین داشته باشیم، زیرا محال است که خدا دروغ بگوید. اکنون، تمام کسانی که برای رستگاری به خدا پناه می‌آورند، با دریافت چنین اطمینانی، جرأتی تازه می‌یابند،

۱۱:۶

کول ۲:۲

عبر ۶:۳ ؛ ۲۲:۱۰

۱۲:۶

عبر ۱۴:۱ ؛ ۳۶:۱۰ ؛ ۷:۱۳

۱۳:۶

پیدا ۱۶:۲۲

غلا ۱۶:۳

۱۴:۶

پیدا ۱۶:۲۲ و ۱۷

۱۵:۶

پیدا ۵:۲۱

۱۶:۶

خرو ۱۱:۲۲

غلا ۱۵:۳

۱۷:۶

مز ۴:۱۱۰

روم ۲۹:۱۱

عبر ۹:۱۱

۱۸:۶

تیط ۲:۱

عبر ۶:۳ ؛ ۱:۱۲

کار را خواهد کرد. قسم او به اندازه نام او اعتبار داشت و نام او نیز به اندازه طبیعت الهی‌اش معتبر بود.
۱۸:۶ و ۱۹:۶ خدا تماماً راستی است و از اینرو نمی‌تواند دروغ بگوید. چون خدا راستی است، شما می‌توانید به وعده‌های او اطمینان کنید؛ نباید در این فکر باشید که مبادا او نقشه‌هایش را عوض کند. وقتی جوینده واقعی با ایمان نزد خدا می‌رود، خدا وعده‌ای بدون قید و شرط مبنی بر پذیرفته شدنش به او می‌دهد. اگر بدون ریا، با صداقت و با خلوص نیت از خدا بخواهید که شما را از گناهانتان رهایی دهد، شما را **نجات** خواهد داد. چنین اطمینانی به شما جرأت و امید می‌دهد.

۱۲:۶ امید، فرد مسیحی را از احساس سستی و تنبلی حفظ می‌کند. مانند یک ورزشکار، با به یاد آوردن جایزه‌ای که در پیش رو دارید، سخت تمرین کنید و خوب بدوید (فیلیپیان ۱:۴-۱۳).

۱۵:۶ ابراهیم با شکیبایی به مدت ۲۵ سال، یعنی از زمانی که خدا وعده دادن فرزند را به او داده بود (پیدایش ۷:۱۲ ؛ ۱۳:۱۴-۱۶ ؛ ۱۵:۴ ؛ ۱۶:۱۷) تا زمان تولد اسحاق، منتظر ماند (پیدایش ۲۱:۱-۳).

۱۷:۶ وعده‌های خدا تغییرناپذیر و قابل اطمینان است چون خدا خودش تغییرناپذیر و قابل اطمینان می‌باشد. وقتی خدا به ابراهیم وعده فرزند را داد، به نام خودش قسم خورد که این

و می‌توانند اطمینان کامل داشته باشند که خدا مطابق وعده‌اش، نجاتشان خواهد داد.^{۱۹} امید کاملی که ما به نجات خود داریم، برای جان ما همچون لنگری است نیرومند که به هنگام طوفانها ما را ثابت و استوار نگاه می‌دارد. همین امید است که رابطه ما را با خدا حفظ می‌کند، یعنی با او که در آسمان، در آنسوی پرده «مقدس‌ترین جایگاه» می‌باشد؛^{۲۰} اما مسیح جلوتر از ما وارد این جایگاه شده، تا در مقام کاهن اعظم، همپایه ملک صادق، برای ما شفاعت کند.

۱۹:۶

لاو ۱۶:۱۵ و ۱۶

مز ۷:۱۳۰

عبر ۷:۹

۲۰:۶

عبر ۱۴:۴ ؛ ۶:۵ ؛ ۲۴:۹

ملک صادق در مقایسه با ابراهیم

این ملک صادق، هم پادشاه شهر «سالم» بود و هم کاهن خدای بزرگ. زمانی که ابراهیم چندین پادشاه را شکست داده بود و به دیار خود باز می‌گشت، ملک صادق به دیدن او رفت و او را برکت داد.^۲ ابراهیم نیز از غنایم جنگی، یک دهم را به او داد.

۱:۷

پیدا ۱۴:۱۷-۲۰

مز ۴:۱۱۰

عبر ۱۰:۶:۵

معنی نام ملک صادق، «عدل و انصاف» می‌باشد؛ پس او «پادشاه عدل و داد» و در ضمن، پادشاهی صلح‌جو بوده است، زیرا نام شهر وی، سالم یعنی «صلح و سلامتی» است.^۳ از آنجا که هیچگونه اطلاعی درباره او در دست نیست، می‌توان اینگونه تصور کرد که او فاقد پدر و مادر و اجداد بوده و زمانی نیز برای تولد و مرگش وجود نداشته است. از این نظر، او شبیه فرزند خداست و کاهنی است همیشگی.

^۴ ملاحظه کنید این ملک صادق چه سمت بزرگی داشته است:

نخست آنکه ابراهیم، یعنی پدر قوم یهود و برجسته‌ترین شخص مورد نظر خدا، یک دهم تمام درآمد خود را به او هدیه داد.^۵ اگر ملک صادق یک کاهن

۴:۷

پیدا ۲۰:۱۴

۵:۷

اعد ۲۶:۲۱:۱۸

۲:۷ نویسنده نامه به عبرانیان این ماجرا را بیان می‌کند تا نشان دهد که شخصی حتی بزرگتر از ابراهیم، پدر قوم یهود، و لاویان (نسل ابراهیم) وجود دارد. بنابراین کهانت یهودیان (متشکل از نسل لاویان) در سطحی پایین‌تر از کهانت ملک صادق (نمونه‌ای از کهانت مسیح) قرار داشت.

۳:۷-۱۰ ملک صادق کاهن خدای متعال بود (مراجعه کنید به توضیحات مربوط به پیدایش ۱۸:۱۴ و تاریخچه زندگی او در پیدایش ۱۵). کتاب مقدس می‌گوید که او تا ابد کاهن است (مزمور ۴:۱۱۰)، چون هیچ اثری از شروع یا پایان کهانت او وجود ندارد و تنها این را می‌دانیم که خیلی پیش از پیدایش قوم اسرائیل و شروع روش کهانت لاویان، او کاهن خدا در شهر سالم (اورشلیم) بوده است.

۱۹:۶ و ۲۰ این پرده به آن اشاره شده، بین ورودی جایگاه مقدس به مقدس‌ترین جایگاه که درونی‌ترین اتاقهای خیمه اجتماع را تشکیل می‌دادند، آویخته شده بود. این پرده مانع می‌شد که اشخاص به درون مقدس‌ترین جایگاه بروند، به داخل آنجا نگاه کنند، یا حتی نیم‌نگاهی به درون آن بیفکنند (همچنین مراجعه کنید به ۱:۹-۸). کاهن اعظم فقط سالی یک بار می‌توانست وارد مقدس‌ترین جایگاه شود تا در حضور خدا بایستد و برای گناهان تمام قوم کفار بگذراند. اما مسیح نه فقط سالی یک بار، بلکه همه وقت در حضور خداست. او کاهن اعظمی است که می‌تواند دائماً برای ما شفاعت کند.

۱:۷ **ملک صادق** به معنای «پادشاه عدالت» و **سالم** به معنای «صلح و سلامتی» است.

یهودی بود، کاملاً روشن می‌بود که چرا ابراهیم به او هدیه می‌دهد؛ زیرا بعدها از قوم یهود خواسته شد تا با هدایای خود، به کاهنان کمک کنند، چون کاهنان از بستگان و خویشان ایشان بودند.^۶ اما با اینکه ملک صادق نسبتی با او نداشت، ابراهیم به او این هدیه را داد.

۶:۷
روم ۱۳:۴
غلا ۱۶:۳

دوم آنکه ملک صادق، ابراهیم بزرگ را برکت داد.^۷ بطوری که همه می‌دانند، کسی که قدرت و اختیار اعطای برکت دارد، بزرگتر از کسی است که برکت را دریافت می‌کند.

۸:۷
عبر ۶:۵

^۸ سوم، کاهنان یهودی که هدایا را دریافت می‌کنند، انسانهای فانی هستند. اما ملک صادق که این هدیه را گرفت، مطابق کتاب آسمانی همواره به زندگی ادامه می‌دهد.

^۹ چهارم، حتی می‌توان گفت که «لاوی»، که جد همه کاهنان یهود بود، از طریق ابراهیم، به ملک صادق هدیه داد؛^{۱۰} زیرا زمانی که ملک صادق به دیدار ابراهیم آمد، گرچه لاوی هنوز بدنیا نیامده بود، اما می‌توان گفت در این وقت در داخل بدن ابراهیم بود.

۱۱:۷
غلا ۲۱:۲
عبر ۱۸ و ۱۷:۷

^{۱۱} پنجم، اگر کاهنان یهود، و شریعتی که به ایشان سپرده شده بود، می‌توانستند انسان را درستگار سازند، دیگر چه نیازی بود که خدا مسیح را بفرستد، آن هم در مقام کاهنی همپایه ملک صادق؟ و چرا بجای او، دیگری را نفرستاد که مانند سایر کاهنان، همپایه هارون، برادر موسی باشد؟

۱۴:۷
پیدا ۱۰:۴۹
اش ۱:۱۱
متی ۳:۱
لو ۳:۳
روم ۳:۱
مکا ۵:۵

^{۱۲} و ^{۱۳} و ^{۱۴} بعلاوه، زمانی که خدا کاهنی از نوع دیگر می‌فرستد، باید شریعت و حکم و روش خود را نیز در این خصوص تغییر دهد، تا این امر میسر گردد. چنانکه همه می‌دانیم، مسیح از قبیله کاهنان یعنی قبیله «لاوی» نبود، بلکه به قبیله «یهودا» تعلق داشت که برای کار کاهنی انتخاب نشده بود، و موسی هیچگاه چنین خدمتی را به قبیله یهودا محول نکرده بود.

مسیح همانند ملک صادق است

^{۱۵} پس بطور واضح می‌بینیم که خدا، حکم و روش خود را تغییر داد؛ زیرا مسیح که کاهن اعظم جدید و همپایه ملک صادق است،^{۱۶} مطابق شریعت و روش سابق از طایفه لاوی نبود؛ او بر اساس قدرتی کاهن شد که از حیات بی‌پایان جاری است.^{۱۷} در «زبور داود» نیز به همین موضوع اشاره شده؛ در آنجا به مسیح می‌گوید: «تو تا ابد کاهن هستی، کاهنی همپایه ملک صادق.»

۱۷:۷
مز ۴:۱۱۰

قربانی مسیح یک بار صورت گرفت و بخشش کامل و همیشگی را به ارمغان آورد. در عهد جدید، کهنات لاویان با قرارگیری مسیح در سمت کاهن اعظم، ملغی شد.

۱۱-۱۶ کهنات مسیح، بالاتر از کهنات لاویان بود (مزمور ۴:۱۱۰). قربانی حیوانات می‌بایست تکرار می‌شد، و بخشش گناهان فقط به‌طور موقت به دست می‌آمد، اما

^{۱۸} بلی، شریعت و روش سابق کاهنی، که بر اساس اصل و نسب بود، ملغی شد زیرا کاری از پیش نمی‌برد و سست‌تر از آن بود که بتواند به کسی امید نجات ببخشد،^{۱۹} و هرگز نتوانست کسی را واقعاً با خدا آشتی دهد. اما اکنون ما امید بهتری داریم، زیرا مسیح ما را مقبول خدا گردانیده است. بنابراین، می‌توانیم به خدا نزدیک شویم.

^{۲۰} در مورد مسیح، خدا قسم خورد که همیشه کاهن باشد. ^{۲۱} در مورد سایر کاهنان، خدا هرگز قسم به میان نیاورد. اما در مورد مسیح، آمده است که «خداوند قسم خورده و تغییر اراده نخواهد داد، که تو تا ابد کاهن هستی.»^{۲۲} بر اساس این قسم خدا، مسیح می‌تواند موفقیت این عهد و پیمان جدید و بهتر را برای همیشه تضمین کند.

^{۲۳} در آن روش و پیمان قدیم، تعداد کاهنان می‌بایست زیاد باشد، تا بعد از مرگ کاهنی، کاهن دیگری بتوانند برای ادامه خدمت، جایگزین او شود.^{۲۴} اما عیسی، از آنجا که تا ابد زنده است، برای همیشه کاهن می‌باشد و نیازی به جانشین ندارد.^{۲۵} بنابراین، قادر است همه آنانی را که بوسیله او به حضور خدا می‌آیند، بطور کامل نجات بخشد؛ و چون همیشه زنده است، پیوسته در حضور خدا برای ما وساطت می‌کند و این حقیقت را یادآور می‌گردد که تاوان گناهان ما را به بهای خون خود پرداخته است.

^{۲۶} این درست همان کاهن اعظمی است که ما نیاز داریم؛ زیرا او پاک و بی‌عیب و بی‌گناه و از گناهکاران جدا می‌باشد و در آسمان از مقامی پرافتخار برخوردار

۱۸:۷

روم ۳:۸

غلا ۴:۹

عبر ۱۱:۷

۱۹:۷

اعما ۳۹:۱۳

روم ۳:۲۰؛ ۲:۵

غلا ۴:۱۶

عبر ۱۸:۶؛ ۹:۹؛ ۱۰:۱۹-۲۲

۲۱:۷

اعد ۱۹:۲۳

مز ۱۱۰:۴

عبر ۲۸:۷

۲۲:۷

عبر ۶:۸

۲۴:۷

اش ۷:۹

یو ۱۲:۳۴

مکا ۱:۱۸

۲۵:۷

روم ۳:۴

اتیمو ۲:۵

ایو ۲:۱

۲۶:۷

۲۱:۵ قرن ۲

۱ پتر ۲:۲۲

که عیسی برای نجات ما انجام داد، اضافه کند؛ گناهان گذشته، حال و آینده ما همه بخشیده شده است، و بودن عیسی در کنار خدای پدر، نشانی است از بخشوده شدن گناهان ما. اگر شما مسیحی هستید، به خاطر داشته باشید که مسیح تاوان گناهان را یک بار و برای همیشه پرداخته است (همچنین مراجعه کنید به ۹:۲۵ و ۲۶).

۲۵:۷ مسیح، کاهن اعظم ما، مدافع ماست و بین ما و خدا وساطت می‌کند. در عهدعتیق کاهن اعظم سالی یک بار به حضور خدا می‌رفت تا تقاضای بخشش گناهان قوم را از خدا بکند؛ مسیح همیشه در حضور خدا برای ما شفاعت می‌کند. حضور مسیح در آسمان در کنار خدای پدر به ما این اطمینان را می‌دهد که تاوان گناهان ما پرداخته و بخشیده شده است (مراجعه کنید به رومیان ۸:۳۳ و ۳۴؛ عبرانیان ۲:۱۷ و ۱۸؛ ۱۵:۱۶).

۱۸:۷ و ۱۹: هدف از شریعت، نجات انسانها نبود، بلکه این بود که گناه را نشان دهد (مراجعه کنید به رومیان ۳:۲۰؛ ۵:۲۰) و به مسیح اشاره کند (مراجعه کنید به غلاطیان ۳:۲۴ و ۲۵). نجات از مسیح است، کسی که با قربانی‌اش بخشش گناهان ما را به ارمغان آورد.

۲۲:۷-۲۴: این روش جدید، پیمان یا عهد جدید نیز نامیده می‌شود. این روش، جدید است چون به ما امکان می‌دهد که از طریق مسیح، مستقیماً نزد خدا برویم و دیگر برای کسب بخشش الهی به قربانی حیوانات و کاهنان متکی نباشیم. روش جدید بهتر است چون کاهنان می‌مردند، اما مسیح تا به ابد زنده است. کاهنان و قربانی‌ها نمی‌توانستند انسانها را نجات بدهند، اما مسیح حقیقتاً این کار را می‌کند.

۲۵:۷ عیسی قادر است کاملاً نجات دهد. این به چه معناست؟ هیچ کس دیگری نمی‌تواند چیزی به کاری

است.^{۲۷} او هرگز احتیاج ندارد مانند سایر کاهنان، هر روز ابتدا برای گناهان خود و بعد برای گناهان قوم، قربانی کند؛ زیرا وقتی بر روی صلیب، خود را در راه ما قربانی کرد، برای همیشه به تمام قربانی‌ها پایان داد.^{۲۸} کاهنان اعظم که مطابق شریعت موسی به این مقام می‌رسند، افرادی ضعیف می‌باشند که نمی‌توانند خود را از گناه دور نگاه دارند. اما مدتها بعد از اعطای شریعت، خدا فرزند خود را که برای همیشه کامل می‌باشد، در مقام کاهن اعظم تعیین کرد و در این خصوص سوگند یاد کرد.

۴- برتری پیمان جدید بر پیمان قدیم در پیمان جدید مسیح کاهن اعظم است

خلاصه، مقصود کلی از این سخنان اینست که ما چنین کاهن اعظمی داریم که در آسمان در کنار تخت خدای متعال نشسته است.^۲ محل خدمت او، پرستشگاه مقدس آسمان یعنی جایگاه واقعی پرستش است که سازنده آن خداوند است، نه انسان.

^۳ وظیفه کاهن اعظم اینست که از جانب مردم، هدایا و قربانی‌هایی به حضور خدا تقدیم کند. مسیح نیز بعنوان کاهن اعظم می‌بایست چیزی قربانی نماید. ^۴ این قربانی که مسیح به حضور خدا تقدیم کرد، به مراتب برتر از قربانی‌هایی است که کاهنان در این جهان تقدیم می‌کنند. اما با وجود این، اگر عیسی در

۲۷:۷

لاو ۷:۹؛ ۱۱:۶-۱۵

روم ۱۰:۶

افس ۲:۵

عبر ۳:۵؛ ۹:۱۲، ۷:۹

۲۸:۷

عبر ۱۰:۲؛ ۵:۱۰ و ۲

۱:۸

کول ۱:۳

عبر ۳:۱؛ ۲:۱۷

۲:۸

خرو ۳:۷

عبر ۱۱:۹؛ ۱۰:۱۱

۳:۸

افس ۲:۵

عبر ۱:۵

۲۸:۷ این آیات تشریح می‌کنند که چرا مسیح می‌بایست بمیرد. اگر روش گذراندن قربانی یهودیان را بهتر بفهمیم، در می‌یابیم که مرگ مسیح گناهان ما را به‌طور کامل کفاره کرده است. مرگ او حیات ابدی را برای ما به ارمان می‌آورد. چقدر سنگدل، چقدر سرد، چقدر لجباز هستند آنانی که از پذیرفتن این مرگ که بزرگترین هدیه خداست، سر باز می‌زنند.

۴:۸ در شیوه قدیمی یهودی، کاهنان فقط از قبیله لاوی انتخاب می‌شدند، و این کاهنان همه روزه برای بخشش گناهان قربانی تقدیم می‌کردند (مراجعه کنید به ۱۲:۷-۱۴). در شیوه قدیمی، این امکان برای مسیح وجود نداشت که کاهن شود چون او از قبیله یهودا بود. اما قربانی کامل او باعث شد که دیگر نیازی به کاهنان و قربانی‌های دیگر وجود نداشته باشد.

به‌کار بردن فعل در زمان حاضر در عبارت «هنوز کاهنانی هستند که به شیوه قدیم، قربانی می‌کنند»، احتمالاً حاکی از آن است که این کتاب قبل از ۷۰ م. پیش از ویرانی معبد اورشلیم و پایان یافتن نظام قربانی‌ها، نوشته شده است.

۲۷:۷ در روزگار عهدعتیق وقتی حیوانی را برای قربانی تقدیم می‌داشتند، آن را قطعه‌قطعه می‌کردند، تکه‌های آن را می‌شستند، چربی آن را می‌سوزاندند، خون آن را بر قربانگاه می‌پاشیدند، و گوشت آن را آب‌پز می‌کردند. خدا خون را برای کفاره گناهان از آنها مطالبه می‌کرد و خون حیوانات را برای پوشاندن گناه انسانها می‌پذیرفت (لاویان ۱۷:۱۱). با آگاهی از لزوم تقدیم قربانی برای گناهان، قوم اسرائیل قاعدتاً می‌دانستند که گناه بهایی دارد و خودشان نیز گناهکارند. مشکل دنیای امروز این است که بیشتر مردم نمی‌فهمند که چقدر به‌دست آوردن بخشش گناهان برای مسیح گران تمام شد، به قیمت خون او (۱ پطرس ۱:۱۸ و ۱۹).

۲۷:۷ از آنجا که مسیح یک بار و برای همیشه مرد، به تمام قربانی‌ها پایان داد. او گناهان گذشته، حال و آینده ما را بخشید. دیگر احتیاج نبود که یهودیان برای کفاره کردن گناهان خود به روش قدیمی توسل جویند، چون مسیح، قربانی کامل، کار فدیه گناهان را به کمال رساند. دیگر لازم نیست برای بخشش گناهانتان در پی راه دیگری بگردید، چون مسیح آخرین قربانی برای شما بود.

این جهان می‌بود، نمی‌توانست کاهن باشد، زیرا در اینجا هنوز کاهنانی هستند که به شیوه قدیم، قربانی می‌کنند.^۵ خدمت ایشان در واقع، نمونه و تقلیدی است از امور آسمانی؛ زیرا زمانی که موسی می‌خواست خیمه‌ای را بعنوان محل عبادت بسازد، خدا به او یادآوری فرمود که آن را دقیقاً مطابق نمونه آن خیمه

۵:۸
خرو ۴۰:۲۵
کول ۱۷:۲
عبر ۲۳:۹

کاربرد	پیمان جدید در مسیح	پیمان قدیم به رهبری موسی	پیمان قدیم و پیمان جدید
مسیح برای شما مرد	مرگ فداکارانه مسیح، کسی که بی‌گناه بود	تقدیم هدایا و قربانی بوسیله کسانی که مرتکب گناه می‌شوند	نویسنده نامه به عبرانیان رابطه بین پیمانی را که بوسیله موسی بسته شد و پیمانی که بوسیله مسیح منعقد گردید، نشان می‌دهد، درست مثل نشان دادن شباهت‌ها و تفاوت‌های بین عکس یک نفر و خود او. نویسنده ثابت می‌کند که عهدعتیق سایه‌ای از خود مسیح بود.
خدا مستقیماً وارد زندگی شما شده است	برسلطنت مسیح بر قلب ایمانداران متمرکز است	بر ساختمان، جایی که شخص در آنجا به عبادت می‌پردازد، متمرکز است	
موقتی نیست بلکه ابدی است	واقعیت است	یک الگو است	
ما می‌توانیم به وعده‌هایی که خدا به ما می‌دهد، اعتماد کنیم	وعده‌های نامحدود دارد	وعده‌های محدود دارد	
مسیح درست در جایی که انسانها قادر نبودند، پیمان را حفظ کرد	مسیح در این پیمان وفادار ماند	انسانها در حفظ این پیمان کوتاهی می‌کنند	
خدا هم اعمال ما را می‌بیند و هم انگیزه‌های ما را. ما در مقابل خدا مسؤولیم، نه در برابر قوانین	معیارهای آن درونی است و در دل تازه به اجرا در می‌آید	معیارها و قوانین آن ظاهری است	
خدا شخصاً در دسترس است	دسترسی به خدا نامحدود است	دسترسی به خدا در این پیمان محدود است	
بخشش گناهان مانع این می‌شود که شکستهای ما موجب منسوخ شدن پیمان شود	برمحبت و بخشش استوار است	بر ترس استوار است	
خدا به‌طور کامل انسان را پاک می‌کند	ایمان به مسیح انسان را پاک می‌کند	اجرای قوانین انسان را پاک می‌کند	
قربانی مسیح کامل و آخرین قربانی بود	آخرین قربانی انجام شد	قربانی‌های مکرر انجام می‌شود	
ما از رابطه برخورداریم نه مقررات	خدای زنده خدمت می‌شود	از قوانین اطاعت می‌شود	
ما بخششی کامل و واقعی داریم	بخشش به رایگان داده می‌شود	بخشش کسب کردنی است	
می‌توانید مرگ مسیح را برای بخشش گناهانتان به‌کار بگیرید	با مرگ مسیح تمام شد	هر سال تکرار می‌شود	
خدا به‌خاطر محبتش نسبت به شما، این پیمان را بست	برفیض خدا متکی است	بر تلاش انسانی متکی است	
برای شما مهیاست	برای همه مهیا شده است	برای برخی مهیا بود	

آسمانی بنا کند که در کوه سینا به او نشان داده بود.^۶ اما مسیح، این کاهن آسمانی، خدمتی بس مهم تر از این کاهنان بعهدہ دارد، زیرا پیمان جدیدی که از سوی خدا برای ما آورد، برتر از آن پیمان قدیمی است و دارای وعده‌هایی به مراتب عالی تر می‌باشد.

۶:۸
عبر ۶:۳
عبر ۲۲:۷

^۷ پیمان قدیمی عملی نبود، زیرا در غیراینصورت لازم نمی‌شد پیمان دیگری جایگزین آن گردد.^۸ خدا پیمان قدیمی را عملی و کافی ندانست، زیرا فرمود: «روزی فرا خواهد رسید که با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا، پیمان جدیدی خواهم بست،^۹ اما نه مانند آن پیمان قدیمی که با اجدادشان بستم، در روزی که دست ایشان را گرفته، از سرزمین مصر بیرون آوردم؛ زیرا ایشان به وظایف خود در آن پیمان عمل نکردند. بنابراین، من نیز آن را فسخ نمودم.^{۱۰} اما اینست آن پیمان جدیدی که در آن روز با خاندان اسرائیل خواهم بست: احکام خود را در فکر ایشان خواهم نهاد و در دل ایشان خواهم نوشت، تا بی آنکه سخنی گفته باشم، بدانند از ایشان چه می‌خواهم، و از من اطاعت کنند. آنگاه من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من.^{۱۱} در آن زمان، دیگر کسی به همسایه خود نخواهد گفت، خداوند را بشناس! زیرا همه، از کوچک و بزرگ، مرا خواهند شناخت.^{۱۲} من نیز خطایای ایشان را خواهم بخشید و گناهانشان را دیگر بیاد نخواهم آورد.»^{۱۳} در اینجا خدا از وعده‌ها و پیمان جدیدی سخن می‌گوید. پس روشن است که پیمان قبلی، کهنه شده است؛ و هر چه که کهنه و قدیمی شود، بزودی از بین خواهد رفت.

۷:۸
عبر ۱۱:۷
۱۱-۸:۸
ار ۳۱:۳۱-۳۴

۱۱:۸
یو ۴۵:۶
ایو ۲۷:۲

۱۳:۸
عبر ۲۴:۱۲

مقررات عبادت در پیمان قدیم

۹ بهرحال، آن پیمان اول که خدا با قوم خود بست، با مقرراتی برای عبادت و محلی برای پرستش همراه بود. این محل پرستش، خیمه‌ای بود

۱:۹
خرو ۸:۲۵

جدیدی برای بخشش گناهان ارائه می‌شود، بخشش نه از طریق قربانی حیوانات بلکه از طریق ایمان. آیا در این پیمان جدید سهم شده‌اید و آیا در این شیوه بهتر قدم بر داشته‌اید؟

۸:۱۰ و ۱۱ در پیمان جدید، احکام خدا در درون ما جای می‌گیرد. روح‌القدس سخنان مسیح را به یاد ما می‌آورد، وجدان ما را حساس می‌کند، انگیزه‌ها و تمایلات ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد، و در ما این میل را ایجاد می‌کند که با اشتیاق قلبی از خدا اطاعت کنیم.

۱:۹ «خیمه» اشاره به خیمه‌ای است که خدا دستور ساخت آن را به موسی داد (مراجعه کنید به خروج ۳۶-۴۰).

۷:۷-۱۲ در این قسمت، نویسنده از ارمیا ۳۱:۳۱-۳۴ نقل قول کرده، پیمان جدید را با پیمان قدیم مقایسه می‌کند. پیمان قدیم بوسیله احکام خدا بین او و قوم اسرائیل بسته شد. پیمان جدید که شیوه بهتری است، بوسیله فیض بسته شد، فیضی که هدیه مسیح برای بخشش گناهان ما و آوردن ما نزد خدا از طریق مرگ فداکارانه‌اش می‌باشد. این پیمان از نظر وسعت قلمرو، جدید است چون فراسوی خاندان اسرائیل و خاندان یهودا رفته، تمام اقوام غیریهود را شامل می‌شود. این پیمان در نحوه به کار بستن هم جدید می‌باشد، چون در فکر و دل ما نوشته شده است. در این پیمان روش

ساخته دست انسان.^۲ این خیمه از دو قسمت تشکیل می‌شد. در قسمت اول که «جایگاه مقدس» نام داشت، شمعدان طلائی، میز و نان مقدس قرار می‌گرفت. قسمت دوم، «مقدس‌ترین جایگاه» نامیده می‌شد و پرده‌ای آن را از قسمت اول جدا می‌کرد. ادر این جایگاه، یک آتشدان طلائی و «صندوق عهد» قرار داشت. روکش داخلی و بیرونی این صندوق از طلائی خالص بود. داخل صندوق، دو لوح سنگی قرار داشت که بر روی آنها «ده فرمان» خدا حک شده بود. یک ظرف طلائی پر از «مَن» نیز در آن صندوق بود. «مَن» همان نانی است که خدا در بیابان هر روز به بنی‌اسرائیل می‌داد. همچنین، عصای هارون نیز که روزگاری شکوفه آورده بود، در این صندوق گذاشته شده بود. سرپوش صندوق عهد، «تخت رحمت» نامیده می‌شد. بالای تخت رحمت، مجسمه دو فرشته قرار داشت که بالهایشان را بر فراز تخت گسترده بودند. این دو فرشته که «کروبی» نام داشتند، نماینده جلال خدا بودند. تمام اینها، معانی خاصی دارند که الان فرصت نیست به شرح آنها بپردازم.

بهرحال، این وسایل به این ترتیب قرار می‌گیرند و کاهنان نیز برای انجام وظایف خود، هر روز وارد قسمت اول پرستشگاه می‌شوند.^۷ اما به قسمت دوم، فقط کاهن اعظم می‌تواند وارد شود، آن هم فقط سالی یک بار! او همراه خود مقداری خون قربانی به داخل می‌برد و بر تخت رحمت می‌پاشد، تا گناهان خود و گناهان قوم اسرائیل را کفاره کند.

اما روح‌القدس از طریق تمام این ترتیبات، این نکته را به ما خاطرنشان می‌سازد که مطابق شریعت و روش قدیم، تا زمانی که قسمت اول پرستشگاه برپاست، مردم عادی هیچگاه نخواهند توانست وارد مقدس‌ترین جایگاه گردند.^۹ امروز، از این موضوع می‌توانیم درس مهمی فرا بگیریم. طبق شریعت و روش قدیم،

۲:۹
خرو ۳۱:۲۳:۲۵ : ۱:۲۶
لاو ۵:۲۴
۳:۹
خرو ۳۳:۳۱:۲۶ : ۳:۴۰
۴:۹
خرو ۳۳:۱۶ : ۱۶:۱۰:۲۵
۱۸:۳۱ : ۱:۳۰
اعد ۱۰:۱۷
تث ۲:۱۰
۱۰:۵ تا ۲

۵:۹
خرو ۲۰-۱۸:۲۵
لاو ۲:۱۶

۷:۹
خرو ۱۰:۳۰
لاو ۱۱:۱۶
اعد ۲۵:۱۵
عبر ۳:۵

۸:۹
یو ۶:۱۴
عبر ۲۰:۱۰

۹:۹
غلا ۲۲ و ۲۱:۳
عبر ۱:۵

ورود به آن اتاق را نداشتند. تنها راه دسترسی آنها به خدا از طریق کاهن اعظم بود که قربانی تقدیم می‌کرد و خون قربانی را نخست برای کفاره گناهان خودش و سپس گناهان قوم به کار می‌برد (همچنین مراجعه کنید به ۱۹:۱۰).

۹:۹-۱۴ ممکن است شما با وجود شناختی که از مسیح دارید، هنوز سعی داشته باشید خود را مقبول خدا سازید. اما مراسم و تشریفات هیچ وقت نتوانسته قلب انسانها را از آلودگی‌ها پاک سازد. فقط با خون عیسی است که (۱) وجدان ما از احساس گناه آسوده شده است؛ (۲) از مرگ رهایی پیدا کرده‌ایم و می‌توانیم زندگی خود را وقف خدمت به خدا بکنیم؛ و (۳) ما از قدرت گناه آزاد

۹:۸-۸ کاهن اعظم سالی یک بار در روز کفاره می‌توانست وارد مقدس‌ترین جایگاه، یعنی درونی‌ترین اتاق خیمه شود تا گناهان قوم را کفاره کند. مقدس‌ترین جایگاه اتاق کوچکی بود که صندوق عهد (صندوقی با روکشی طلائی، محتوی همان لوح‌های سنگی که ده فرمان روی آن نوشته شده بود، ظرف پر از مَن، و عصای هارون) در آن قرار داشت. از سطح بالایی صندوق عهد به‌عنوان «تخت رحمت» (قربانگاه) استفاده می‌شد که در روز کفاره، کاهن اعظم خون را روی آن می‌پاشید. از نظر یهودیان، جایگاه مقدس، مقدس‌ترین مکان، روی زمین بود. فقط کاهن اعظم می‌توانست وارد آن مکان شود و دیگر کاهنان و مردم معمولی اجازه

مردم هدایا و قربانی‌ها تقدیم می‌کنند، اما هیچیک از اینها قادر نیست دل عبادت‌کننده را از آلودگیها پاک سازد؛^{۱۰} زیرا این شریعت فقط با تشریفات ظاهری سروکار دارد و به مسایلی نظیر خوردن و نوشیدن و غسل و طهارت و نظایر آن می‌پردازد. مردم نیز موظف بوده‌اند به این دستورات عمل نمایند و با آنها سر کنند تا زمانی که مسیح ظهور نماید و از جانب خدا راه و روش جدید و بهتری بیاورد.

مسیح، قربانی کامل برای رفع گناه

^{۱۱} اسرانجام، مسیح در مقام کاهن اعظم و عطاکننده برکاتی که نصیب ما شده است، ظاهر شد. او وارد خیمهٔ عالیتر و کاملتر آسمان گردید، خیمه‌ای که نه ساخته دست انسان است و نه جزو عالم مخلوق.^{۱۲} او یکبار برای همیشه به مقدس‌ترین جایگاه وارد شد و خون قربانی را بر تخت رحمت پاشید، اما نه خون بز یا گوساله، بلکه خون خود را، که با آن نجات ابدی ما را فراهم ساخت.

^{۱۳} اگر مطابق شریعت و روش قدیم، خون گاو و بز و خاکستر گوساله می‌توانست بدن انسان را ظاهراً از آلودگی گناه پاک سازد،^{۱۴} چقدر بیشتر خون مسیح، زندگی و قلب ما را دگرگون خواهد ساخت. قربانی مسیح ما را از شریعت و احکام بی‌روح سابق رهایی می‌دهد و در ما این میل را ایجاد می‌کند که با اشتیاق قلبی خدا را خدمت کنیم. زیرا مسیح نیز که کامل و بدون گناه بود، به کمک روح پاک و ابدی خدا، خود را با کمال میل به خدا تقدیم کرد تا در راه گناهان ما فدا شود.

۱۰:۹

لاو ۲۵:۲، ۱۱

اعد ۳:۶ ؛ ۱۹:۷

روم ۱۷:۱۴

افس ۱۵:۲

۱۱:۹

مر ۵۸:۱۴

عبر ۲:۸ ؛ ۹:۲۴ ؛ ۱۰:۱

۱۲:۹

لاو ۳:۴

عبر ۷:۷

۱۳:۹

لاو ۱۵:۱۶ و ۱۵

اعد ۹:۲، ۱۹

۱۴:۹

عبر ۳:۱ ؛ ۱:۶

۱ پتر ۱۸:۳

۱ یو ۷:۱

جهت قربانی بیاورند. گناهان آنها تا اندازه‌ای برایشان گران تمام می‌شد، زیرا آنها نمی‌توانستند گناهانشان را بر سر حیوانات معیوب قرار دهند. این به مسیح، بره بی‌عیب خدا اشاره دارد. از آنجایی که او بدون گناه بود، قربانی‌اش بی‌نهایت ارزش داشت.

۱۴:۹ اگر قلب ما تغییر نکند، پیروی از قوانین خدا ناخوشایند و مشکل خواهد بود. ما از کسانی که به ما می‌گویند باید چنین و چنان زندگی کنید، نافرمانی می‌کنیم. اما روح‌القدس تمایلات تازه‌ای در ما ایجاد می‌کند، او به ما یاری می‌دهد تا با اشتیاق از خدا اطاعت کنیم (مراجعه کنید به فیلیپیان ۱۲:۲ و ۱۳). وقتی خدا قلبی تازه در ما ایجاد می‌کند، در می‌یابیم که خدمت به خدا بزرگترین شادی ماست.

شده‌ایم. اگر بار گناه را بر دوش می‌کشید به این دلیل که نمی‌توانید خود را مقبول خدا سازید، با دید دیگری به مرگ مسیح و معنایی که مرگ او برای شخص شما دارد، بنگرید.

۱۲:۹ نویسنده، این تشبیه را از مراسم روز کفاره که در لایوان ۱۶ توصیف شده، گرفته است.

۱۴:۱۳ و ۱۴:۹ خدا با خون حیواناتی که قربانی می‌شد، انسانها را از گناهانشان پاک می‌کرد و بصورت آئینی و برطبق احکام عهدعتیق، آنها را مقبول می‌ساخت. اما قربانی مسیح زندگی و قلب ما را دگرگون می‌کند و از درون ما را پاک می‌سازد. قربانی مسیح بی‌نهایت مؤثرتر از قربانی حیوانات است.

۱۴:۹ خدا از مردم می‌خواست تا حیوانات بی‌عیب را

^{۱۵} به این ترتیب، مسیح با این پیمان جدید آمد تا تمام کسانی که از جانب خدا دعوت شده‌اند، بتوانند بسوی او آمده، برکات ابدی موعود را بیابند؛ زیرا مسیح در راه گناهان ایشان فدا شد تا ایشان را از مجازات گناهانی که در چارچوب شریعت قدیم مرتکب شده‌اند، آزاد سازد.

^{۱۶} زمانی که وصیتی از کسی باقی می‌ماند، پیش از آنکه ارث تقسیم شود، باید ابتدا فوت وصیت کننده ثابت گردد.^{۱۷} عبارت دیگر، وصیت‌نامه فقط بعد از مرگ وصیت کننده اعتبار می‌یابد، و تا زمانی که او زنده است، هیچیک از وارثین نمی‌تواند سهم خود را دریافت کند.

^{۱۸} به همین دلیل، حتی پیش از آنکه پیمان قدیم به مرحله اجرا درآید، به نشان جانبازی مسیح، خون پاشیده شد.^{۱۹} به این ترتیب که موسی ابتدا تمام احکام خدا را به قوم اسرائیل اعلام کرد؛ سپس خون گوساله‌ها و بزها را گرفت و با آب و گیاه زوفا و پشم قرمز، بر کتاب تورات و بر سر مردم پاشید،^{۲۰} و گفت: «این خون، نشان آن عهد و پیمانی است که خدا عطا کرده و می‌خواهد از آن اطاعت نمایند.»^{۲۱} سپس به همان صورت، بر خیمه مقدس و تمام وسایلی که در مراسم عبادت بکار می‌رفت، خون پاشید.^{۲۲} در واقع می‌توان گفت که مطابق پیمان اول، تقریباً همه چیز بوسیله خون پاک می‌گردد و بدون ریختن خون، هیچ گناهی بخشیده نمی‌شود.

^{۲۳} به همین دلیل، خیمه مقدس زمینی و متعلقات آن، که نمونه و سایه‌ای از چیزهای آسمانی بود، می‌بایست همه با خون حیوانات پاک گردند.

۱۵:۹

روم ۲۵:۳

اتیو ۵:۲

عبر ۱:۳

۱ پط ۱۸:۳

۱۷:۹

غلا ۱۵:۳

۱۸:۹

خرو ۶:۲۴

۱۹:۹

خرو ۸-۵:۲۴

لاو ۴:۱۴

عبر ۱:۱

۲۰:۹

خرو ۸:۲۴

متی ۲۸:۲۶

۲۱:۹

خرو ۱۲:۲۹

لاو ۱۵:۸

۲۲:۹

لاو ۱۱:۱۷

۲۳:۹

عبر ۵:۸

را برای قربانی تقدیم می‌کردند، چشم‌انتظار آمدن مسیح موعود بودند. بعد از اینکه مسیح آمد و برای گناهان ما مرد، دیگر دلیلی وجود ندارد که به روش تقدیم قربانی بازگشت کنیم. چرا باز چشم انتظار چیزی باشیم که قبلاً به وقوع پیوسته است؟

^{۲۲:۹} چرا بخشش گناهان مستلزم ریختن خون است؟ این حکمی مستبدانه از جانب خدای تشنه خون نیست، چنانکه بعضی‌ها چنین تصویری داشته‌اند. برای حیات، نمادی بهتر از خون وجود ندارد؛ خون ما را زنده نگه می‌دارد. عیسی خودش را برای گناهان ما ریخت، به عبارتی دیگر زندگی‌اش را داد تا ما مرگ روحانی را که جدایی ابدی از خداست، تجربه نکنیم. بعد از اینکه خودش را برای ما ریخت، پیروزمندانه از قبر برخاست و پیروزی بر گناه و مرگ را اعلام کرد.

^{۲۳:۹} خیمه زمینی انعکاس و نمادی از واقعیت‌های آسمانی بود، گرچه ما این امر را به‌طور کامل درک نمی‌کنیم.

^{۱۵:۹} در تفکر بشری، ارزش یک چیز عالی به این است که تعداد معدودی از انسانها از آن برخوردار باشند، نه همه. مثلاً «تیراژ محدود» به معنای «ارزشمند بودن» کتاب است چون تعداد معدودی از افراد می‌توانند نسخه آن کتاب را داشته باشند. اما نقشه عظیم خدا برای فدیة گناهان در تضاد آشکار با این طرز نگرش قرار دارد، به این ترتیب که پرارزش‌ترین همه گنجها در دسترس همگان قرار می‌گیرد. در تفکر الهی هرچه تعداد کسانی که از آن چیز پرارزش برخوردار باشند، و هرچه تعداد استفاده‌کنندگان بیشتر باشد، ارزش آن چیز زیادتیر می‌شود! ایمان خود را با اعلام آن به دیگران، و استفاده از آن برای خدمت به خدا، به کار بگیرید و بدینسان پرارزش آن بیفزایید.

^{۱۵:۹} در روزگار عهدعستیق نیز مردم از طریق قربانی مسیح موعود نجات پیدا می‌کردند، گرچه عیسی هنوز قربانی نشده بود. آنها در حینی که حیوانات بی‌عیب

^{۲۴} زیرا مسیح به خود آسمان داخل شد تا از جانب ما در پیشگاه خدا حاضر باشد. بلی، او وارد پرستشگاه زمینی نشد، چون این فقط نمونه‌ای از آن پرستشگاه آسمانی است. ^{۲۵} در ضمن، او خود را بارها قربانی نکرد، برخلاف آنچه که کاهن اعظم بر روی زمین انجام می‌دهد؛ زیرا کاهن اعظم هر سال خون حیوانات قربانی را در مقدس‌ترین جایگاه تقدیم می‌کند. ^{۲۶} اگر چنین چیزی لازم می‌بود، مسیح مجبور می‌شد از ابتدای عالم تا حال دائماً جان خود را فدا کند. اما چنین نیست. مسیح یک بار و برای همیشه در اواخر عالم آمد تا جان خود را در راه ما فدا کند و تا ابد قدرت گناه را ریشه کن سازد. ^{۲۷} و درست همانگونه که به حکم خداوند، انسان یک بار می‌میرد و بعد از آن نوبت داوری می‌رسد، ^{۲۸} مسیح نیز فقط یک بار جان خود را فدا کرد تا بعنوان قربانی، گناهان بسیاری را پاک کند. اما بار دیگر خواهد آمد تا آنانی را که با صبر و اشتیاق چشم براه او هستند، نجات بخشد.

یک قربانی برای همیشه

۱۰ شریعت و تشریفات مذهبی یهود فقط نمونه‌ای نارساست از برکاتی که بنا بود مسیح برای ما به ارمغان بیاورد. مطابق این شریعت، هر ساله حیوانی قربانی می‌شود، اما این قربانی به هیچ وجه قادر نیست آنانی را که پایبند احکام شریعت هستند، رستگار سازد. زیرا اگر قدرت چنین کاری را داشت، یک قربانی کافی می‌بود تا نذرکننده، یک بار و برای همیشه، پاک شود و دیگر احساس تقصیر و گناه نکند. ^۳ در حالیکه می‌بینیم این قربانی‌ها همه ساله، بجای آنکه وجدان مردم را آسوده کند،

۲۴:۹
روم ۳۴:۸
عبر ۲۰:۶ : ۲۵:۷
۱۲:۹ : ۲۸
۱ یو ۱:۲
۲۵:۹
عبر ۲۰:۹ : ۷
۲۶:۹
اقرن ۱۱:۱۰
افس ۱:۱
عبر ۲۷:۷ : ۱۰:۱۰
۱ پط ۱۸:۳
۲۷:۹
پیدا ۱۹:۳
جا ۲۰:۳
۲۸:۹
متی ۲۸:۲۶ : ۳۴:۲۵
اعما ۱۱:۱
روم ۱۵:۵ : ۱۰:۶
تیط ۱۳:۲
عبر ۱۵:۴ : ۹:۵ : ۲۷:۷
۱ پط ۲۴:۲

۱:۱۰
کول ۱۷:۲
عبر ۱۹:۷ : ۵۸ : ۱۱:۹
۳:۱۰
لاو ۲۱:۱۶
عبر ۷:۹

۲۷:۹ همه انسانها جسماً می‌میرند، اما مرگ مسیح برای این بود که ما روحاً نمیریم. مرگ او بر گذشته، حال و آینده ما اثر می‌گذارد. او گناهان گذشته ما را بخشیده است؛ او روح‌القدس را به ما داده است تا در مقابله با گناهان فعلی به ما یاری دهد؛ و او وعده داده است که باز می‌گردد و ما را برای حیات ابدی در دنیایی که گناه در آن جایی ندارد، بر خواهد خیزانید.

۳:۱۰ وقتی در روز کفاره مردم برای تقدیم قربانی جمع می‌شدند، گناهانشان را به یاد می‌آوردند و باز برای بار دیگر احساس تقصیر می‌کردند. چیزی که آنها احتیاج داشتند، بخشش بود، همان بخششی که ما از مسیح داریم، همیشگی، پر قدرت و معدوم‌کننده گناه. همین که ما به گناهی اعتراف می‌کنیم، دیگر هرگز نباید آن را به خاطر بیاوریم. او آن گناه را بخشیده است و گناهی که بخشیده شد، دیگر وجود ندارد.

۲۴:۹ در میان اشاراتی که به کاهنان، خیمه اجتماع، قربانی‌ها و مفاهیم ناآشنای دیگر شده است، به مفهوم دوستی مسیح با ما بر می‌خوریم. ما می‌توانیم وارد رابطه دوستی با مسیح بشویم تا دوستی او با ما، ما را دلگرم سازد. یک دوست هم‌جانبداری دوستش را می‌کند و هم او را همراهی می‌کند؛ مسیح که در کنار خدا نشسته، از ما طرفداری می‌کند. او خداوند و منجی ماست، اما آیا شما علاوه بر این، او را دوست خود نیز می‌دانید؟

۲۶:۹ «آخر زمان» اشاره به زمان بازگشت مسیح به دنیا برای به انجام رساندن وعده‌های کتب عهدعتیق می‌باشد. او با خود دوره جدید فیض و بخشش گناهان را به همراه آورد. ما هنوز هم در «روزهای آخر» زندگی می‌کنیم. روز خداوند شروع شده است و با بازگشت مسیح به پایان خواهد رسید.

خاطره تلخ نافرمانی‌ها و گناهانشان را به یادشان می‌آورد. زیرا محال است که خون گاوها و بزها واقعاً لکه‌های گناه را پاک سازد.

^۵ به همین جهت بود که وقتی مسیح به این جهان می‌آمد، گفت: «ای خدا، خون گاو و بز نمی‌تواند تو را خشنود سازد تا گناه انسان را ببخشایی. پس این بدن را برای من مهیا ساختی تا همچون قربانی بر قربانگاه تو فدا کنم. از قربانی کردن حیوانات راضی نبودی، یعنی آن حیواناتی که برای کفاره گناه، در حضورت ذبح می‌کردند و می‌سوزاندند.^۷ پس گفتم: اینک آمده‌ام تا اراده تو را بجا آورم؛ آمده‌ام تا مطابق پیشگویی کتاب آسمانی، جان خود را فدا سازم.»

^۸ بعد از آنکه مسیح فرمود که خدا از قربانی‌های گوناگون و هدایایی که طبق شریعت و روش قدیم تقدیم می‌شود، راضی نیست،^۹ چنین گفت: «اینک آمده‌ام تا جان خود را فدا سازم.»

به این ترتیب، روش سابق را لغو می‌کند تا روش جدیدی بنیاد نهد.^{۱۱} طبق این روش و طرح جدید، مسیح یک بار جان خود را در راه ما فدا کرد تا ما را ببخشد و پاک نماید.^{۱۱} مطابق شریعت و روش سابق، کاهنان هر روز در مقابل قربانگاه می‌ایستند و قربانی‌هایی تقدیم می‌کنند که هرگز نمی‌توانند گناهان را برطرف نمایند.^{۱۲} اما مسیح خود را فقط یک بار بعنوان قربانی به خدا تقدیم کرد تا گناهان را بیاورد؛ و پس از آن، در بالاترین مکان عزت و افتخار، بدست

۴:۱۰

میکا ۶:۶

عبر ۱۲:۹

۷:۱۰

مز ۸:۴۰-۸:۵۰

اش ۱۱:۱

ار ۲۰:۶

عا ۲۱:۵

۱۰:۱۰

یو ۱۹:۱۷

افس ۲۶:۵

عبر ۲۷:۷ ؛ ۲۸:۱۴-۹

۱ پط ۲۴:۲

۱۱:۱۰

اعد ۳:۲۸

عبر ۱:۵

۱۲:۱۰

کول ۱:۳

عبر ۳:۱

۴:۱۰ خون حیوانات نمی‌توانست گناه را برطرف کند و فقط آن را می‌پوشاند تا زمانی که مسیح آمد و گناه را برای همیشه رفع کرد. پس با این اوصاف، انسانها در زمان عهدعتیق، چگونه بخشیده می‌شدند؟ درست به همان شکلی که امروز بخشیده می‌شوند، یعنی از طریق فیض خدا که بوسیله ایمان آن را می‌پذیرند.

۱۰-۵:۱۰ در هیچ یک از کتب عهدعتیق این نقل قول ذکر نشده است. نویسنده نامه به عبرانیان کلمات مز مور ۸-۶:۴۰ را از زبان مسیح بیان می‌کند. اما همه آیات مز مور ۴۰ به مسیح مربوط نمی‌شود (برای مثال، در آیه ۱۲ سراینده مزامیر از گناهان شخص خودش سخن می‌گوید). مسیح بدن خود را به‌عنوان قربانی کامل و مقبول خدا، بر روی صلیب برای ما داد.

۱۰-۵:۱۰ گران بودن قربانی گناه که به قیمت جان پربهای حیوان تمام می‌شد، جدی بودن گناه گناهکار در برابر خدا را بر او معلوم می‌کرد. از آنجا که عیسی خون خودش را برای ما ریخت، قربانی او بی‌نهایت بزرگتر از هر قربانی دیگر در عهدعتیق است. اگر به هدیه عظیمی که او به ما داده است بنگریم، میل به اطاعت از او ما را فرو می‌گیرد. **۹:۱۰** ملغی کردن روش اول برای تأیید روشی به مراتب

بهتر، به معنای موقوف کردن روش قربانی‌هاست که جزو مراسم مذهبی بود؛ روی کار آمدن روش جدید به معنای کنار گذاشتن اصول اخلاقی که خدا در شریعتش به انسانها داد، نمی‌باشد. مراسم مذهبی مردم را برای آمدن مسیح آماده می‌کرد و با مرگ و قیام مسیح دیگر احتیاجی به آنها نیست. از طریق مسیح ما می‌توانیم به اصول اخلاقی عمل کنیم در صورتی که اجازه بدهیم او در ما زندگی کند.

۱۰:۱۱ و ۱۲ کاهنان به‌طور معمول به هنگام تقدیم قربانی می‌ایستادند. نشستن مسیح به دست راست خدا، حاکی از به پایان رسیدن روش قربانی است.

۱۲:۱۰ خوانندگان یهودی این کتاب در خطر بازگشت به روش قدیمی یهودی قرار داشتند؛ این کار، به این معنی بود که قربانی مسیح برای بخشش گناهان آنها ناکافی بوده است. اضافه یا کم کردن چیزی به قربانی او، به منزله انکار اعتبار آن است. هر روشی برای جلب رضایت خدا از طریق انجام اعمال خوب، در اصل نپذیرفتن اهمیت مرگ مسیح و رد کار روح‌القدس می‌باشد. از کسانی که به شما می‌گویند، قربانی مسیح ناقص بود و یا برای اینکه مقبول خدا شوید، به چیز دیگری هم احتیاج هست، برحذر باشید. چون همین ممکن است شما را از ایمان درست و زندگی درست دور کند.

راست خدا نشست،^{۱۳} و منتظر است تا دشمنانش به زیر پایهای او افکنده شوند.^{۱۴} او با یک قربانی، همه آنانی را که از گناهانشان پاک می‌شوند، تا ابد کامل می‌گرداند.

^{۱۵}روح القدس نیز این را تصدیق کرده، می‌فرماید:^{۱۶} «اینست آن پیمان جدیدی که در آن روز با خاندان اسرائیل خواهم بست: احکام خود را در فکر ایشان خواهم نهاد و در دل ایشان خواهم نوشت، تا بی‌آنکه سخنی گفته باشم، بدانند از ایشان چه می‌خواهم، و از من اطاعت کنند.»^{۱۷} سپس اضافه کرده، می‌فرماید: «خطایای ایشان را خواهم بخشید و گناهانشان را دیگر بیاد نخواهم آورد.»^{۱۸} پس حال که گناهان ما بطور دائمی بخشیده و فراموش شده است، دیگر چه نیازی است که برای آموزش گناهان، بار دیگر قربانی تقدیم کنیم؟

ب - برتری مسیح (۱۹:۱۰ - ۲۵:۱۳)

نویسنده در تغییر بحث نظری به بحث عملی، نمونه‌های زیادی می‌آورد از کسانی که در طول تاریخ ایمان خود را نشان دادند. زندگی با ایمان به مراتب بهتر از انجام مقررات و آیین‌های مذهبی صرف است. این قسمت ما را به رشد در ایمان و زندگی در اطاعت از خدا به‌طور روزمره، دعوت می‌کند.

زندگی با ایمان

^{۱۹}بنابراین، ای برادران عزیز، اکنون می‌توانیم به سبب خون عیسی، مستقیم وارد مقدس‌ترین جایگاه شده، به حضور خدا برویم؛^{۲۰} زیرا زمانی که بدن مسیح بر روی صلیب پاره شد، در واقع پردهٔ مقدس‌ترین جایگاه خانهٔ خدا نیز پاره شد؛ و به این ترتیب او راهی تازه و حیات‌بخش برای ما گشود تا ما را بحضور مقدس خدا برساند.

۱۳:۱۰

مز ۱:۱۱۰

۱۵:۱۰

عبر ۷:۳

۲ پط ۲۱:۱

۱۷ و ۱۶:۱۰

ار ۳۴ و ۳۳:۳۱

۱۹:۱۰

عبر ۲۵:۹

۲۰:۱۰

یو ۹:۱۰ : ۶:۱۴

عبر ۱۹:۶ : ۸:۹

می‌دهد که خدا هرگز گناهان ما را به یاد نخواهد آورد. اگر در مسیح، بخشش کامل است، پس هیچ نیازی به تداوم بخشیدن به روش قبلی قربانی نیست. ما ایمانداران می‌توانیم مطمئن باشیم که خدا گناهان گذشته، حال، و آینده ما را بخشیده و فراموش کرده است.

^{۱۹:۱۰}مقدس‌ترین جایگاه معبد بوسیله پرده‌ای از دیده‌ها پنهان بود. فقط کاهن اعظم می‌توانست وارد این اتاق مقدس بشود و آن هم فقط سالی یک بار در روز کفاره که می‌بایست گناهان قوم را کفاره کند. اما حالا مرگ عیسی پرده را برداشته و تمام ایمانداران می‌توانند در هر وقت وارد حضور خدا شوند (همچنین مراجعه کنید به ۱۹:۶ و ۲۰).

^{۱۴:۱۰} ما در مسیح کامل شده‌ایم، اما هنوز در روند پاک شدن از گناهان قرار داریم. مسیح بوسیله مرگ و قیامش یک بار و برای همیشه، ایمانداران خود را در حضور خدا کامل کرد. در عین حال، او آنها را در این دنیا در زندگی روزمره، از گناهانشان پاک می‌سازد. ما نباید متعجب، شرمنده، و وحشت‌زده بشویم از اینکه هنوز احتیاج داریم تا کامل گردیم. کار خدا با ما تمام نشده است. ما با اطاعت از مسیح، با پیروی از اصول کتاب مقدس در تمام قسمت‌های زندگی، و با پذیرفتن بخششی که مسیح مهیا کرده است، می‌توانیم به پیشرفت این روند رشد کمک کنیم.

^{۱۷:۱۰} نویسنده بحث خود را با این بیان پر قدرت خاتمه

^{۲۱} پس حال که اداره امور خاندان الهی، به عهده این کاهن بزرگ ماست،
^{۲۲} بیاید با دلی پاک، مستقیماً به حضور خدا برویم، و یقین کامل داشته باشیم که
 او ما را می‌پذیرد، زیرا خون مسیح بر ما پاشیده شده و ما را پاک ساخته؛
 بدنهایمان نیز با آب پاک شسته شده است. ^{۲۳} اکنون می‌توانیم منتظر نجاتی
 باشیم که خدا وعده داده است، و می‌توانیم بدون هیچگونه تردیدی به همه
 بگوییم که نجات یافته‌ایم، زیرا خدا به همه وعده‌های خود عمل خواهد فرمود.
^{۲۴} حال، به پاس آن همه لطفی که خدا در حق ما کرده است، بیاید یکدیگر را به
 محبت کردن و به انجام اعمال نیک تشویق و ترغیب نماییم. ^{۲۵} و نیز چنانکه
 برخی را عادت است، از حضور در مجالس عبادت کلیسایی غافل نشوید، بلکه
 یکدیگر را تشویق کنید، بخصوص در این روزها که بازگشت مسیح نزدیک
 می‌شود. ^{۲۶} زیرا اگر کسی پس از پی بردن به حقیقت آموزش گناهان، عمداً از
 خدا رویگردان شده، بسوی زندگی گناه‌آلود برود، چنین گناهی با خون مسیح
 پاک نخواهد شد و راهی برای فرار از مجازات آن وجود نخواهد داشت. ^{۲۷} بلی،
 راهی نیست جز بسر بردن در انتظار مجازاتی وحشتناک، و نزول خشم و غضب
 الهی که دشمنان او را نابود خواهد ساخت. ^{۲۸} هر که احکام موسی را بشکند، به
 شهادت دو یا سه نفر، بدون ترحم کشته می‌شود. ^{۲۹} پس چه مجازات
 وحشتناکتری در انتظار کسانی خواهد بود که فرزند خدا را تحقیر می‌کنند، و

۲۱:۱۰
 اتیمو ۱۵:۳
 عبر ۱۷:۲ ؛ ۶:۳
 ۲۲:۱۰
 حز ۲۵:۳۶
 اقرن ۱:۷
 افس ۱۲:۳
 یعقو ۶:۱
 ایو ۲۱:۳
 ۲۳:۱۰
 اقرن ۹:۱ ؛ ۱۳:۱۰
 عبر ۶:۳
 ۲۵:۱۰
 اعما ۴۲:۲
 عبر ۱۳:۳
 پتر ۲:۹
 ۲۶:۱۰
 اعد ۳۰:۱۵
 اتیمو ۴:۲
 پتر ۲:۲۰
 ایو ۱۶:۵
 ۲۷:۱۰
 حز ۵:۳۶
 ۲۸:۱۰
 تث ۵-۴:۱۷
 ۲۹:۱۰
 متی ۳۱:۱۲
 اقرن ۱۱:۲۹

۲۵:۱۰-۲۲:۱۰ اینها امتیازاتی هستند که در زندگی جدید
 ما در مسیح نصیبمان می‌شود: (۱) ما از طریق مسیح
 شخصاً به خدا دسترسی داریم و بدون روشی پیچیده
 می‌توانیم به او نزدیک شویم (۲۲:۱۰)؛ (۲) ما می‌توانیم در
 ایمان رشد کنیم، بر شک و تردیدها غالب آییم، و
 رابطه‌مان را با خدا عمیق‌تر بسازیم (۲۳:۱۰)؛ (۳) ما
 می‌توانیم یکدیگر را تشویق و ترغیب کنیم (۲۴:۱۰)؛
 (۴) ما می‌توانیم با هم عبادت کنیم (۲۵:۱۰).
 ۲۵:۱۰ غفلت از حضور در مجالس عبادت به منزله
 از دست دادن کمک و تشویق دیگر مسیحیان است.
 ما با هم جمع می‌شویم تا ایمان خود را اعلام کنیم و
 یکدیگر را در خداوند تقویت بخشیم. ما هرچه به
 انتهای زمانهای آخر و به روز بازگشت مسیح نزدیکتر
 شویم، با جنگهای روحانی بسیار، عذاب، و حتی جفا
 روبرو خواهیم شد. در آن روزها قدرت ارواح وابسته به
 دجال بیشتر خواهد شد. مشکلات هرگز نباید توجیهی
 برای حضور نیافتن در عبادات کلیسایی باشد. بلکه
 برعکس وقتی مشکلات پیش می‌آید، باید حتی بیشتر
 سعی کنیم که وفادارانه در جلسات حضور داشته باشیم.
 اعمال ۱۲:۴).

۲۶:۱۰ وقتی مردم عمداً نجات مسیح را رد می‌کنند،
 در واقع گرانباترین هدیه خدا را رد می‌کنند. این
 اشخاص کار روح‌القدس یعنی کسی را که محبت
 نجات‌بخش خدا را برای ما آشکار می‌سازد، پس
 می‌زنند. نویسنده، این اخطار را به مسیحیان
 یهودی‌نژادی می‌دهد که در وسوسه رد مسیح و
 بازگشت به دین یهود قرار داشتند. اما هشدار او
 شامل همه کسانی می‌شود که به‌خاطر مذهب دیگری
 مسیح را رد می‌کنند یا علیرغم درک کفار مسیح،
 عمداً از آن روگردان می‌شوند (همچنین مراجعه کنید
 به اعداد ۱۵:۳۰ و ۳۱ و مرقس ۳:۲۸-۳۰). نکته در
 اینجاست که به غیر از مرگ مسیح روی صلیب،
 هیچ قربانی دیگری برای رفع گناهان مقبول نیست.
 اگر کسی با وجود برخورداری از درکی روشن از
 تعلیم انجیل درباره قربانی مسیح، عمداً و آگاهانه آن
 را رد کند، هیچ امیدی برای نجات او وجود نخواهد
 داشت، چون خدا نام دیگری زیر آسمان به ما نداده
 که به آن وسیله بتوانیم نجات بیابیم (مراجعه کنید به

خونی را که نشان عهد خدا و پاک‌کننده گناهان ایشان است، بی‌ارزش می‌شمارند، و به روح‌القدس که عطا‌کننده رحمت الهی است، بی‌احترامی می‌نمایند.

^{۳۰} زیرا او را می‌شناسیم که گفت: «انتقام را من می‌گیرم؛ مکافات را من می‌دهم!» و همچنین فرمود: «من قوم خود را داوری خواهم فرمود.»^{۳۱} برای کسانی که چنین گناهی کرده باشند، افتادن به دستهای خدای زنده بسیار وحشتناک خواهد بود!

^{۳۲} هیچگاه از یاد نبرید آن روزها را که نور مسیح به تازگی دلتان را روشن ساخته بود؛ زیرا در آن زمان گرچه زحمات و رنجهای بسیاری بر شما وارد آمد، اما شما همه را تحمل کردید و به خداوند وفادار ماندید.^{۳۳} بلی، شما بارها مورد استهزا و ضرب و شتم قرار گرفتید، و یا شریک درد آنانی بودید که به چنین زحماتی دچار می‌شدند؛^{۳۴} با زندانیان نیز همدردی می‌کردید؛ و به هنگام غارت اموالتان، شاد بودید، زیرا می‌دانستید که در آسمان چیزهای بهتری در انتظار شماست که تا ابد از بین نخواهد رفت.^{۳۵} پس به هر قیمتی که شده، ایمانتان را به خداوند از دست ندهید، زیرا پاداش عظیمی در انتظار شماست!^{۳۶} اگر می‌خواهید که خدا به وعده خود وفا کند، لازم است که شما نیز با کمال صبر و بردباری، خواست خدا را انجام دهید.^{۳۷} زیرا همانطور که کلام خدا می‌فرماید، بازگشت او چندان دور نیست.^{۳۸} پس آنانی که از بوسیله ایمان نجات یافته‌اند، با ایمان نیز به زندگی ادامه دهند و در هر امری به خدا توکل نمایند. زیرا اگر به عقب برگردند، خدا از ایشان خشنود نخواهد شد.

^{۳۹} ولی ما هرگز از خدا برنگشته‌ایم تا به چنان سرنوشت تلخی دچار شویم، بلکه ایمانمان را حفظ کرده‌ایم و این ایمان، نجات جانمان را تضمین می‌کند.

۳۰:۱۰

تث ۳۵:۳۲ و ۳۶

مز ۴۵:۴ و ۱۴:۱۳۵

۳۱:۱۰

اقرن ۱۱:۵

۳۲:۱۰

غلا ۴:۳

۳۳:۱۰

اقرن ۹:۴

فیل ۷:۱

اتسا ۲:۱۴

۳۴:۱۰

متی ۱۲:۵

عبر ۳:۱۳

۳۶:۱۰

کول ۲۴:۳

عبر ۱۵:۹

۱۰:۳۷ و ۳۸

لو ۸:۱۸

حب ۲:۳ و ۴

در عذاب‌هایی که می‌کشیم با ماست و انتظار کشیدن برای بازگشت قریب‌الوقوع او و پایان یافتن همه دردها، موجب می‌شود که در ایمان و رابطه خود با او رشد کنیم (مراجعه کنید به رومیان ۵:۳-۵).

۳۵:۱۰-۳۸ نویسنده، خوانندگان نامه را تشویق می‌کند که در زمان جفا از ایمان روگردان نشوند، بلکه با صبر و بردباری نشان بدهند که ایمانشان واقعی است. ایمان یعنی تکیه بر کاری که مسیح در گذشته برای ما انجام داده است، ولی علاوه بر این، به معنای امید به کاری که او در آینده برای ما خواهد کرد، نیز هست (مراجعه کنید به رومیان ۸:۱۲-۲۵؛ ۲؛ غلاطیان ۳:۱۰-۱۳).

۳۱:۱۰ این مجازات برای کسانی است که رحمت الهی را رد کرده‌اند. برای کسانی که محبت مسیح و نجات او را می‌پذیرند، هیچ دلیلی برای نگرانی از داوری آینده وجود ندارد. آنانی که بوسیله فیض او نجات یافته‌اند، لازم نیست از چیزی بترسند (مراجعه کنید به ایوحنا ۴:۱۸).

۳۴:۱۰-۳۷ نویسنده نامه به عبرانیان، ایمانداران را تشویق می‌کند که با وجود قرار گرفتن در جفاها و فشارها، زندگی مسیحی خود را حفظ کنند. ما معمولاً عذاب کشیدن را خوشایند نمی‌دانیم، اما می‌تواند تجربه سازنده‌ای باشد. در مواقعی که فشار روحی شدیدی بر ما وارد می‌آید، می‌توانیم حضور خدا را به وضوح احساس کنیم. آگاهی از اینکه عیسی

قهرمانان بزرگ ایمان

۱۱ حال، ببینیم ایمان چیست. ایمان یعنی اطمینان داشتن به اینکه آنچه امید داریم، واقع خواهد شد؛ ایمان یعنی یقین داشتن به آنچه اعتقاد داریم، هرچند قادر به دیدنش نمی‌باشیم.^۲ مردان خدا در زمان قدیم، بسبب ایمانشان بود که مورد پسند خدا واقع شدند.

۳ با ایمان به وجود خداست که می‌دانیم زمین و آسمان، و در حقیقت همه چیز، بدستور خدا ساخته شده‌اند؛ و همه اینها از چیزهای نادیدنی به وجود آمده‌اند.

۴ از راه ایمان بود که هابیل دستور خدا را اطاعت کرد و هدیه‌ای به خدا تقدیم نمود که بیشتر از هدیه قائن سبب رضایت او گردید. خدا با قبول هدیه هابیل، نشان داد که او را مورد لطف و عنایت خود قرار داده است. و اکنون، با اینکه هزاران سال از دوران هابیل می‌گذرد، اما هنوز هم می‌توانیم درسهای بسیاری از زندگی او درباره ایمان به خدا بیاموزیم.

۵ خنوخ نیز به خدا ایمان داشت. به همین جهت، بدون اینکه طعم مرگ را بچشد، خدا او را به نزد خود برد. او ناگهان ناپدید شد، زیرا خدا او را از این جهان به عالم دیگر منتقل ساخت. پیش از آن، خدا فرموده بود که از خنوخ خشنود است.

۱:۱۱

روم ۲۴:۸
عبر ۱۴:۶۳

۲:۱۱

عبر ۳:۱۱

۳:۱۱

پیدا ۱:۱-۳۱

یو ۳:۱

روم ۱:۱۹ و ۲۰؛ ۴:۲۰
عبر ۲:۱

۴:۱۱

پیدا ۳:۴-۵

۵:۱۱

پیدا ۲۲-۲۴

تحقق یافتن آن وعده‌ها را نبینیم. ایمان واقعی یعنی همین (مراجعه کنید به یوحنا ۲۰:۲۴-۳۱).

۳:۱۱ خدا جهان هستی را از نیستی به وجود آورد؛ او گفت که بشود و شد. ایمان ما به خدایی است که تمام جهان هستی را با کلامش خلق کرد. کلام خدا قدرت حیرت‌آوری دارد. آیا وقتی او سخن می‌گوید، شما می‌شنوید و به او پاسخ می‌دهید؟ شما چگونه می‌توانید خود را برای پاسخ به کلام او، بهتر آماده کنید؟

۴:۱۱ هابیل و قائن دو پسر نخستین حوا بودند. هابیل قربانی‌ای تقدیم کرد که خدا از آن خشنود شد، درحالی که قربانی قائن مقبول واقع نشد. تاریخچه زندگی هابیل و قائن به ترتیب در پیدایش ۵ و ۶ یافت می‌شود. قربانی هابیل (حیوانی جایگزین) بیشتر مورد قبول خدا واقع شد، هم به‌خاطر اینکه او چیزی را قربانی کرد که حیات داشت و هم به‌خاطر طرز برخورد و حالت او به هنگام گذراندن قربانی.

۱:۱۱ آیا به خاطر می‌آورید وقتی که جواتر بودید با نزدیک شدن روز تولدتان چه احساسی به شما دست می‌داد؟ هیچ‌انزده و دلواپس می‌شدید. می‌دانستید که به‌طور قطع هدایای غیرمنتظره و استثنایی دریافت خواهید کرد. اما بعضی چیزها هم غیرمترقبه بود. روز تولد اطمینان خاطر و پیش‌بینی را در هم می‌آمیزد، درست مثل ایمان! ایمان اطمینانی است استوار بر تجربه گذشته، مبنی بر اینکه چیزهای شگفت‌انگیز و دست اولی که خدا هنوز آنها را افشا نکرده است، به‌طور حتم از آن ما خواهد بود.

۱:۱۱ دو کلمه هست که ایمان ما را توصیف می‌کند: یکی اعتماد و دیگری یقین. این دو ویژگی، نیاز به نقطه شروع و پایان محکمی دارند. نقطه شروع ایمان، اعتماد به شخصیت خداست، به این معنا که آنچه که بگوئید، انجام خواهد داد. ما ایمان داریم که خدا به وعده‌هایش عمل خواهد کرد، حتی اگر حالا

۶ اما خشنود ساختن خدا بدون ایمان و توکل به او مجال است. هر که می خواهد بسوی خدا بیاید، باید ایمان داشته باشد که خدا هست و به آنانی که با دلی پاک در جستجوی او هستند، پاداش می دهد.

۷ نوح، یکی دیگر از کسانی است که به خدا ایمان داشت. وقتی خدا به او فرمود که سرنوشت هولناکی در انتظار مردم بی ایمان است، او سخن خدا را باور کرد. با اینکه هنوز هیچ نشانه‌ای از طوفان نبود، اما او بدون فوت وقت، یک کشتی ساخت و خانواده خود را نجات داد. ایمان نوح، در نقطه مقابل گناه و بی ایمانی مردم دنیا قرار داشت، مردمی که حاضر نبودند خدا را اطاعت کنند. در اثر همین ایمان بود که نوح مقبول خدا گردید.

۸ ابراهیم نیز بخاطر ایمانی که به خدا داشت، دعوت او را اطاعت کرد و بسوی سرزمینی که خدا وعده‌اش را داده بود، براه افتاد. او بدون آنکه بداند به کجا می رود، شهر و دیار خود را ترک گفت؛ حتی وقتی به سرزمین موعود رسید، مانند یک رهگذر در خیمه‌ها زندگی می کرد. اسحاق و یعقوب نیز که همین وعده را از خدا یافته بودند، مانند او در خیمه‌ها زندگی خود را سپری می کردند. ۱۰ ابراهیم با اطمینان کامل، در انتظار روزی بود که خدا او را به آن شهر مستحکم و جاودان ببرد، شهری که طراح و سازنده‌اش خود خداست.

۶:۱۱

یو ۳۶، ۱۸، ۳

عبر ۱۹:۱۰ ؛ ۱۹:۷-۲۲

۷:۱۱

پیدا ۱۳:۶-۲۲

روم ۲۲:۳

فیل ۹:۳

۸:۱۱

پیدا ۱:۱۲-۴

۹:۱۱

پیدا ۸:۱۲

۱۰:۱۱

عبر ۱۶:۱۱ ؛ ۲۲:۱۲

مکا ۲:۲۱

باعث شد که همسایه‌هایش او را فردی غیرعادی بیندارند، درست مانند ایمان تازه مسیحیان یهودی‌نژاد که آنها را با دیگران متفاوت کرده بود. وقتی از خدا اطاعت می کنید، متعجب نشوید از اینکه دیگران شما را متفاوت از بقیه بدانند. اطاعت شما موجب می شود که ناطاعتی آنها از خدا نمایان شود. به خاطر داشته باشید، وقتی خدا از شما بخواهد کاری را انجام دهید، قدرت لازم برای انجام آن را نیز به شما خواهد داد. جهت کسب اطلاعات بیشتر درباره نوح، مراجعه کنید به تاریخچه او در پیدایش فصل ۸.

۸:۱۱-۱۰ زندگی ابراهیم پر از ایمان بود. او از فرمان خدا اطاعت کرد و بدون اینکه اعتراضی بکند، سرزمین مادری‌اش را ترک گفت و به دیار دیگری رفت (پیدایش ۱:۱۲). او به پیمانی که خدا با او بسته بود، ایمان داشت (پیدایش ۲:۱۲ و ۳؛ ۱۳:۱۴-۱۶؛ ۱۵:۱-۶). ابراهیم در اطاعت از خدا حتی حاضر شد پسرش اسحاق را قربانی کند (پیدایش ۲۲:۱-۱۹). متعجب نشوید اگر خدا از شما بخواهد به خاطر اطاعت از او، از ایمنی نزدیکانتان هم بگذرید. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره ابراهیم، مراجعه کنید به تاریخچه زندگی او در پیدایش فصل ۱۷.

۹:۱۱ ایمان به وجود خدا فقط یک شروع است، چون حتی شیاطین نیز به وجود خدا ایمان دارند (یعقوب ۲:۱۹ و ۲۰). خدا به اعتراف صرف شما به وجود او، اکتفا نمی کند. او می خواهد رابطه‌ای شخصی، پویا، و دگرگون کننده با شما داشته باشد. کسانی که «بادلی پاک در جستجوی او هستند»، در خواهند یافت که حضور صمیمی خدا پاداش آنهاست.

۱۱:۶ گاهی ما از خود می پرسیم که چه سرنوشتی در انتظار کسانی است که چیزی درباره مسیح نشنیده‌اند و حتی کتاب مقدس در اختیار نداشته‌اند که بخوانند. خدا به ما اطمینان می دهد، به تمام کسانی که صادقانه در جستجوی او هستند، کسانی که در مسیر شناخت خدا با قدم‌های ایمان پیش می روند، پاداش خواهد داد. وقتی درباره انجیل خدا با دیگران صحبت می کنید، آنها را تشویق کنید تا در جستجوی حقیقت، صادق و کوشا باشند. کسانی که مژده انجیل را می شنوند، نسبت به آنچه که می شنوند، مسؤولند (مراجعه کنید به ۲ قرتیان ۶: ۱ و ۲).

۱۱:۷ نوح معنای متفاوت بودن با همسایه‌ها را تجربه کرد. خدا به او فرمان داد که کشتی عظیمی در وسط خشکی بسازد، و با اینکه فرمان خدا نامعقول به نظر می رسید، اما نوح از آن اطاعت کرد. اطاعت نوح از خدا

^{۱۱} همسر او سارا نیز به خدا ایمان داشت و بدلیل همین ایمان، قدرت یافت تا باردار شود، گرچه بسیار سالخورده بود؛ زیرا او پی برده بود که خدا قادر است به وعده‌ای که به او داده، وفا کند.^{۱۲} بنابراین، از ابراهیم، یعنی از کسی که دیگر قادر به تولید مثل نبود، نسلهایی بوجود آمد که همچون ستارگان آسمان و شنهای کنار دریا، بشمار بودند.

^{۱۳} این مردان ایمان، همه مُردند بدون آنکه تمام وعده‌های خدا را دریافت کنند، اما آنها را از دور دیده، به امید دریافتشان شاد شدند. آنان اذعان می‌داشتند که این دنیای زودگذر خانه واقعی ایشان نیست، بلکه در این دنیا، رهگذر و غریب هستند.^{۱۴} در واقع، کسانی که چنین اذعان و اعترافی می‌کنند، نشان می‌دهند که در انتظار خانه و وطنی واقعی در آسمان می‌باشند.^{۱۵} در ضمن، اگر مایل بودند به خانه و کاشانه خود یعنی چیزهای فریبنده این دنیا باز گردند، قطعاً فرصت چنین کاری را می‌داشتند؛^{۱۶} اما ایشان مایل به بازگشت به عقب نبودند، و به امور این دنیا دلبستگی نداشتند، بلکه علاقه و توجهشان به وطن آسمانی بود. بنابراین خدا شرمند نیست که خدای ایشان نامیده شود، زیرا شهری در آسمان برای ایشان تدارک دیده است.

^{۱۷} زمانی که خدا ابراهیم را در بوته آزمایش قرار داد و از او خواست تا پسرش اسحاق را قربانی کند، او بسبب ایمانی که به خدا داشت، حاضر شد دستور خدا را اطاعت نماید. با اینکه او درباره اسحاق وعده‌هایی از خدا دریافت کرده بود، اما آماده شد تا او را قربانی کند؛^{۱۸} بلی، همان اسحاق را که خدا وعده داده بود از

۱۱:۱۱

پیدا ۱۹:۱۷؛ ۱:۲۱-۳

۱۲:۱۱

پیدا ۵:۱۵

روم ۱۹:۴

۱۳:۱۱

پیدا ۴:۲۳

متی ۱۷:۱۳

یو ۵:۶۸

عبر ۳:۱۱

۱۴:۱۱

عبر ۱۴:۱۳

۱۵:۱۱

پیدا ۶:۲۴

۱۶:۱۱

پیدا ۲۴:۲۶

خرو ۱۵:۶۳

فیل ۲۰:۳

۱۷:۱۱

پیدا ۲۲:۱وا

یعقو ۲۱:۲

۱۸:۱۱

پیدا ۱۲:۲۱

۱۱:۱۱ و ۱۲ سارا همسر ابراهیم بود. آنها بعد از سالها که از ازدواجشان می‌گذشت، نتوانسته بودند صاحب فرزند شوند. خدا وعده یک پسر را به ابراهیم داد، اما سارا شک داشت که بتواند در سنین پیری باردار شود. در ابتدا او به وعده خدا خندید، اما بعداً به آن ایمان آورد (پیدایش ۱۸) برای کسب اطلاعات بیشتر درباره سارا، به تاریخچه زندگی او در پیدایش فصل ۱۹ مراجعه کنید.

۱۱:۱۳-۱۶ مردان ایمانی که در اینجا نام برده شده‌اند، بدون دریافت وعده‌های خدا مردند، اما دیدی را که از آسمان داشتند، از دست ندادند. بسیاری از مسیحیان به‌خاطر اینکه بعد از مسیحی شدن احتیاجات، خواسته‌ها، انتظارات و نیازهایشان فوراً برطرف نمی‌شود، مایوس و سرخورده می‌شوند. آنها بی‌طاقت می‌شوند و می‌خواهند دست از ایمان بکشند. آیا شما به‌خاطر اینکه آرزوهایتان در دوردستها به‌نظر می‌رسد، دلسرد شده‌اید؟ با نگاه به این قهرمانان ایمان که بدون دیدن ثمره ایمانشان در این دنیا زندگی کردند و مردند ولی با وجود این در ایمان ماندند، جرأت پیدا کنید.

۱۱:۱۷-۱۹ وقتی خدا به ابراهیم فرمان داد که پسرش را قربانی کند، او حاضر شد اسحاق را از دست بدهد (پیدایش ۱۹-۲۲). خدا نگذاشت ابراهیم اسحاق را بکشد، چون او این فرمان را برای آزمایش ایمان ابراهیم به او داده بود. خدا نه تنها پسر ابراهیم را از او نگرفت، بلکه از طریق اسحاق، قومی بزرگ به‌وجود آورد. اگر می‌ترسید با تمامی دارایی بازرشی که دارید، با تمامی آرزوها، با تمامی آنچه که هستید، به خدا اعتماد کنید، از ابراهیم نمونه بگیرید. از آنجایی که ابراهیم حاضر بود هر چیزی را به‌خاطر خدا از دست بدهد، بیش از آنچه که می‌توانست تصورش را بکنند، از خدا دریافت کرد. اما چیزی که ما از خدا دریافت می‌کنیم، همیشه فوری، یا در قالب مادیات نیست. نباید فراموش کرد که ثروت مادی باید از زمره پادشاهی باشد که در بین پادشاهای دیگر، کمتر از بقیه موجب مسرت ما شود. بهترین و بزرگترین پادشاه، در ابدیت در انتظار ماست.

۱۱:۱۱ و ۱۲ سارا همسر ابراهیم بود. آنها بعد از سالها که از ازدواجشان می‌گذشت، نتوانسته بودند صاحب فرزند شوند. خدا وعده یک پسر را به ابراهیم داد، اما سارا شک داشت که بتواند در سنین پیری باردار شود. در ابتدا او به وعده خدا خندید، اما بعداً به آن ایمان آورد (پیدایش ۱۸) برای کسب اطلاعات بیشتر درباره سارا، به تاریخچه زندگی او در پیدایش فصل ۱۹ مراجعه کنید.

۱۱:۱۳-۱۶ مردان ایمانی که در اینجا نام برده شده‌اند، بدون دریافت وعده‌های خدا مردند، اما دیدی را که از آسمان داشتند، از دست ندادند. بسیاری از مسیحیان به‌خاطر اینکه بعد از مسیحی شدن احتیاجات، خواسته‌ها، انتظارات و نیازهایشان فوراً برطرف نمی‌شود، مایوس و سرخورده می‌شوند. آنها بی‌طاقت می‌شوند و می‌خواهند دست از ایمان بکشند. آیا شما به‌خاطر اینکه آرزوهایتان در دوردستها به‌نظر می‌رسد، دلسرد شده‌اید؟ با نگاه به این قهرمانان ایمان که بدون دیدن ثمره ایمانشان در این دنیا زندگی کردند و مردند ولی با وجود این در ایمان ماندند، جرأت پیدا کنید.

طریق او نسلی برای ابراهیم بوجود بیاورد.^{۱۹} زیرا ابراهیم ایمان داشت که حتی اگر اسحاق بمیرد، خدا قادر است او را زنده سازد. در واقع، همینطور نیز شد، زیرا اسحاق از دیدگاه ابراهیم محکوم به مرگ بود، اما عمر دوباره یافت.

^{۲۰} در اثر ایمان بود که اسحاق می دانست خدا در آینده، دو پسرش، یعقوب و عیسو را برکت خواهد داد.

^{۲۱} این ایمان بود که باعث شد یعقوب، به هنگام پیری و در آستانه رحلت، در حالیکه بر عصبای خود تکیه زده بود، دعا کند و هر دو پسر یوسف را برکت دهد.

^{۲۲} در اثر ایمان بود که یوسف پیش از وفات خود، با اطمینان اعلام کرد که روزی خدا قوم اسرائیل را از سرزمین مصر بیرون خواهد برد. او بقدری یقین داشت که از قوم خود قول گرفت که به هنگام رفتن، استخوانهای او را نیز با خود ببرند.

^{۲۳} والدین موسی نیز به خدا ایمان داشتند. از این جهت، چون دیدند که خدا فرزندی به ایشان عطا کرده که با کودکان دیگر فرق دارد، یقین حاصل کردند که خودش او را حفظ خواهد نمود. بنابراین، با اینکه پادشاه دستور داده بود که همه نوزادان پسر را به رودخانه بیندازند، ایشان بدون ترس کودک را سه ماه پنهان کردند.

۱۹:۱۱

روم ۲۱:۴

۲۰:۱۱

پیدا ۲۷:۲۷-۲۹

۲۱:۱۱

پیدا ۳۱:۴۷ : ۵:۴۸

۲۲:۱۱

پیدا ۲۴:۵۰ و ۲۵

خرو ۱۹:۱۳

۲۳:۱۱

خرو ۱۶:۱ : ۲:۲

وفاداری به خدا، صاحب مقام بالایی در مصر شد. با اینکه یوسف می توانست از آن مقام برای به وجود آوردن امپراطوری شخصی استفاده کند، اما وعده خدا را به ابراهیم به یاد آورد. بعد از آنکه با برادرانش آشتی کرد، خانواده اش را نزد خود آورد و از آنها درخواست کرد که وقتی روزی مصر را ترک می کنند، استخوانهای او را به سرزمین موعود ببرند (پیدایش ۲۴:۵۰ و ۲۵). ایمان یعنی اعتماد به خدا و به جا آوردن اراده او بدون توجه به شرایط. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره یوسف به تاریخچه زندگی او در پیدایش فصل ۳۷ مراجعه کنید.

۲۳:۱۱ والدین موسی برای حفظ جان فرزندانشان به خدا توکل کردند. آنها والدین مغروری نبودند، بلکه ایماندارانی بودند که ایمان داشتند خدا از فرزندانشان مراقبت خواهد کرد. شما والدین، آیا به اندازه کافی به مراقبت خدا از فرزندانان اعتماد دارید؟ خدا برای هر کس نقشه ای دارد، و وظیفه مهم شما این است که برای فرزندانان دعا کنید و آنها را آماده سازید تا کاری را انجام دهند که خدا برای آنان در نظر گرفته است. ایمان این امکان را به ما می دهد که حتی فرزندانمان را به خدا بسپاریم.

۲۰:۱۱ اسحاق همان پسری بود که خدا به ابراهیم و سارا در سن پیری شان داد. از طریق اسحاق بود که خدا وعده خود را به ابراهیم مبنی بر دادن فرزندان بی شمار به او، عملی کرد. اسحاق دو پسر دوقلو به نامهای یعقوب و عیسو داشت. خدا پسر کوچکتر را انتخاب کرد تا از طریق او وعده ای را که به ابراهیم داده بود، عملی سازد. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره اسحاق، به تاریخچه زندگی او در پیدایش فصل ۲۲ مراجعه کنید.

۲۱:۱۱ یعقوب، فرزند اسحاق و نوه ابراهیم بود. پسران یعقوب بنیان گذار دوازده سبط اسرائیل شدند. حتی وقتی یعقوب (که اسرائیل هم نامیده می شود) در سرزمین بیگانه در حال مرگ بود، ایمان داشت به این وعده که فرزندان ابراهیم مانند شنهای کنار دریا بی شمار خواهند بود و اسرائیل قومی بزرگ خواهد شد (پیدایش ۱:۴۸-۲۲). ایمان واقعی به ما کمک می کند تا به ورای مرگ بنگریم. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره یعقوب و عیسو، به تاریخچه زندگی آنها در پیدایش مراجعه کنید.

۲۲:۱۱ برادران حسود یوسف، او را به بردگی فروختند (پیدایش ۳۷). بعدها یوسف دوباره فروخته شد، این بار به یکی از افسران فرعون مصر. با وجود این، به خاطر

^{۲۴}در اثر ایمان بود که موسی، وقتی بزرگ شد، نخواست در کاخ فرعون بماند و نوه او نامیده شود. ^{۲۵}او ترجیح می داد همراه با خلق رنج دیده خدا متحمل مشقات شود، تا اینکه در کاخ سلطنتی، چند روزی از گناه لذت ببرد. ^{۲۶}در نظر او تحمل زحمت و ننگ در راه مسیح، بسیار با ارزشتر از تمام خزاین و گنجهای مصر بود. زیرا او چشم انتظار آن پادشاه بزرگی بود که خدا وعده داده بود. ^{۲۷}بخاطر ایمان به خدا بود که او بدون ترس از غضب پادشاه، مصر را ترک گفت و استوار به پیش رفت، همچون کسی که خدای نادیده را در مقابل دیدگان خود دارد. ^{۲۸}او چون ایمان داشت که خدا قوم خود را نجات خواهد داد، بدستور خدا به قوم اسرائیل امر کرد که هر خانواده، بره‌ای ذبح کند و خون آن را بر سردر خانه خود بپاشد تا فرشته مرگ که پسران ارشد مصریان را می کشت، به پسر ارشد آن خانه صدمه‌ای نرساند.

۲۵:۱۱

خرو ۱۰:۲-۱۲
مز ۱۰۸:۴

۲۷:۱۱

خرو ۲۸:۱۰؛ ۳۷:۱۲
عبر ۱:۱۱

۲۸:۱۱

خرو ۱:۱۲-۲۱، ۱۳-۳۰

^{۲۹}قوم اسرائیل نیز به خدا ایمان آوردند و به سلامت از میان دریای سرخ عبور کردند، گویی از زمین خشک رد می شدند. اما وقتی مصریان بدنبالشان آمدند و قصد عبور نمودند، همگی غرق شدند.

۲۹:۱۱

خرو ۱۳:۱۴-۳۱

^{۳۰}در اثر ایمان بود که حصار شهر اریحا، پس از آنکه قوم اسرائیل بدستور خدا هفت روز آن را دور زدند، فرو ریخت. ^{۳۱}اما در آن میان راحاب فاحشه، همراه اهالی اریحا کشته نشد، زیرا به خدا و به قدرت او ایمان داشت و از فرستادگان قوم خدا به گرمی پذیرایی کرد؛ اما دیگران حاضر نشدند خدا را اطاعت کنند. ^{۳۲}دیگر چه نمونه‌ای بیاورم؟ زیرا وقت مجال نمی دهد که از ایمان جدعون، باراق، سامسون، یفتاح، داود، سموئیل و انبیای دیگر سخن گویم.

۳۰:۱۱

یوش ۲:۶

۳۱:۱۱

یوش ۹:۲؛ ۲۳:۶
یعقو ۲۵:۲

۳۲:۱۱

داو ۶:۴؛ ۱۱:۶؛ ۱:۱۱
۲۴:۱۳

اسمو ۲۰:۱؛ ۱:۱۶

۳۱:۱۱ وقتی یوشع در صدد تسخیر اریحا بر آمد، جاسوسانی را به آنجا فرستاد تا استحکامات نظامی شهر را بررسی کنند. جاسوسان به راحاب بر خوردند. راحاب دو نکته منفی داشت: یکی فاحشه بودن او و دیگری غیریهودی بودنش. اما او با استقبال از جاسوسان و با اعتماد کردن به خدا برای چشم پوشی از کشتن او و خانواده اش به هنگام ویرانی شهر، نشان داد که به خدا ایمان دارد. ایمان به ما کمک می کند تا تغییر کنیم و بدون توجه به زندگی سابق یا مخالفت دیگران، کاری را که درست است انجام دهیم. جهت کسب اطلاعات بیشتر درباره راحاب، به تاریخچه زندگی او در یوشع فصل ۲ مراجعه کنید.

۳۲:۱۱-۴۰ زندگی دیگر مردان و زنان بزرگ ایمان در این آیات خلاصه شده است. برخی از آنها پیروزی‌های برجسته‌ای را تجربه کردند، حتی پیروزی بر

۲۴-۲۸ موسی یکی از رهبران بزرگ قوم اسرائیل و نیز نبی و کسی شد که شریعت را به قوم داد. اما وقتی به دنیا آمد، قوم او در مصر بردگی می کردند و مقامات مصری دستور داده بودند که تمام کودکان عبرانیان را به قتل برسانند. اما زندگی موسی به او بخشیده شد و دختر فرعون او را در خانه خود فرعون بزرگ کرد (خروج او ۲)! ایمان لازم بود تا موسی قصر را رها کند، اما او این کار را کرد چون فهمید که ثروت‌های عظیم و شهرت بسیار زودگذر است. امتیازات زودگذر ثروت، شهرت، مقام، و پیشرفت به راحتی ما را فریب می دهد و به سادگی نسبت به امتیازات درازمدت پادشاهی خدا کور می شویم. ایمان به ما کمک می کند تا به ورای ارزشهای این دنیا بنگریم و معیارهای ابدی پادشاهی خدا را ببینیم. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره موسی، به تاریخچه زندگی او در خروج فصل ۱۶ مراجعه کنید.

۳۳:۱۱ ایشان همگی به خدا ایمان داشتند؛ به همین جهت توانستند در جنگها پیروز شوند، ممالک را تسخیر کنند، عدالت را در مملکت خود اجرا نمایند، و وعده‌های خدا را دریافت کنند. ایشان در چاه شیران آسیبی ندیدند،^{۳۴} و در میان شعله‌های آتش نسوختند. با ایمانی که داشتند از خطر شمشیر جان سالم بدر بردند، و پس از درماندگی و بیماری، نیروی تازه یافتند؛ در جنگ نیز با شجاعت، تمام سپاهیان دشمن را تارومار کردند.^{۳۵} زنان به نیروی ایمان، عزیزان از دست رفته خود را زنده در آغوش کشیدند. اما عده‌ای دیگر از مؤمنین نیز بودند که تا سرحد مرگ شکنجه و آزار دیدند و ترجیح دادند بمیرند تا اینکه به خدا خیانت ورزند و آزاد شوند. زیرا خاطر جمع بودند که پس از مرگ، آزادی واقعی و جاودانی نصیبشان خواهد شد.^{۳۶} بعضی شلاق خورده، مورد تمسخر قرار گرفتند؛ بعضی دیگر در سیاه‌چالها به زنجیر کشیده شدند.^{۳۷} برخی سنگسار شدند و برخی دیگر با اره دو پاره گشتند. به بعضی وعده آزادی داده شد، به شرط آنکه ایمان خود را انکار کنند، و چون نکردند با شمشیر کشته شدند.^{۳۸} آنانی که جهان لایقشان نبود، در پوست گوسفند و بز، در کوه‌ها و بیابانها سرگردان شدند، و در غارها و چاه‌ها خود را پنهان کردند، و گرسنگی و بیماری و دربدری کشیدند.

۳۳:۱۱

اسمو ۱۷:۳۴
دان ۶:۲۲

۳۴:۱۱

داو ۷:۲۱-۱۸:۷

اسمو ۱۳:۱۴

پاد ۱۹:۳

پاد ۲:۷

ایو ۴۲:۱۰

دان ۲۵:۳

۳۵:۱۱

پاد ۱۷:۲۲

پاد ۲:۳۵

اعما ۲۲:۲۵

۳۶:۱۱

پیدا ۳۹:۲۰

ار ۲۰:۲؛ ۳۷:۱۵

۳۷:۱۱

پاد ۱۹:۱۰؛ ۲۱:۳۱

توا ۲۴:۲۱

اعما ۷:۵۸؛ ۱۴:۱۹

۳۸:۱۱

پاد ۱۸:۴

بچشیم. پیروزی‌های ما ممکن است شبیه به پیروزی‌هایی باشد که مقدسین عهدعتیق تجربه کردند، اما به احتمال بیشتر پیروزی‌های هر یک از ما مستقیماً به شرایط منحصر به فرد زندگی شخصی‌مان مربوط می‌شود. نهایتاً مهم‌ترین پیروزی ما این خواهد بود که از عذاب و مرگ جسمانی رهایی پیدا کنیم. رهایی از عذاب و مرگ جسمانی برای برخی اتفاق می‌افتد، ولی این تجربیات فقط نشانه آن پیروزی واقعی است که خدا وعده آن را داده است. حتی اگر ما جسماً بمیریم، به واسطه مسیح تا ابد زندگی خواهیم کرد. در قیام از مردگان که خدا وعده آن را داده است، حتی مرگ جسمانی مغلوب خواهد شد و پیروزی مسیح به کمال خواهد رسید.

۳۵:۱۱-۳۸ بسیاری فکر می‌کنند که درد و رنج در زندگی مسیحی یک استثناء است. وقتی مصیبتی پیش می‌آید، می‌گویند: «چرا من؟» آنها احساس می‌کنند که خدا ترکشان کرده، یا شاید آنقدرها هم که آنها فکر می‌کردند قابل اعتماد نبوده است. با وجود این، ما در دنیای شریبری زندگی می‌کنیم و زندگی حتی برای ایمانداران درد و رنج به همراه دارد. ولی خدا هنوز کنترل امور را در دست دارد. اوست که اجازة می‌دهد بعضی از مسیحیان به‌خاطر ایمانشان شهید شوند، و اوست که

مرگ. برخی دیگر شدیداً مورد بدرفتاری و شکنجه قرار گرفتند و حتی کشته شدند. داشتن ایمانی پایدار، زندگی‌ای شاد و خوشی را تضمین نمی‌کند. بلکه برعکس، ایمان ما متضمن نوعی بدرفتاری از سوی دنیاست. ما تا وقتی در این دنیا زندگی می‌کنیم، ممکن است هیچوقت نتیجه عذاب‌هایی را که می‌کشیم، نبینیم. اما می‌دانیم که خدا به وعده‌هایی که به ما داده، عمل خواهد کرد. آیا ایمان شما بر این اطمینان استوار است که خدا به وعده‌هایی که به شما داده، عمل خواهد کرد؟

۳۳:۱۱-۳۵ عهدعتیق زندگی افراد مختلفی را که پیروزی‌های بزرگی کسب کردند، ثبت کرده است. دوره فاتح جنگها بود (داوران ۵و۴). یوشع حکومت‌ها را سرنگون ساخت (کتاب یوشع). نحمیا به خوبی بر قوم خدا حکومت کرد (کتاب نحمیا). دانیال در چاه شیران محفوظ ماند (دانیال ۶). شدرک، میشک، عبدنغو در تون آتش محفوظ ماندند (دانیال ۳). ایلیا از شمشیر سرسپردگان بدکار ملکه ایزابل رهایی پیدا کرد (۱ پادشاهان ۱۹:۲). حزقیال بعد از بیماری قوی شد (۲ پادشاهان ۲۰). جدعون قدرت عظیمی در جنگها داشت (داوران ۷). به موجب کلام الیشع زن بیوه‌ای پسر به دنیا آورد (۲ پادشاهان ۸:۴-۳۷). ما هم از طریق ایمان به مسیح می‌توانیم طعم پیروزی را

۳۹ این انسانهای مؤمن، با اینکه بسبب ایمانشان مقبول خدا واقع شدند، اما هیچیک برکات موعود خدا را نیافتند.^{۴۰} زیرا خدا می‌خواست که ایشان منتظر بمانند تا همراه ما به آن برکات بهتری برسند که او برای ما در نظر گرفته است.

۴۰:۱۱
روم ۲۶:۱۱
مکا ۱۱:۶

تنبیه الهی محبت خدا را نشان می‌دهد

۱۲ پس حال که در این میدان مسابقه، چنین گروه انبوهی از ایمانداران را داریم که برای تماشای ما گرد آمده‌اند، بیاید هر آنچه را که سبب کُندی یا عقب افتادن ما در این مسابقه می‌شود، از خود دور کنیم، و با صبر و شکیبایی در این میدان بسوی هدف بدویم؛^۲ و برای پیروزی در این مسابقهٔ روحانی، به عیسی چشم بدوزیم که چنین ایمانی را در قلب ما ایجاد کرده و آن را کامل خواهد ساخت. زیرا او خود نیز در همین مسیر، صلیب، و خفت و خواری آن را تحمل کرد، چون می‌دانست در پی آن، خوشی و شادی عظیمی نصیبش خواهد شد. به همین جهت، اکنون در جایگاه افتخار، یعنی در دست راست تحت خدا نشسته است.

۱:۱۲
اقرن ۲۴:۹
فیل ۱۲:۳-۱۴

۲:۱۲
مز ۱:۱۱۰
اقرن ۱۸:۳
عبر ۱۰:۲
ایظر ۱۱:۱

۳ پس اگر می‌خواهید در این مسابقه خسته و دلسرد نشوید، به صبر و پایداری

۳:۱۲
یو ۲۰:۱۵

تشویق می‌کند. فقط ما نیستیم که جنگ ایمان را می‌کنیم و ما اولین کسانی نیستیم که با مشکلات زندگی در کشمکش هستیم. دیگران این مسابقه را دویده و پیروز شده‌اند و حالا بر ما شاهد هستند؛ شهادت آنها ما را بر می‌انگیزد تا ما نیز بدویم و پیروز شویم. چه میراث الهام‌بخشی داریم!

۴-۱:۱۲ زندگی مسیحی مستلزم تلاشی سخت است و ما را ملزم می‌کند از هر چیزی که رابطه ما را با خدا به مخاطره می‌اندازد، دست بکشیم، با صبر و شکیبایی بدویم، و با قدرت روح‌القدس با گناه بجنگیم. برای اینکه زندگی مسیحی مؤثری داشته باشیم، باید به عیسی چشم بدوزیم. اگر نگاه خود را از او بگردانیم و به خودمان یا اوضاع و شرایط اطرافمان بنگریم، لغزش خواهیم خورد. مسیری که در آن می‌دویم، راه خود ما نیست بلکه مسیری است که مسیح در پیش گرفت؛ از این رو همیشه باید او را پیش روی خود داشته باشیم.

۳:۱۲ وقتی ما با سختی‌ها روبرو می‌شویم و دلسرد می‌گردیم، دیگر مسیح را که مانند تصویری بزرگ در برابر چشمان ما قرار دارد، نمی‌بینیم. اما ما تنها نیستیم، بلکه کسی هست که به ما کمک کند. بسیاری پیش از ما در شرایطی به مراتب سخت‌تر از شرایط ما از مشکلات زندگی گذشتند و سختی‌ها را تحمل کردند. زحمات به

اجازه می‌دهد دیگران جفا ببینند. به‌جای اینکه بپرسیم: «چرا من؟» به نفع ماست که بپرسیم: «چرا من نه؟» ایمان شما و معیارهای این دنیا در تضاد با هم هستند. انتظار آن را داشته باشید که درد و رنج پیش آید تا وقتی در آن گرفتار آمدید، ضربه روحی نخورید. ما با علم به اینکه عیسی نیز رنج کشید، تسلی می‌یابیم. او ترس‌ها، ضعفها، و ناکامی‌های ما را درک می‌کند (مراجعه کنید به ۱۸-۱۶:۲ ؛ ۱۶-۱۴:۴). او وعده داده که هرگز ما را ترک نکند (متی ۲۸-۱۸:۲۰)، و برای ما شفاعت نماید (۲۴:۷ و ۲۵). در مواقع درد و رنج و جفا یا مصیبت، باید با اطمینان کامل، به مسیح و فقط به او اعتماد کنیم.

۴۰ و ۳۹:۱۱ فصل ۱۱ نامه به عبرانیان تالار مشاهیر ایمان نامیده شده است. بدون شک نویسنده، خوانندگان نامه را با نتیجه‌گیری‌ای که می‌کند، متعجب می‌سازد: این قهرمانان بزرگ یهودی پادشاه کامل خدا را دریافت نکردند، چون پیش از آمدن مسیح مردند. این اشخاص و ایمانداران مسیحی (که در آزمایشهای بسیار از خود پایداری نشان می‌دادند) طبق نقشه خدا با هم پادشاه خواهند گرفت. یک بار دیگر نامه به عبرانیان نشان می‌دهد که مسیحیت جان‌نشین یهودیت شده است.

۱:۱۲ این «گروه انبوه» متشکل از اشخاصی است که در فصل ۱۱ به آنها اشاره شد. وفاداری آنها پیوسته ما را

۴:۱۲ عبر ۳۲:۱۲	مسیح ببندیشید، به او که از سوی گناهکاران مصیبت‌ها کشید. ^۴ از این گذشته، شما تاکنون در مقابل گناه و وسوسه‌های شیطان تا پای جان مقاومت نکرده‌اید.
۵:۱۲ ایو ۱۷:۵ امث ۱۱:۳	^۵ گویا بکلی از یاد برده‌اید که کلام خدا برای تشویق شما فرزندان خدا، چه می‌گوید. کلام خدا می‌فرماید: «پسرم، هرگاه خداوند تو را تنبیه کند، دلگیر نشو، و هرگاه اشتباهات تو را خاطر نشان سازد، دلسرد نشو. ^۶ زیرا اگر تو را تأدیب می‌کند، به این علت است که دوست دارد، و اگر تو را تنبیه می‌نماید، به این دلیل است که فرزند او هستی.»
۶:۱۲ امث ۱۲:۳ مز ۱۲:۹۴ یعقو ۱:۱ مکا ۱۹:۳	^۷ کدام پسر است که پدرش او را تنبیه نکند؟ در واقع، خدا همان رفتاری را با شما می‌کند که هر پدر مهربانی با فرزندش می‌کند. پس، بگذارید خدا شما را تأدیب نماید. ^۸ اما اگر خدا هرگز شما را تأدیب و تنبیه نکند، معلوم می‌شود که اصلاً فرزند او نیستید، زیرا هر پدری فرزندش را تنبیه می‌کند.
۷:۱۲ تث ۵:۸	^۹ ما در این دنیا به پدرانمان که ما را تنبیه می‌کنند، احترام می‌گذاریم؛ پس چقدر بیشتر باید به تأدیب پدر روحانی‌مان خدا، تن در دهیم تا حیات واقعی را بیابیم.
۸:۱۲ ۱ پط ۹:۵	^{۱۰} پدران ما به صلاح‌دید خود در دوران کوتاه کودکی‌مان، ما را تأدیب می‌کردند. اما تأدیب خدا برای خیر و صلاح ماست، تا مانند او پاک و مقدس گردیم. ^{۱۱} تنبیه شدن خوشایند نیست، بلکه دردناک است. اما نتیجه آن، زندگی پاک و صفات پسندیده است که بعد از آن ظاهر خواهد شد.
۹:۱۲ اش ۱۶:۳۸	^{۱۲} بنابراین، دستهای خسته خود را بکار گیرید، بر پایهای سست و لرزان خود
۱۰:۱۲ ۴:۱ پط ۲	
۱۱:۱۲ ۶:۱ پط ۱	
۱۲:۱۲ اش ۳:۳۵	

۱۱:۱۲ ما در مقابل تنبیه الهی چند عکس‌العمل مختلف می‌توانیم نشان بدهیم: (۱) می‌توانیم با سر تسلیم فرود آوردن آن را بپذیریم؛ (۲) می‌توانیم با تأسف خوردن به حال خودمان مبنی بر اینکه مستحق تنبیه نیستیم، آن را بپذیریم؛ (۳) می‌توانیم عصبانی بشویم و از خدا برنجیم؛ یا (۴) می‌توانیم با نشان دادن عکس‌العملی مناسب نسبت به پدری با محبت، با شکرگزاری آن را بپذیریم.

۱۲:۱۲ و ۱۳ خدا فقط پدری نیست که تنبیه می‌کند بلکه همچنین مربی‌ای است متوقع که ما را مجبور می‌سازد تا منتهای سعی خود را بکنیم و از ما انتظار دارد تا زندگی منضبطی داشته باشیم. با اینکه ممکن است احساس کنیم برای رساندن خود به پیروزی قوت کافی نداریم، اما اگر از مسیح پیروی کنیم و به قدرت او متوسل بشویم، خواهیم توانست به دوییدن ادامه بدهیم. در آن صورت می‌توانیم از قدرتی که به دنبال رشد روحانی می‌بایم، برای کمک به آن دسته از اطرافیانمان که ضعیفند و در جنگ روحانی هستند، استفاده کنیم.

۱۲:۱۲ و ۱۳ کلمه «بنابراین» حاکی از این است که مطلب

مانند زمین تمرین برای رشد مسیحی است که موجب می‌شود صبر و شکیبایی ما افزایش پیدا کند و پیروزی نهایی برای ما خوشایند شود.

۴:۱۲ این آیه را می‌توان اینطور نیز ترجمه کرد: «شما هنوز تا پای جان مقاومت نکرده‌اید.» خوانندگان نامه با جفاهای سختی روبرو بودند، ولی هنوز هیچیک از آنها به‌خاطر ایمانش جان ن داده بود. از آنجایی که آنها هنوز زنده بودند، نویسنده آنان را ترغیب می‌کند تا به دوییدن در مسابقه ادامه دهند. همانطور که مسیح از دوییدن دست نکشد، آنان نیز نمی‌بایست باز ایستند.

۵:۱۲-۱۱ کدام پدر فرزندش را بیشتر دوست دارد: پدری که به فرزندش اجازه می‌دهد تا کاری را که به او آسیب خواهد رساند، انجام دهد؟ یا پدری که برای کمک به فرزندش برای آموختن کارهای درست، او را تأدیب، تربیت، و حتی تنبیه می‌کند؟ تأدیب و تنبیه الهی هیچ وقت خوشایند نیست، اما نشانه محبت عمیق خدا نسبت به ماست. وقتی خدا شما را تأدیب می‌کند، آن را دال بر محبت او بدانید و از او بپرسید سعی دارد چه چیزی به شما تعلیم دهد.

محکم بایستید،^{۱۳} و برای پایهای خود، راهی راست و هموار بسازید، تا آنانی که بدنبال شما می آیند، حتی اگر ناتوان و لنگ باشند، نیفتند و صدمه نبینند، بلکه قوت خود را باز یابند.

۱۳:۱۲

امث ۲۶:۴
غلا ۱:۶

هشدار در مورد بی توجهی به امور الهی

^{۱۴} بکوشید تا با همه مردم در صلح و صفا بسر برید، و دلی پاک و زندگی مقدسی داشته باشید، زیرا تا پاک و مقدس نباشید، خداوند را نخواهید دید.^{۱۵} مواظب باشید مبادا کسی از شما از خدا دور شود. دقت کنید تلخی در میان شما ریشه ندواند، زیرا باعث اضطراب شده، به زندگی روحانی بسیاری لطمه خواهد زد.^{۱۶} همچنین، مراقب باشید کسی گرفتار زنا و بی عفتی نشود و یا در مورد امور الهی لاقید نگردد، مانند عیسو برادر بزرگ یعقوب که حق ارشدی خود را به یک کاسه آش فروخت!^{۱۷} و بعد از آن، وقتی خواست حق خود را بازپس گیرد، هر چه اشک ریخت، موفق نشد، چون دیگر دیر شده بود و پشیمانی فایده‌ای نداشت. بنابراین، از این واقعه درس عبرت بگیرید و مواظب خودتان باشید.

۱۴:۱۲

روم ۲۲:۶ ؛ ۱۹:۱۴

۱۵:۱۲

تث ۱۸:۲۹

عبر ۱:۴

۱۶:۱۲

پیدا ۳۳:۲۵

۱۷:۱۲

پیدا ۳۴:۲۷

^{۱۸} بلی، دقت کنید زیرا شما با مسائلی سروکار دارید که بسیار بالاتر از مسائلی است که قوم اسرائیل با آن مواجه بودند. هنگامی که خداوند در کوه سینا، احکام خود را به قوم اسرائیل عطا می کرد، ایشان با شعله‌های آتش، تاریکی و

۱۸:۱۲

خرو ۱۶، ۱۲، ۱۹

۱۵:۱۲ همان طور که ریشه‌ای کوچک از درختی بزرگ رشد می کند، به همان شکل تلخی به ناگاه در قلب ما ریشه می‌دواند و حتی عمیق‌ترین روابط مسیحی ما را هم تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. تلخی، به همراه خود حسادت، مناقشه، و فساد اخلاقی را می‌آورد. اما وقتی روح‌القدس زندگی ما را فرو می‌گیرد، دیگر جایی برای تلخی نمی‌گذارد.

۱۷ و ۱۶:۱۲ ماجرای عیسو به ما نشان می‌دهد که بعضی اوقات، خطا و گناه عواقبی درازمدت دارد (پیدایش ۲۵:۲۹-۳۴؛ ۳۶:۲۷). حتی توبه و بخشش همیشه عواقب گناه را از بین نمی‌برد. چقدر شده که تصمیماتتان را به‌جای اینکه بر اساس احتیاجات درازمدت بگیرید، بر اساس نیاز فعلی‌تان اتخاذ کنید؟ اثرات بلندمدت تصمیمات و اعمال خود را ارزیابی کنید.

۱۸-۱۸:۱۲ چقدر تفاوت هست بین نزدیک شدن به خدا همراه با ترس و وحشت در کوه سینا، و نزدیک شدن به او همراه با شادی در کوه صهیون! عیسی چه اختلافی پدید آورده است! پیش از آمدن مسیح، خدا دور از دسترس و

مهمی بدنبال آن قرار دارد. ما نباید فقط به‌خاطر خودمان زندگی کنیم. دیگران از ما نمونه خواهند گرفت و اگر ادعا می‌کنیم که برای مسیح زندگی می‌کنیم، پس نسبت به آنان مسؤول هستیم. آیا دیگران با نمونه گرفتن از شما به سادگی به مسیح ایمان می‌آورند، از او پیروی می‌کنند و در او به بلوغ می‌رسند؟ یا آیا عاقبت کسانی که از شما سرمشق می‌گیرند به سردرگمی و انحراف منتهی می‌شود؟

۱۴:۱۲ خوانندگان نامه با مراسم مذهبی در مورد پاک شدن به منظور آماده شدن برای عبادت، آشنایی داشتند و می‌دانستند که برای ورود به معبد می‌بایست «مقدس» یا «پاک» باشند. گناه همیشه جلو دید ما را می‌گیرد و نمی‌گذارد خدا را ببینیم. پس اگر بخواهیم خدا را ببینیم، باید گناه را از زندگی خود بزاییم (مراجعه کنید به مزور ۲۴:۳ و ۴). قدوسیت توأم است با صلح و سازش به دور از دعوا و مرافعه. رابطه درست با خدا به رابطه درست با دیگر ایمانداران منتهی می‌شود. گرچه ما همیشه احساس محبت نسبت به همه ایمانداران نخواهیم کرد، اما هرچه بیشتر شبیه مسیح می‌شویم، باید بدنبال صلح باشیم.

ظلمت کامل، طوفان هولناک،^{۱۹} و صدای سهمگین شیپور مواجه شدند. صدایی نیز که با ایشان سخن می گفت، حاوی پیامی چنان هراس انگیز بود که از خدا التماس کردند که دیگر چیزی نگوید،^{۲۰} زیرا قادر نبودند این دستور را تحمل کنند که فرموده بود: «حتی اگر حیوانی به کوه نزدیک شود، باید سنگسار گردد.»^{۲۱} موسی نیز چنان از آن منظره ترسیده بود که می لرزید!

^{۲۲} اما سرو کار شما با این امور نیست؛ شما به چنین کوهی نزدیک نشده اید، بلکه مستقیماً به کوه صهیون و به شهر خدای زنده یعنی اورشلیم آسمانی آمده اید. شما وارد محفل شاد گروه بیشمار از فرشتگان شده اید.^{۲۳} شما به کلیسایی قدم گذاشته اید که نام اعضای آن، در آسمان ثبت شده است. شما به حضور خدایی آمده اید که داور همه است؛ به روحهای نجات یافتگانی نزدیک شده اید که در آسمان به مرحله کمال رسیده اند.^{۲۴} به حضور عیسی آمده اید که آورنده این پیمان جدید می باشد؛ شما بسوی خون او آمده اید که مانند خون هاییل طالب انتقام نیست، بلکه به روی ما پاشیده شده تا گناهانمان را بشوید.

^{۲۵} پس مواظب باشید که از او که با شما سخن می گوید، اطاعت نمایید. زیرا اگر قوم اسرائیل از سخنان موسی که یک پیغام آور زمینی بود، سرپیچی کردند و جان سالم بدر نبردند، ما چگونه از مجازات هولناک آینده در امان خواهیم ماند، اگر از کلام خدایی که از آسمان سخن می گوید، سرپیچی کنیم؟^{۲۶} هنگامی که خدا از بالای کوه سینا سخن گفت، صدای او زمین را لرزاند. اما او وعده داده و فرموده است: «بار دیگر، نه فقط زمین را، بلکه آسمانها را نیز خواهم لرزاند.»^{۲۷} منظور او اینست که هر آنچه را که پایه و اساس محکمی ندارد غربال خواهد کرد تا فقط چیزهایی باقی بمانند که تزلزل ناپذیر می باشند.

^{۲۸} پس حال که ملکوتی تزلزل ناپذیر نصیب ما خواهد شد، بیایید خدا را از صمیم قلب سپاس گوئیم و او را چنانکه سزاوار است، با خوف و احترام خدمت نماییم. زیرا خدای ما آتشی سوزاننده است.^{۲۹}

۱۹:۱۲
خرو ۱۹:۲۰

۲۰:۱۲
خرو ۱۲:۱۹

۲۲:۱۲
مز ۱۷:۶۸
غلا ۲۶:۴

۲۳:۳۱
۱:۱۴ : ۱۲:۳۱

۲۳:۱۲
۱۲:۳
عبر ۱۲:۲

۲۴:۱۲
۱۰:۴
خرو ۸:۲۴

عبر ۱۹:۹ : ۱۹:۱۰

۲۵:۱۲
۱۶
عبر ۱:۱ : ۲:۲

۲۶:۱۲
خرو ۱۸:۱۹

۲۷:۱۲
مز ۲۶:۱۰۲
متی ۳۵:۲۴

۲ پطر ۱۰:۳

۲۸:۱۲
دان ۴۴:۲

۲۹:۱۲
خرو ۱۷:۲۴
تث ۳:۹

اش ۱۵:۶۶

می کنند، قسمتی از این ملکوت هستند و اینان قدرت مقاومت در برابر تزلزل، غربال، و آتش را خواهند داشت. وقتی نسبت به آینده دچار تردید می شویم، می توانیم با این آیات اطمینان خاطر پیدا کنیم. هر اتفاقی در این دنیا بیفتد، اهمیتی ندارد چون آینده ما بر پایه و اساس محکمی بنا شده که هیچ چیز نمی تواند آن را نابود سازد. اتکاء خود را بر چیزی نابودشدنی قرار ندهید، بلکه زندگی خود را بر مسیح و ملکوت تزلزل ناپذیر او بنا کنید (برای پی بردن به اهمیت ساختن بنا بر پایه و اساس محکم، مراجعه کنید به متی ۲۴:۷-۲۹).

تهدید کننده به نظر می رسد. اما پس از اینکه مسیح آمد، خدا ما را از طریق او با آغوش باز به حضور خود می پذیرد. نسبت به پذیرفتن دعوت او بی اعتنائی نکنید.

۲۲:۱۲ ما همین حالا در اورشلیم سماوی شراکت داریم، چون مسیح بر زندگی ما سلطنت می کند و روح القدس همیشه با ما است، و طعم روابط شیرین با دیگر ایمانداران را می چشیم. مشروح تمام پادشاهای نهایی و ماهیت اورشلیم سماوی در مکاشفه ۲۱ آمده است.

۲۷:۱۲-۲۹ سرانجام دنیا متلاشی خواهد شد و فقط ملکوت خدا باقی خواهد ماند. کسانی که از مسیح پیروی

زندگی مقدس و مطیع

۱۳ محبت برادرانه را در میان خود ادامه دهید. ^۲ فراموش نکنید که با غریبه‌ها مهربان باشید و از ایشان پذیرایی کنید، زیرا بعضی با این کار، بی‌آنکه خودشان متوجه باشند، از فرشته‌ها پذیرایی کرده‌اند. ^۳ زندانی‌ها را از یاد نبرید؛ با ایشان طوری همدردی نمایید که گویا خودتان نیز در زندان هستید. در غم و رنج مظلومان شریک باشید، زیرا خودتان می‌دانید که ایشان در چه حالی هستند و چه می‌کشند.

^۴ به ازدواج خود و به عهد و پیمانی که بسته‌اید وفادار باشید، و پیوند زناشویی‌تان را از آلودگی دور نگاه دارید، زیرا خدا افراد فاسد و زناکار را حتماً مجازات خواهد کرد.

^۵ از پول دوستی بپرهیزید و به آنچه دارید قانع باشید، زیرا خدا فرموده است: «شما را هرگز تنها نخواهم گذاشت و ترک نخواهم کرد.» ^۶ بنابراین، با اطمینان کامل و با جرأت تمام، می‌توانیم بگوییم: «خداوند گره‌گشا و یاور من است. پس، از انسان خاکی ترسی ندارم؛ او چه می‌تواند به من بکند؟»

^۷ معلمین خود را که کلام خدا را به شما تعلیم داده‌اند و شما را در خصوص امور روحانی راهنمایی کرده‌اند، به یاد داشته باشید. در باره عاقبت کار و زندگی ایشان فکر کنید و بکوشید مانند آنان، ایمانی راسخ داشته باشید.

۱:۱۳

روم ۱۰:۱۲

۲:۱۳

پیدا ۱:۱۸-۳

متی ۳۵:۲۵

۳:۱۳

متی ۳۶:۲۵

کول ۱۸:۴

عبر ۳۴:۱۰

۴:۱۳

اقرن ۳۸:۷

۵:۱۳

پیدا ۱۵:۲۸

مز ۲۵:۳۷

۶:۱۳

مز ۶:۱۸

۷:۱۳

عبر ۱۲:۶

شما محل رفع نیازهای مبشرین در حال سفر باشد؟ مهمانداری فقط به این معنا است که دیگران در خانه ما احساس راحتی کنند.

۳:۱۳ ما باید با زندانی‌ها، خصوصاً کسانی که به‌خاطر ایمانشان در زندان هستند، همدردی کنیم. عیسی فرمود که پیروان واقعی او زندانی‌ها را که نمایانگر خود او هستند، ملاقات خواهند کرد (متی ۲۵:۳۶).

۶:۱۳ ما زمانی قانع می‌شویم که درک کنیم خدا برای رفع نیازهایمان کفایت می‌کند. امروزه مسیحیانی که مادی‌گرا می‌شوند، می‌گویند که خدا نمی‌تواند یا حداقل آن‌طور که آنها می‌خواهند، نمی‌تواند نیازهایشان را تأمین کند. چه ثروتمند باشیم چه فقیر، عدم اطمینان به خدا ما را بسوی پول‌دوستی سوق می‌دهد. تنها پادزهر در مقابل عدم اطمینان این است که به خدا برای رفع تمام نیازهایمان اطمینان کنیم.

۷:۱۳ اگر شما مسیحی هستید، بسیار مدیون کسانی می‌باشید که شما را تعلیم دادند و برای چیزهایی که می‌بایست درباره انجیل و زندگی مسیحی فرا می‌گرفتید، سرمشق شما شدند. همچنان از کسانی که بخشی از زندگی خود را وقف شما کرده‌اند و نمونه خوبی بوده‌اند،

۱:۱۳-۵ محبت واقعی نسبت به دیگران، اعمال ملموسی از خود نشان می‌دهد: (۱) مهربانی به غریبه‌ها (۲:۱۳)؛ (۲) همدردی با زندانی‌ها و مظلومان (۳:۱۳)؛ (۳) احترام نسبت به عهد و پیمانی که در ازدواج بسته می‌شود (۴:۱۳)؛ و (۴) قناعت کردن به آنچه که دارید (۵:۱۳). یقین حاصل کنید که محبت شما به اندازه کافی عمیق هست که بر مهمانداری، همدردی، وفاداری، و قناعت شما تأثیر بگذارد.

۲:۱۳ سه تن از شخصیت‌های کتاب مقدس بدون آنکه خودشان متوجه باشند، از فرشته‌ها پذیرایی کردند: (۱) ابراهیم (پیدایش ۱:۱۸)، (۲) جدئون (داوران ۱۱:۶)، و (۳) مانوح (داوران ۲:۱۳). برخی از مردم می‌گویند که نمی‌توانند از دیگران پذیرایی کنند چون منزلشان به اندازه کافی بزرگ یا قشنگ نیست. اما حتی اگر شما بیش از یک میز و دو صندلی در یک اتاق کرایه‌ای نداشته باشید، هستند کسانی که خوشحال خواهند شد وقتی را در خانه شما بگذرانند. آیا مهمانانی در کلیسای شما هستند که دوست دارند وعده غذایی را با شما صرف کنند؟ آیا اشخاص مجردی را می‌شناسید که از صرف چای عصرانه و مصاحبت با شما لذت ببرند؟ آیا امکان دارد که منزل

^۸ عیسی مسیح امروز نیز همان است که دیروز بود و هرگز تغییر نخواهد کرد. ^۹ پس فریفته عقاید جدید و عجیب و غریب نشوید. نیروی روحانی، عطیه و فیضی است از جانب خدا، و گر نه با رعایت رسوم مذهبی مربوط به خوردن یا نخوردن برخی خوراکیها، کسی روحاً تقویت نمی‌شود. آنانی نیز که این روش را در پیش گرفته‌اند، هیچ نفعی نبرده‌اند.

^{۱۰} قربانگاه ما صلیب است که بر روی آن، مسیح جان خود را در راه ما قربانی کرد. آنانی که می‌کوشند با اطاعت از تشریفات ظاهری مذهب یهود، نجات یابند، هرگز بهره‌ای از صلیب مسیح نخواهند برد. ^{۱۱} طبق شریعت یهود، کاهن اعظم خون حیوانات قربانی را برای کفاره گناهان به مقدس‌ترین جایگاه می‌برد و بعد لاشه حیوانات بیرون شهر سوزانده می‌شود. ^{۱۲} به همین ترتیب، مسیح نیز برای آنکه گناهان ما را بشوید، بیرون از شهر عذاب کشید و مرد.

^{۱۳} پس، بیایید ما نیز از شهر خارج شده، دیوار هوی و هوس این دنیا را پشت سر بگذاریم و بسوی او برویم، و مانند او ننگ و عار را بر دوش کشیم. ^{۱۴} زیرا این دنیا، خانه دایمی ما نیست، و ما انتظار می‌کشیم تا به خانه ابدی خود در آسمان برسیم.

۸:۱۳

یو ۵:۸

۹:۱۳

افس ۱۴:۴

کول ۱۶:۲

۱۰:۱۳

اقرن ۱۸:۱۰

۱۱:۱۳

لاو ۲۱، ۱۲:۴

۱۲:۱۳

یو ۱۷:۱۹

عبر ۱۲:۹

۱۳:۱۳

۱ پتر ۱۴:۴

۱۴:۱۳

عبر ۱۰:۱۱ : ۳۴:۱۰

او برویم.» یهودیانی که به عیسی به‌عنوان مسیح موعود ایمان نداشتند، مسیحیان یهودی‌نژاد را مورد تمسخر و جفا قرار می‌دادند. نویسنده نامه به عبرانیان در بیشتر قسمتهای نامه می‌گوید که چقدر مسیح به مراتب بهتر از روش قربانی‌هاست. حالا نویسنده به نکته مهم بحث طولانی خود می‌رسد و می‌گوید، ممکن است لازم شود اردوگاه را ترک کنیم و با مسیح عذاب بکشیم. بیرون از اردوگاه بودن به معنای ناپاک بودن بود. اما عیسی به‌خاطر آنها خفت و ناپاکی را در بیرون دروازه اورشلیم متحمل شد. حالا نوبت مسیحیان یهودی‌نژاد رسیده بود تا وفاداری خود را به مسیح بیش از هر کس دیگری، اعلام کنند و پیروی از او را علیرغم هر غذایی که ممکن بود بدنبال داشته باشد، بر گزینند. آیا چیزی هست که ما را از وفاداری کامل به عیسی مسیح باز می‌دارد؟

۱۴:۱۳ ما نباید به این دنیا بچسبیم، چون آنچه که در این دنیا هستیم و داریم همه موقتی است. تنها رابطه ما با خدا و خدمت ما به او باقی خواهد ماند. ثروت خود را بر روی زمین نیندوزید، بلکه آن را در آسمان ذخیره کنید (متی ۱۹:۶-۲۱).

اطاعت کنید. قسمتی از سرمشقی که از آنها می‌گیرید، این است که ایمان را به دیگران منتقل کنید، به عبارتی دیگر زندگی خود را تماماً وقف بشارت، خدمت و آموزش مسیحی بکنید.

۸:۱۳ ما باید چشمان خود را به مسیح بدوزیم، به او که رهبر اصلی ماست و برخلاف رهبران زمینی، هرگز تغییر نخواهد کرد. او از ابتدا همان بوده و تا ابد همان خواهد بود. در دنیایی که تغییر می‌کند، ما می‌توانیم به خداوند تغییرناپذیر خود اطمینان کنیم.

۹:۱۳ از قرار معلوم برخی تعلیم می‌دادند که نگاه داشتن قوانین مربوط به مراسم و تشریفات عهدعتیق برای نجات یافتن حائز اهمیت است. اما این قوانین برای تسلط بر افکار و هوسهای ناپسند بی‌فایده‌اند (کولسیان ۲:۲۳). قوانین می‌توانستند بر اخلاق و رفتار تأثیر بگذارند، اما نمی‌توانستند قلب انسان را عوض کنند. تغییر دائمی در اخلاق و رفتار زمانی شروع می‌شود که روح‌القدس در قلب انسان سکونت یابد.

۱۳:۱۳ این آیه را به شکل دیگری هم می‌توان ترجمه کرد: «لهمذا عار او را برگرفته، بیرون از لشکرگاه بسوی

^{۱۵} پس به یاری عیسی، و با بیان عظمت نام او، شکرگزاری خود را همچون قربانی به خدا تقدیم نماییم.^{۱۶} از نیکو کاری و کمک به نیازمندان غافل نشوید، زیرا اینگونه اعمال مانند قربانی‌هایی هستند که خدا را بسیار خشنود می‌سازند.^{۱۷} از رهبران روحانی خود اطاعت کنید، و هر آنچه می‌گویند با کمال میل انجام دهید، زیرا کار ایشان، مراقبت از جانهای شماست و از این لحاظ در برابر خدا پاسخگو می‌باشند. پس، به گونه‌ای رفتار کنید که ایشان از خدمت خود لذت ببرند، نه اینکه با درد و رنج آن را انجام دهند، زیرا در اینصورت شما نیز رنج خواهید برد.

۱۵:۱۳

لاو ۱۲:۷

مز ۱۴:۵۰

ايطر ۵:۲

۱۷:۱۳

حز ۱۷:۳ ؛ ۷:۲۳

اعما ۲۸:۲۰

سخنان پایانی

^{۱۸} برای ما دعا کنید، زیرا وجدان ما پاک است و هرگز نمی‌خواهیم خطایی از ما سر بزند.^{۱۹} این روزها نیز بطور خاص به دعا‌های شما نیاز دارم تا بتوانم هر چه زودتر نزد شما بازگردم.

۱۸:۱۳

اعما ۱۶:۲۴

۱۹:۱۳

فليم ۲۲

^{۲۰} و حال دعا می‌کنم به حضور خدایی که منشاء آرامش است، به حضور خدایی که خداوند ما عیسی را که شبان اعظم گوسفندان است پس از مرگ زنده کرد و با خون او، پیمان ابدی را تأیید نمود؛^{۲۱} و از او می‌خواهم که شما را با تمام صفات نیکو مجهز سازد تا اراده‌ی او را بجا آورید، و نیز بقدرت عیسی مسیح آنچه را که پسندیده‌ی اوست، در ما عملی سازد. شکوه و جلال تا ابد از آن مسیح باد. آمین.

۲۰:۱۳

اش ۱۱:۴۰

حز ۲۶:۳۴ ؛ ۲۶:۲۴

زک ۱۱:۹

يو ۱۱:۱۰

۲۱:۱۳

روم ۳۶:۱۱

فيل ۱۳:۲

ايطر ۱۰:۵

^{۲۲} ای برادران، خواهش می‌کنم به آنچه در این نامه نوشته‌ام، با صبر و حوصله

می‌کاهند. آیا رفتار شما به گونه‌ای هست که رهبران شما از خدمت خود لذت ببرند؟

۱۹:۱۸ و ۱۹:۱۳ نویسنده نامه بر نیاز به دعا واقف بود. رهبران مسیحی در معرض خطرات بسیاری هستند: انتقاد از سوی دیگران، غرور در صورت موفقیت، افسردگی در صورت شکست. شیطان نیز دائماً می‌کوشد تا خدمتی را که برای خدا می‌کنند، بی‌اعتبار جلوه دهد. آنها شدیداً به دعا‌های ما احتیاج دارند! شما برای چه کسی به‌طور مرتب دعا می‌کنید؟

۲۰:۱۳ و ۲۱:۲۰ این آیات شامل دو ثمره مهم عمل مسیح در زندگی ماست. نویسنده دعا می‌کند که خدا (۱) در مسیحیان عمل کند تا از آنها **اشخاصی** بسازد که پسندیده او باشند، و (۲) مسیحیان را مجهز سازد تا **کارهایی** بکنند که پسندیده اوست. اجازه بدهید خدا شما را عوض کند، و بعد به کار بگردد.

۱۵:۱۳ و ۱۶ اگر این مسیحیان یهودی نژاد به‌خاطر شاهد بودن بر مسیح موعود، دیگر نمی‌توانستند با سایر یهودیان به عبادت بپردازند، اما می‌توانستند شکرگزاری را قربانی به حساب بیاورند، قربانی‌ای که هر جا و هر وقت می‌توانستند تقدیم کنند. مطمئناً این آیه، سخنان هوشع نبی را به یاد آنها آورده است که گفت: «ای خداوند گناهان ما را از ما دور کن، به ما رحمت فرموده، ما را بپذیر تا قربانی شکرگزاری به تو تقدیم کنیم» (هوشع ۲:۱۴). امروز قربانی تشکر شامل سپاسگزاری از مسیح به‌خاطر قربانی او روی صلیب و اعلام آن به دیگران می‌باشد.

۱۷:۱۳ وظیفه رهبران کلیسا این است که به مردم یاری دهند تا در مسیح رشد کنند. ایماندارانی که با رهبران همکاری می‌کنند، به مقدار زیادی از بار مسؤولیت ایشان

۲۳:۱۳
اعما ۱:۱۶
اتسا ۲:۳

توجه کنید، زیرا نامه کوتاهی است.^{۲۳} می‌خواهم بدانید که برادر ما «تیموتائوس» از زندان آزاد شده است؛ و اگر زود به اینجا برسد، همراه او به دیدن شما خواهیم آمد.^{۲۴} سلام مرا به همه برادران خود و به سایر مؤمنین برسانید. مسیحیان ایتالیا که در اینجا نزد من می‌باشند، به شما سلام می‌رسانند.^{۲۵} لطف خدا شامل حال همه شما باد.

یهودی‌نژاد قرن اول نوشته شده است، اما برای مسیحیان در هر عصر و از هر نژادی قابل استفاده است. بلوغ مسیحی یعنی مسیح را ابتدا و انتهای ایمان خود دانستن. برای اینکه به بلوغ برسیم، باید او را در مرکز زندگی خود قرار دهیم، بر تشریفات مذهبی متکی نباشیم، دوباره در گناه نیفتیم، به خودمان اتکا نکنیم، و اجازه ندهیم چیزی بین ما و مسیح قرار بگیرد.

۲۳:۱۳ ما هیچ مدرکی دال بر زندانی بودن تیموتائوس نداریم، اما از اینجا می‌فهمیم که او را از زندان آزاد می‌کنند. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره تیموتائوس، به تاریخچه زندگی او در تیموتائوس مراجعه کنید.

۲۵ و ۲۴:۱۳ پیام نامه به عبرانیان، دعوت مسیحیان به بلوغ روحانی است. این نامه خطاب به مسیحیان